



جاویدنام تیمسار ارتشبد محمد خاتمی

سخن ماه

تنها راه رهائی،

آگاهی، همبستگی و پرهیز از خودکامگی است

آغاز سی و دومین سال انتشار مجله پژوهش

خوانندگان و هموطنان گرامی:

دویست و پانزدهمین شماره ماهنامه پژوهش را پیش روی دارید؛ پژوهشگران آفریدگار هستی‌ها را سپاسگزارند که به‌آنان سلامتی و توفیق خدمتگزاری به هم‌میهنان را طی سی و یک سال گذشته اعطاء کرده است.

طی سالهای متمادی، هدف اصلی پژوهشگران ایجاد هم‌آهنگی و همگامی بین ایرانیانیکه شعارشان کردار نیک، گفتار نیک و پندار نیک است، بوده و همواره سعی و کوشش شده است تا هموطنان را بیش از پیش در جریان حقایق سرنوشت‌ساز جهان و کشور عزیزمان ایران قرار دهند.

شعار پژوهشگران همواره «تنها راه رهائی، آگاهی است» بوده و بر این باور هستند ملت ایران زمانی از قید و بند استثمار و اسارت دستاربندان رهائی خواهد یافت که آگاهی کامل در تمام زمینه‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی داشته و با همبستگی، از خودشیفتگی پرهیز کنند.

خوشبختانه محتوی و نحوه انتشار ماهنامه پژوهش این حقیقت را بر هموطنان روشن می‌سازد که دیناری بازدهی در انتشار این نشریه وجود ندارد، لذا برای هرچه بهتر شدن آن از کلیه محققان، دانشمندان و استادان دعوت و تقاضا می‌شود با ارسال نتایج تحقیقات و نوشتار خود، پژوهشگران را در راه آگاه کردن هموطنان از رویدادهای کشورمان و جهان یاری نمایند. در پایان از همه‌گان خواهشمندیم پس از مطالعه ماهنامه پژوهش و در صورت مقبولیت و پسند آن، خواندن آنرا از طریق فیسبوک، توئیتر و ایمیل به‌دوستان و آشنایان خود توصیه نمایند.

پژوهشگران - پاینده ایران



تنها راه رهایی:

آگاهی، همبستگی و پرهیز از خودشیفتگی است



شماره ۲۱۵، سال سی و دوم، خرداد ۱۴۰۱

No. 215, May/June 2022

« تنها راه رهائی، آگاهی است »

مجله پژوهش زیر نظر شورای نویسندگان منتشر

و به‌تمام گروه‌های ملی و آزادی‌خواه وابسته است

هم‌آهنگ کننده: دکتر مصطفی عرب

صاحب امتیاز: فاطمه عرب (M.B.A - M.A.)

مشاورین فنی: مهندس امیر و علی عرب

روابط عمومی: زهرا و دکتر لیلی عرب

دستیاران: پرینستون، عالیا و سوفیا

پژوهشگران و نویسندگان شخصاً مسئول

نظرات و نوشته‌های خود هستند

آدرس و شماره تلفن مجله:

**9008 Caminito Vera
San Diego, CA 92126**

(858)566-5566

Email:

arya5@aol.com

آیا قیمت ماکارونی در ایران از فرانسه گران تر شده است؟

متوسط قیمت هر بسته نیم کیلوگرمی ماکارونی در بازار ایران طی ۶ سال گذشته بیش از ۱۶ برابر شده است.

متوسط قیمت هر بسته نیم کیلوگرمی ماکارونی در آخرین گزارش مرکز آمار ایران که مربوط فروردین ماه سال جاری است، ۷۴۲۹ (هفت هزار و چهارصد بیست و نه) تومان اعلام شده است.

بنابراین در حالی نرخ ماکارونی در بازار فرانسه حدود ۲ برابر بازار ایران است که حداقل دستمزد در این کشور ۶/۷ برابر ایران می‌باشد. این بدان معناست که قدرت خرید مردم فرانسه بر مبنای کالای ماکارونی، بیش از ۳ برابر مردم ایران است.

یک اقتصاددان:

«با رشته معارف اسلامی دانشگاه امام صادق که نمی‌توان مملکت را

اداره کرد!؟»

مشکلات اقتصادی کشور آنقدر زیاد شده که هنوز یکسال از عمر دولت نگذشته، حامیان ابراهیم رئیسی هم به منتقدان او تبدیل شده‌اند. تصمیمات اقتصادی دولت تا این لحظه نتیجه عکس داده و قیمت کالاها روز به روز گران‌تر می‌شود.

مهدی پازوکی اقتصاددان در گفتگو با رویداد ۲۴ بررسی کرده که چرا دولت در چنین شرایطی قرار گرفته است. او می‌گوید: «کشور را نمی‌توان با شعار و مداحی و فارغ التحصیلان رشته معارف اسلامی اداره کرد.»

اگر بی‌حجابی علت گرانی است باید دنیا را فحطی گرفته باشد!

محمد تقی فاضل میبیدی در پاسخ به صحبت‌های علم‌الهدی که علت گرانی را بی‌حجابی ذکر کرده بود در صفحه توئیتر خود به تمسخر نوشت: «اگر بی‌حجابی علت گرانی است باید دنیا فحطی گرفته باشد. کمی فکر کنید!»

فاضل میبیدی به تناقض گفته‌های علم‌الهدی اشاره کرد و افزود: «چرا برخی امامان جمعه از انصاف و عدالت خارج می‌شوند؟ آقای علم‌الهدی علت گرانی‌ها را در دولت پیش شخص روحانی می‌دانست. در این دولت بی‌حجابی و دلالتان سودجو می‌داند. کاش برای برخی امامان جمعه فکری می‌شد تا سخنان بی‌مبنا به‌نام دین گفته نمی‌شد.»



خبرهایی از ایران و جهان

تنها ۵ درصد مردم توان خرید «برنج ایرانی» را دارند

سرانه مصرف گوشت و برنج ایرانیان کاهش داشته و به‌گفته کارشناسان، سوتغذیه ایرانیان را جدی می‌کند.

عده‌ی بیشتری می‌گویند درآمدشان کفاف آن را نمی‌دهد که گوشت و برنج تهیه کنند!

مصطفی بحق، رئیس اتحادیه خواربار اصفهان با اشاره به افزایش قیمت برنج ایرانی به کیلویی ۱۰۰ هزار تومان، گفت:

«امروز تنها ۵ درصد ایرانی‌ها و یا اصفهانی‌ها توان خرید برنج ایرانی را دارند.»

وی همچنین اظهار کرد:

«متأسفانه سال گذشته محصول برنج شمال بین ۲۵ تا ۳۰ درصد کم بود، همچنین هزینه‌های برنج‌کاران دو تا سه برابر افزایش یافته است.»

وی با اشاره به قیمت برنج در بازار اصفهان، اظهار کرد: «در حال حاضر قیمت برنج ایرانی کشت اول ۹۰ هزار تومان و برنج کشت دوم ۱۰۰ هزار تومان است. همچنین هر کیلو برنج تایلندی ۱۲ هزار و ۵۰۰ تومان، هندی ۱۸ هزار و ۵۰۰ تومان و پاکستانی ۲۰ هزار و ۵۰۰ تومان است.»

نان به صورت سهمیه‌ای و با کد ملی فروخته خواهد شد!؟

همزمان با انتشار گزارش‌هایی از آزاد شدن نرخ گندم و آرد و جهش چشمگیر قیمت نان، یک مقام ارشد وزارت اقتصاد ایران گفته است که نان به‌صورت سهمیه‌ای و با کد ملی فروخته خواهد شد.

ابراهیم صیامی، مدیرکل آینده‌پژوهی، مدل‌سازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت اقتصاد، درباره سازوکار این برنامه گفت:

«برای هر کد ملی یارانه نان ثبت می‌شود. مردم به‌هنگام خرید نان، به‌همان قیمت قبلی پول پرداخت می‌کنند و مابه‌التفاوت آن را دولت پرداخت می‌کند.»

گزارش رسانه‌های داخل ایران نشان می‌دهد که افزایش قیمت ماکارونی باعث سهمیه‌بندی این کالا شده است و برخی فروشگاه‌ها بین دو تا شش بسته به‌هر مشتری می‌فروشند.

تاراج ایران

جمعی از باستان‌شناسان ایران در نامه‌ای سرگشاده به‌محمدباقر قالیباف (رئیس مجلس شورای اسلامی) از طرح نمایندگان که قصد دارند فروش آثار تاریخی ایران تسهیل کنند، ابراز نگرانی کرده‌اند. این طرح «استفاده بهینه از اشیاء باستانی و گنج‌ها» نام دارد و در آن پیش‌بینی شده که ایران مرکز منطقه‌ای خرید و فروش آثار تاریخی و باستانی شود.

امضاء کنندگان نامه گفته‌اند تنها یک نگاه گذرا به‌طرح از جانب هر دانش‌آموخته باستان‌شناسی کافی است تا روشن سازد که تهیه‌کنندگان طرح یادشده، نه‌تنها از بدیهیات و الفبای رشته باستان‌شناسی بی‌اطلاع بوده‌اند، بلکه از مشاوره هیچ‌یک از نهادهای رسمی باستان‌شناسی کشور بهره‌ای نبرده‌اند.

نویسندگان که ۶۱ استاد باستان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران هستند در نامه خود نوشته‌اند که نفس حضور واژه سخیف و گمراه‌کننده گنج در عنوان طرح، نشانه مهمی از طرح کارشناسی نشده‌نمایندگان است.

در این نامه ابراز نگرانی شده که در صورت تصویب این طرح، آثار تاریخی و ملی ایران مورد سوءاستفاده دلالت‌آفرینی و بین‌المللی قرار خواهد گرفت.

طرح نمایندگان مجلس در مراحل اولیه قانونگذاری است و نیاز به‌تصویب در صحن مجلس و تأیید شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام دارد.

کچل نامیدن یک مرد مصداق آزار جنسی است

دادگاهی در بریتانیا اعلام کرد کچل خواندن یک مرد در محل کار به‌منزله آزار جنسی است. این دادگاه گفت اشاره به ریش موی مردان نوعی آزار جنسی است، زیرا این قضیه در میان مردان شایع تر است و بنابراین ذاتاً به جنسیت ربط دارد. این دادگاه به پرونده‌ای مربوط به سال ۱۹۹۵ اشاره کرد که در آن تشخیص داده شده بود زنی که درباره اندازه سینه‌اش از مدیر خود نظری شنیده بود، مورد تبعیض جنسی قرار گرفته است.

کرونا و کرونا!



**نظام مزدور و قهقرائی آخوندی برای
جُلُوگیری از گسترش قیام مردمی، تنها
چاره را در شیوع هرچه بیشتر ویروس
کرونا دید!**

نامه های ایرانی!



مراسم ویژه پلیس هند برای سگی که در دوران خدمت خود جان

بیش از ۶۰۰۰ انسان را نجات داده

و بیش از ۲۵۰۰ مین و ۶۰۰ نارنجک را کشف کرده بود

قیمت سرسام آور نان در ایران و فرستادن آرد خیره به کربلا!؟

قیمت خوراکیها مانند دیگر مایحتاج زندگی در شهرهای ایران، بویژه تهران سر به فلک کشیده و نیمی بیشتر از ملت ایران توانایی حتی خرید نان را ندارند!

در زیر به آخرین قیمت‌های نان در کشورمان توجه کنید:

- * هر قرص نان لواش تنوری با آرد کامل: ۲۲ / ۰۰۰ ریال
- * هر قرص نان تافتون: ۴۰ / ۰۰۰ ریال
- * هر قرص نان فطیر ساده: ۷۰۰ / ۰۰۰ ریال
- * هر قرص نان فطیر جو: ۷۰ / ۰۰۰ ریال
- * هر قرص نان سنگک: ۱۰۰ / ۰۰۰ ریال
- * هر قرص نان بربری: ۱۱۰ / ۰۰۰ ریال
- * هر قرص نان روغنی: ۱۱۰ / ۰۰۰ ریال
- * هر بسته ۲۰ تایی نان خشک ۲ آتیشه ۶۵ / ۰۰۰ ریال

وزیر کشور از افزایش قیمت مرغ، تخم‌مرغ، لبنیات و روغن خبر داد

احمد وحیدی، وزیر کشور ایران در اظهاراتی خبر داد، دولت ابراهیم رئیسی، مجوز افزایش قیمت مرغ، تخم‌مرغ، لبنیات و روغن را صادر کرده است.

وحیدی در یک برنامه زنده تلویزیونی گفت:

افزایش قیمت این اقلام ضروری به‌دلیل حذف ارز ترجیحی و «هدمندن کردن یارانه‌ها» صورت می‌گیرد.

پیشتر واکنش ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری این کشور به‌افزایش قیمت ماکارونی، نشان داده بود صدور مجوز دولتی برای گرانی کالاهای از پیش تعیین‌شده، مانعی برای افزایش قیمت سایر کالاها ایجاد نمی‌کند.

رئیسی، در اظهاراتی که سلب مسئولیت خود را نشان می‌داد، افزایش قیمت کاهالای ضروری را «بی‌دلیل» خواند و بازار این کشور را «رهاشده» دانست.



واقعیت تلخ

هیچکس نمی‌توانست بهتر از «میخائیل گورباچف» (رهبر سابق شوروی) اوضاع سیاسی ایران را توضیح و آشکار کند! وی در مصاحبه‌های اظهار کرد:

«حکومت ملایان از سوی غرب برای ایجاد بحران در منطقه انتخاب و گمارده شده است. این حکومت تا زمانیکه بتواند در منطقه بحران‌سازی کند و در واقع نقش یک «لولو» را برای غرب بازی کند، اجازه‌ی ماندن بر قدرت را دارد. ولی به محض پایان توان بحران‌سازی در منطقه، در مدت کوتاهی (چند هفته) برداشته و سرنگون خواهد شد.»

مجرای پرداخت یارانه دولت ترکیه به ایرانی‌ها چیست؟

هزینه‌ی پرواز (رفت و برگشت) به کشور عربستان سعودی ۱۶ میلیون تومان است، اما فقط کشور ترکیه است که دولت آن در راستای جذب توریست، یارانه می‌پردازد؟!

اگر هزینه پرواز به ترکیه ۱۰ میلیون تومان است، ۴ میلیون از مسافر دریافت می‌شود و ۶ میلیون دیگر را دولت ترکیه پرداخت می‌کند، زیرا معتقد است این هزینه از محل خرید هزینه و سوقات توریست‌ها جبران می‌شود؛ بنابراین قیمت پروازهای ترکیه پایین‌تر از سایر کشورهاست.

سید صادق حسینی، رئیس سازمان حج و زیارت تصریح کرد درباره انتقاداتی مبنی بر گران بودن هزینه سفر به عتبات علی‌رغم مسافت کم نسبت به سفر به کشوری مانند ترکیه که مسافت بیشتری دارد، اظهار کرد:

در جلسه شورای عالی ارز، درباره این انتقاد از وزیر راه و رئیس سازمان هواپیمایی سؤال کردم و پاسخ آن‌ها این بود که دولت ترکیه نسبت به پروازهایی که در مسیر ایران است، به‌صورت مشخص یارانه فوق‌العاده‌ای می‌پردازد.

آتشکده ساسانی در نیاسر کاشان، محل کباب پزی شده است!؟

آتشکده دوران ساسانی در نیاسر کاشان، منقل کباب شده است، بدون اینکه نظارتی از سوی دولت، صورت بگیرد. به‌منظر شما چرا حکومت جمهوری اسلامی نسبت به بقای آثار باستانی ایرانی بی‌تفاوت است؟ جواب بسیار ساده است: چون نمی‌خواهد اثری از عظمت گذشته‌ی کشورمان باقی بماند. جمهوری اسلامی حکومتی است که امامزاده‌ها را تجهیز و آثار باستانی کشورمان را ویران می‌کند!

کسانی‌که برای بازدید به آتشکده دوران ساسانی در نیاسر کاشان رفته بودند، می‌بینند عده‌ای از هموطنان ناآگاه آزادانه در این بنای باستانی به کباب‌پزی مشغولند. این اثر با نام آتشکده نیاسر در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۱۷ با شماره ثبت ۳۱۶ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به‌ثبت رسیده است.

ابراز نگرانی «هنری کیسینجر»

از انحراف نبرد در اوکراین به سوی جنگ هسته‌ای

هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه پیشین آمریکا، بر این باور است که ولادیمیر پوتین (رئیس جمهوری روسیه)، در ارزیابی مواضع بین‌المللی و همچنین توانمندی‌های روسیه در تهاجم به اوکراین، دچار اشتباه محاسباتی شده است.

او پیش‌بینی کرد که پوتین زمانی به‌خاتمه جنگ در اوکراین تن خواهد داد که عملاً هرگونه احتمال ماندن روسیه به عنوان «ابرقدرت» در آینده را نابود ساخته است.

کیسینجر که در دهه هفتاد قرن گذشته، در دولت‌های «ریچارد نیکسون» و «جرالد فورد»، خدمت می‌کرد، در مصاحبه‌ای با «فایننشال تایمز» گفت بیم آن دارد که این منازعه، به حوزه هسته‌ای منحرف شود.

شایان ذکر است که راهبرد کیسینجر در تنش‌زدایی میان ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی و به ویژه میان آمریکا و چین، نهایتاً به سفر تاریخی پرزیدنت نیکسون به پکن در سال ۱۹۷۲ انجامید.

وزیر خارجه پیشین آمریکا گفت که چگونه با تعاملی متفاوت با این دو دشمن، توانست مسکو را از پکن جدا سازد.

کیسینجر تأکید کرد اکنون و در بحبوحه خصومت‌ها در اروپا، واشنگتن باید بار دیگر این سیاست را در پیش گیرد.



نه

به جمهوری اسلامی

گسترش اعتراضات به گرانی در چند استان!

«توپ، تانگ، فشفشه آخوند بدید گم بشه»

«رئییسی دروغگو حاصل وعده‌هاات کو»

«هموطن، هموطن، حمایت، حمایت»

«نه‌توسید، ما همه با هم هستیم»

«رضا شاه، روح شاد»

اعتراضات به موج گرانی مواد خوراکی پس از خوزستان به چند استان دیگر از جمله تهران، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد و کرمانشاه هم سرایت کرده است.

اعتراض‌های مردمی به راهسازی قیمت‌ها و بی‌توجهی حکومت به‌وضع معیشتی مردم که از خوزستان آغاز شده بود، به استانهای دیگر ایران سرایت کرد.

همزمان با خوزستان مردم در شهرهای مختلف استانهای چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، فارس و کرمانشاه نیز در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت ابراهیم رئیسی و فشار روزافزون معیشتی به‌مردم به‌خیابان‌ها آمده و بر ضد سران حکومت شعار دادند. جو در تهران و کرج هم به شدت امنیتی گزارش شده‌است.

خبرگزاری دولتی ایرنا با تایید حضور مردم معترض در خیابانهای شهرهای مختلف از جمله جوققان، یاسوج، شهرکرد، کازرون، اندیمشک و ایذه اعلام کرد، مردم در قشاقویه تهران با شعار بر علیه دولت، بازگشت قیمت‌ها به‌قبل را خواستار شدند.

در اندیمشک، گروهی از شهروندان در تجمع اعتراضی خواستار استعفای ابراهیم رئیسی شدند و شعار مرگ بر خامنه‌ای سر دادند. پلیس هم در مقابل، اقدام به شلیک تیر هوایی کرد. در شهرکرد هم مردم از نیروهای امنیتی خواستند، با معترضان همراه شوند.

«مرگ بر خامنه‌ای» «مرگ بر رئیسی» و «رضا شاه روح شاد» شعارهای اصلی تظاهرات کنندگان در همه شهرهای معترض به وضع موجود بوده است.»

خلبان بی‌هوش شد و یکی از مسافران هواپیما را فرود آورد

وقتی خلبان یک هواپیمای تک موتوره (سسنا ۲۸۰) بر فراز سواحل اقیانوس اطلس فلوریدا پرواز می‌کرد، ناگهان بیمار شد و یکی از مسافران که هیچگونه تجربه پروازی نداشت، توانست هواپیما را به‌سلامت فرود بیاورد.

این هواپیما از فرودگاه بین‌المللی «مارش هاریر» در «باهاما» بلند شد. اداره هوانوردی فدرال آمریکا نیز گزارش داد که این هواپیمای کوچک سه سرنشین (یک خلبان و دو مسافر) داشت. خوشبختانه در این رویداد هیچ‌یک از سرنشینان آسیب ندید.

توهین نماینده روسیه به ایرانی‌ها:

ما عین خر در گل گیر کرده ایم یا شما ایرانی‌ها؟

نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی واقع در وین که همیشه با اظهارات و مواضع جنجالی خود خبرساز بوده، این بار هم به انتقاد یک کاربر ایرانی پاسخ تند و زنده‌ای داد.

«اولیانوف» در پاسخ به کاربر ایرانی که نوشته بود:

«اکنون به فکر خود باشید که عین خر در گل گیر کرده‌اید» گفت: «ما یا شما؟!»

هشدار گروه هفت به روسیه: جابه‌جایی مرزها را هرگز نمی‌پذیریم!

وزیران خارجه هفت کشور صنعتی جهان، موسوم به گروه هفت (جی۷) در یک اجلاس سه روزه در شمال آلمان به‌رایزنی درباره برخی از دغدغه‌های مشترک، به‌خصوص تجاوز نظامی روسیه به اوکراین پرداختند.

در بیانیه پایانی این نشست تاکید شده مرزهایی که روسیه تلاش می‌کند از طریق جنگ علیه اوکراین تغییر دهد، هرگز به‌رسمیت شناخته نخواهد شد.

همچنین در این بیانیه آمده است:

«ما هرگز مرزهایی را که روسیه با تهاجم نظامی در پی تغییر آن است به‌رسمیت نخواهیم شناخت و به پشتیبانی از حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین، به‌انضمام شبه‌جزیره کریمه و همه کشورها متعهد خواهیم بود.»

روسیه که سال ۲۰۱۴ شبه جزیره کریمه را به‌رغم مخالفت‌های بین‌المللی ضمیمه خاک خود کرد از ۲۴ فوریه امسال تجاوز نظامی به خاک اوکراین را آغاز کرده است.



تغییر کتاب های درسی ایران به دستور علی خامنه ای

وزیر آموزش و پرورش از تغییر کتاب های درسی دانش آموزان از سال آینده تحصیلی بر اساس دستور علی خامنه ای، خبر داد.

در یک نمونه، حذف انتگرال از کتاب های درسی دانش آموزان دبیرستانی حاشیه ساز شد؛ همچنین سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی در حال برنامه ریزی برای گنجانیدن مطالب ضدآمریکایی در کتاب های درسی است، اما گفته است این تغییرات با تذکر رهبر جمهوری اسلامی انجام خواهد گرفت!؟

نیروی دریایی آمریکا از توقیف شناور حامل ۶۴۰ کیلوگرم متامفتامین

و «خدمه ایرانی» آن خبر داد

ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا از توقیف یک شناور ماهیگیری در دریای عمان حامل ۶۴۰ کیلوگرم ماده مخدر متامفتامین خبر داد.

ارزش محموله کشف شده، ۳۹ میلیون دلار آمریکا برآورد شده است و براساس گزارش نیروی دریایی آمریکا سرنشینان شناور خود را «ایرانی» معرفی کرده اند.

بنا بر گزارش ها، این شناور ماهیگیری در منطقه ای کشف شده است که معمولاً برای قاچاق انسان، اسلحه و مواد مخدر استفاده می شود.

نیروی دریایی ایالات متحده با همکاری برخی از کشورهای منطقه، از ابتدای سال ۲۰۲۲ تاکنون، چندین محموله قاچاق انواع مواد مخدر، از جمله هروئین، متامفتامین، قرص های آمفتامین، به ارزش ۱۳۰ میلیون دلار کشف کرده است.

به گفته مقام های ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده، با نزدیک شدن نیروهای آمریکایی، سرنشینان قایق سعی کرده اند؛ بیش از ۶۰ بسته از مواد مخدر جاسازی شده در کشتی را به دریا بریزد. تمامی سرنشینان این قایق در بازداشت ایالات متحده قرار دارند و به یکی از کشورهای منطقه منتقل خواهند شد.

متامفتامین یک ماده محرک سیستم عصبی مرکزی به شمار می رود. این ماده در بازار سیاه با نام «شیشه» یا «کرپستال» شناخته می شود.



دیروز و امروز

کدامین را شایسته خانم های ایرانی میدانید؟

انفجار در آشپزخانه

حادثه تلخ در ماه رمضان

زن خانه داری بر اثر سوختگی جان خود را از دست داد و شوهرش نیز مجروح و برای مداوای سوختگی هایی که در تلاش برای نجات همسرش بود به بیمارستان منتقل شد

حادثه چگونه اتفاق افتاد:

اجاق گاز روشن بود، زن سوسکی را در نزدیکی سینک دید، یک قوطی حشره کش برداشت و آن را در نزدیکی اجاق گاز روشن به طرف سوسک اسپری کرد!؟

در یک چشم به هم زدن انفجار رخ داد؛ زن بیچاره آتش گرفت و سوختگی ۶۵ درصد بدنش را فراگرفت.

شوهرش با عجله تلاش کرد تا آتش را خاموش کند، ولی لباس او هم آتش گرفت.

شوهر هنوز در بیمارستان، در بخش سوختگی است و نمی داند که همسرش در بدو ورود فوت کرده است.

بایستی توجه داشت که اسپری های حشره کش حاوی محلول های فرار بسیار قابل اشتغال هستند و از آنجاییکه اسپری به سرعت پخش می شود، تنها یک جرعه برای ایجاد انفجار در هنگام مخلوط شدن با اکسیژن موجود در هوا کافی است.

از هیچ نوع آئروسول در نزدیکی آتش استفاده نکنید؛ همچنین مراقب اسپری ضد عرق و اسپری خوشبو کننده نیز باشید!؟

هر ایرانی باید آنرا بداند چطور بوجود آمد، زیرا امروزه این نیرو تنها قدرتی است که می‌تواند تا خبر شوند بیاید و برود. آن روز که من فکر کردم که خلبان شوم و وارد نیروی هوایی کردم بیش از بیست سال از سنم می‌گذشت و هیچگاه فکر نمی‌کردم که برای جنگیدن خلبان می‌شوم، بلکه پرواز را نیز یک نوع تفریح و ورزش حساب می‌کردم و چون بطور کلی خیلی به ورزش علاقمند بودم بنابراین نیت ورود و داوطلب شدن به نیروی هوایی بدین انگیزه بود و بس و بعدها که داخل در نیروی هوایی شدم دیدم که همه افراد در نیروی هوایی دلیل‌اشان نظیر من بود با این تفاوت که نیت من فقط یک نیت تمیز بود وگرنه ورود به نیروی هوایی برای خیلی‌ها ضمن یک تفریح منبع درآمد هم بود.

کسی اولین پرواز سلو را نمی‌رفت مگر مثلاً یک بارانی نو که به تن داشت را به معلم می‌داد و یا ... و بعداً در آزمایش‌های بعدی خلبان نمی‌شد، مگر دم آقا معلم را می‌دید و البته آقا معلم هم به‌نوبه خود با فرمانده مستقیم خود سر و سبزی داشت! این موضوع گرچه به‌مرور زمان وضع زنده خود را از دست داد، ولی هیچگاه از بین نرفت و حتی تا وقتی که من فرمانده شدم؛ گرچه در گردانهای من این رسم از بین نرفته بود، ولی بعداً متوجه شدم که این موضوع تبدیل به رسم بهتری به‌عنوان کادو یا یادگار رسم شده است. مثلاً حتی یکی از خلبانان فرمانده من که با هواپیمای T33 مستقل شده، به معلم‌اش فندک طلا یادگار داد و دیگری قلم خود نویس طلا داد.

بیست و نهم تیر ماه هزار و سیصد و پنجاه

با احتساب خدمت دانشکده افسری، سی و دو سال و بدون احتساب خدمت دانشکده افسری سی سال خدمت کرده‌ام. در طول خدمت هر قدر جوان‌تر بودم، جسورتر و بی‌باکتر حرف می‌زدم و کار می‌کردم و البته به‌علت همین جسارت، کارم خوب جلو می‌رفت و احياناً شاید تصور می‌کردم این استعداد و توانایی یک موهبت الهی است که خداوند فقط به‌من داده است.

گرچه استعداد حرفه‌ای را که انتخاب کرده بودم بطور خوب و عالی داشتم، ولی نمی‌شود گفت آنچه در پیشبرد کار نشان داده می‌شود، صرفاً به‌علت استعداد کاری بود، بلکه مسائل دیگری نیز همیشه و در همه جا وجود دارد که ارتباطی با آن استعداد ندارد که بعدها در سن بالاتر دانستم چیست!

گفتم در سن جوان‌تر ... بله در سال‌های بعد کم کم دانستم که این جسارت و سرعت و برش، با ادامه خدمت شاید جور در نمی‌آید و باید ملایم‌تر شد. البته ملایم‌تر شدم، ولی هنوز آن ملایمت با ملایمت‌هایی که دیگران می‌دانستند و می‌فهمیدند، زمین تا آسمان فرق داشت.

یادم می‌آید دوستی برایم از یکی از دوستان قدیم خودش تعریف می‌کرد که میگفت:

پیشرفت خوب است، ولی نه هر پیشرفتی و در هر جا. مثلاً اگر دماغ آقا شروع به پیشرفت کند، ناچار یک دماغ بزرگ نامتناسب در صورت آقا پیدا می‌شود؛ آنوقت زعمای قوم آن دماغ را عمل می‌کنند، می‌برندش، کوچک‌اش می‌کنند و سر جایش می‌نشانند.



دست‌نوشته‌های تیمسار ارتشبد محمد خاتمی

فرمانده نیروی هوایی شاهنشاهی

چند دست‌نوشته از فرمانده آینده نگر، دلسوز و پدر نیروی هوایی مدرن ایران، تیمسار محمد خاتمی که برای اعتلای ایران و ایرانی سنگ تمام گذاشت.

دهم خرداد ماه هزار و سیصد و پنجاه

من مثل هر افسر اکتیو دیگر بمدت سی سال خدمت و یا بیشتر در نیروی هوایی انجام می‌دهند خدمت کرده‌ام و هم اکنون نمی‌دانم تا چند سال دیگر در ارتش خدمت خواهم کرد، چون فعلاً در مملکت، بر خلاف ممالک دیگر که حساب و کتابی دارد زمان معینی وجود ندارد و بستگی دارد به کی و کجا چسبیده. ولی آنچه که مرا متمایز می‌کند فرصتی بوده است که از این مدت خدمت خود را به‌مدت فعلاً دوازده سال در سمت فرماندهی نیروی هوایی کار کرده‌ام و با توجه به اینکه عمر نیروی هوایی بیش از پنجاه سال نیست، یعنی یک چهارم عمر نیروی هوایی را در سمت فرمانده بوده‌ام، طرح ریخته‌ام و آنرا به‌ثمر رسانده‌ام.

برای هر قدمی جنگیده‌ام و با توجه باینکه در سالهای اول عمر این نیرو جز یک دفتر کوچک بنام هوایی چیز دیگری نبود و با توجه به این که حتی در شروع فرماندهی‌ام نیروی واقعاً وجود نداشت.

مسئله به‌وجود آوردن این چنین قدرت عظیمی در مدت دوازده سال مسئولیت، هر فرد پرسنل نیروی هوایی و حتی

تیرماه هزار و سیصد و پنجاه

در تاریخ بیست و ششم آبان‌ماه چهل و نه، نامه بدون مقدمه از طرف وزیر جنگ به من رسید. پس از مطالعه توجه کردم جریان به این سادگی‌ها نیست، مشغول مقدماتی هستند و البته عمل به این ترتیب بوده است که اگر پرسنل نیروی هوایی و همینطور ارتش احتیاج به مداوایی پیدا می‌کردند که انجام آن یا در ایران مقدور نبود یا اگر انجام می‌شد، مواجهه خطرات میگردید؛ وضع اعزام پرسنل با مقررات به‌ترتیبی بود که تیمسار ایادی و ... مختار بود که اگر دلش می‌خواست می‌فرستاد و اگر نمی‌خواست نمی‌فرستاد، حتی گاهی اوقات به اوامر هم بی‌اعتنایی می‌کرد و البته اسم آن را «رسیدگی فنی» می‌گذاشت.

بریدن پای سرهنگ درگاهی در انگلستان نمونه‌ای از این بی‌اعتنایی بود. هنگامی که من در انگلستان با این افسر روبرو شدم، یک پای او را بریده بودند و می‌گفت، مدتها قبل به بهداری و شورای پزشکی مراجعه کردم و برای اعزام به‌معالجه استمداد خواستم، ولی هر دفعه با مخالفت تیمسار ایادی روبرو شدم، تا جاییکه دیگر دیر شد. تا جایی که دیگر پس از ورود فقط علاج را به قطع یا تشخیص دادند و آن پای دیگر مرا هم باید به‌برند.

این‌ها را به من می‌گفت که من فکر اصلاح باشم. البته آن هنگام افسر بیچاره نمی‌دانست دیر شدن این جریان از حد پا بُریدن بیرون است و پس از چند ماهی خواهد مرد. ولی چه روحیه قوی از این افسر مشاهده کردم؛ گرچه در دل برایش گریه کردم، اما او را دلداری دادم.

در مقابل این اعمال شاید شما خواننده عزیز سؤال کنید که من با موقعیت و مقامی که داشتم چه کردم؟ جواب این سؤال نسبتاً آسان، خیلی مشکل است، زیرا اگر به‌گویند برای ارتش چه کردم، باید بگویم هیچ! مرا مقصر ندانید زیرا فقط آنهایی که با اوضاع و احوال دزدی‌ها و ... این اشخاص آشنایی دارند و داشته‌اند می‌دانند که هیچ‌گونه گفتاری در این موضوع فایده نداشت. گرفتاری مقامات بعدی بود که جان یک یا چند نفر نظیر سرهنگ درگاهی در مقابل آن به‌پیشیزی ارزش نداشت.

اما اگر سؤال کنید برای نیروی هوایی چه کرده‌ام، باید بگویم فراوان. زیرا هیچ‌گاه نگذاشتم پرسنل نیروی هوایی به‌چنین دردهایی دچار شوند. البته تا جایی که توانایی داشتم آنها را به ماموریتها و انجام بازرسی‌ها و آنچه که میدانید و برای خیلی از شماها شده انجام میدادم و خلاصه بودند افرادی که آلت تناسلی‌اشان را به علت تشخیص سرطان می‌خواستند بپُرند و من به‌انگلستان اعزام کردم و پس از یک ماه معالجه برگشت به داخل فامیل خود و این بعلت عمل زیاد جماع بود و یا دیگری که کرم مخصوص در دالان لوله ادرار وی لونه کرده بود و بعلت تشخیص سرطان می‌خواستند ببرند و باز هم وی را به‌انگلستان فرستادم و معلوم شد که کرم مخصوص در لوله ادرار است و پس از چند ماه معالجه سالم بفامیل خود برگشت.

داستان از این نوع فراوان دارم، ولی شاید شما خواننده عزیز خودت یکی از آنهايي باشی که من از این راه استفاده کرده و برای معالجه‌ات فرستادم، زیرا رد کردن یک نفر از کمیسیون پزشکی و وزارت جنگ به‌مثال عبور از هفت خوان رستم بود و چه بسا وقتی از همه این امکانات وامانده می‌شدم، شخصا از جیب و حقوق خود کمک می‌کردم، ولی هیچ‌گاه در هیچ گوشه شنیده نشده است که کلمه‌ای از این مقوله بر زبان رانده باشم.

ستوان یکم خلبان حسن قربانی تهرانی نژاد، اگر بعدها به در اطاق من به درد و دل آمدی و قرار بود میله را از ستون فقرات بردارند و من دیگر نمی‌توانستم ترا بنام مامور بفرستم، این بود که خدمت‌گذاری که سی و چند سال عمرش را در نیروی هوایی به‌خدمت مملکت گذرانده بود و نیروی هوایی را از هیچ به آنجا رسانده‌است که همه می‌دانید و دشمن به توانش اعتراف دارد و بعدها حتی ارتش تنها چاره‌اش این بود که برای جلوگیری از جای پای نیروی هوایی قدم بردارد، زیرا یک روز نیروی زمینی متوجه شد که نیروی هوایی با اعمالی که انجام داده، متجاوز از چندین سال جلو افتاده است و این موضوع را حتی به‌هنگام صرف ناهار در یکی از جلسات خصوصی که شهبانو از نیروی هوایی تعریف کرد، شاهنشاه گفتند که ما همیشه باید نمونه و مثال داشته باشیم تا پیشرفت کنیم و البته نیروی هوایی بعنوان نمونه برای نیروهای دیگر ما لازم بود. این متعلق به روزهای جلوتر بود. آری جانم این سازمان که این چنین بود حالا با توطئه‌چینی‌های آقای صنیعی و ایادی (سرتیپ دکتر ایادی، رئیس بهداری ارتش)، نیرویی خودسر و یاغی معرفی می‌شود.

حال شاید بدانی ای جوان که آن روز اگر من از تو ناچار روی برگرداندم، در دل من چه‌غوغایی وجود داشت. شاید تو آنروز مرا فرماندهی خونسرد و بی‌مهر پنداشتی، ولی اگر آن روز چنین فکر کردی، مسلماً بعد از دانستن این مطالب، تغییر عقیده خواهی داد.

تیمسار ارتشبد محمد خاتمی





خانم گلنار جهانبانی

برگزار کننده باشکوهترین مراسم عقد و عروسی
همآهنگ با فرهنگ و باورهای متفاوت و قومی

Ms. Golnar Djahanbani
specializes in the creation of
unique wedding ceremonies.

با خاطری آسوده،

تمامی طرحها و نحوه اجرائی

برنامه های پیوند خجسته خود را

به دستان توانای خانم گلنار جهانبانی بسپارید

ایمیل و تلفن تماس

(310) - 924 - 9305

golnardjahanbani@gmail.com

گرچه بعد از گذشتن چند صبحی مجدداً با اقدامات دیگر، من برای معالجه فرستادمت، ولی برای من مانند روغنی ریخته شده بود.

و اما این مسئله که بعدها شهبانو هم به من گفت، بنظر من توطنه چینی بود و جنبه خاص به آن داده بودند که من هم به اعلیحضرت گفتم. درست بعد از مقاله‌ای بود که در مجله انگلیسی اکونومیست انگلستان نوشته شد که خود داستان جداگانه‌ای است که تعریف خواهم کرد.

حالا مسئله اینجاست همانطوری که اول صفحه گفتم، سی و دو سال خدمت کرده‌ام و پیشرفت فراوان هم کرده‌ایم؛ کسی نه تنها منکر نمی‌تواند باشد بلکه دشمنان ما و آدم‌هایی که جنبه‌های تنقیدی‌شان قوی است اذعان دارند که این پیشرفت در حد عادی کشور نبوده‌است. حالا من پس از گذشت زمان یک چنین خدمتی در آستانه بلاتکلیفی و نامطمئنی از این پیشرفت قرار دارم، حالا تا بعد چه پیش آید نمی‌دانم.

یادم می‌آید درجه سرهنگ دومی داشتم و سرلشکر گیلانشاه فرمانده وقت نیروی هوایی بود و این هنگامی بود که از بحران واقعه شهریور گذشته بودم.

گیلانشاه باتکاء فعالیتی که در آن زمان و زمینه با سپهبد زاهدی داشت و من باتکاء مسافرتی که در آن موقع کرده و مراجعت کرده بودم از خواص بودم و در مهمانی‌های روز جمعه و هفته‌ای یک مرتبه وسط هفته در مهمانی حضور داشتم که آن وقت برنامه‌های قمار پوکر بود. پس از مدت زمانی که از این برنامه‌های منظم گذشت، یک روز به من گفت گرفتاری عجیبی دارم، زیرا هرچه سعی میکنم بتوانم مسائل هوایی را مطرح کنم بمن رو نمی‌دهد، ولی مثلاً جانی اگر قرار باشد می‌تواند ساعت‌ها راجع به تفریحات کلوپ ایران، کلوپ عصر خز عیلات (!) بگوید، ولی من نمیتوانم وضع نابسامان این نیرو را پیش بکشم.

حالا بطور کلی من کاری ندارم که گیلانشاه ضمن توانایی فکری درباره نیروی هوایی چرا آنچه که میتواند بکند، نکرد، ولی مطلبی که میگفت حقیقت بود.

برای پرسنل قریب به اتفاق نیروی هوایی که امروز این نوشته‌ها را می‌خوانند امکان درک نیروی هوایی که من در آن بعنوان یک ستوان شروع کردم وجود ندارد، زیرا آنها در شرایطی وارد خدمت این نیرو شدند که سال‌های جوانی افسرانی مشکلات فراوانی را تا حدودی مهار کرده بود. دیگر آن میدان قلعه مرغی که خاک سر تا پای آدم را فرا می‌گرفت تا یک پرواز پانزده دقیقه‌ای انجام شود وجود نداشت و یا تازه هنگامی که مدرن شده بودیم و با چیدن یک مقدار چراغ نفتی در دوشان تپه که حالت یک « T » را داشت پرواز شب انجام می‌دادیم و تازه معلوم نبود که هدف از آن چیست. البته جوان بودیم و جویای نام و فکر می‌کردیم که حالا این ما هستیم که چنین و چنان کرده‌ایم.

گرچه همین فعالیت‌ها و چنین و چنان کردن‌ها مقدمه‌ای بود که بنوانیم یک هسته مرکزی علاقمندانی بوجود بیاوریم که بعدها نیروی هوایی بشود.



تیمسار ارتشبد غلامعلی اویسی



تیمسار ارتشبد بهرام آریانا

ارتشدهای نیروهای مسلح و انتظامی شاهنشاهی ایران

از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۵۵ خورشیدی، ۱۷ تن از امیران نیروهای مسلح شاهنشاهی به‌درجه‌ی ارتشبدی رسیدند که چهار نفر از نیروی هوایی و بقیه از نیروی زمینی بودند. همچنین، یک افسر از نیروی دریایی به‌درجه‌ی دریابندی ترفیع یافت که معادل ارتشبد در نیروهای زمینی و هوایی است. آخرین ارتشبد در نیروهای مسلح شاهنشاهی، عباس قرمباغی، فرمانده وقت ژاندارمری بود که در سال ۱۳۵۵ به‌این درجه رسید.

درجه‌های ارتشبدی و دریابندی هم‌تراز ژنرال و آدمیرال چهارستاره در ارتش آمریکا در سال ۱۳۳۶ توسط اعلیحضرت محمدرضا پهلوی ایجاد شد و در قانون استخدام نیروهای مسلح شاهنشاهی مصوب ۱۳۳۶ گنجانده شد.

نخستین افسری که در ایران به این درجه ترفیع یافت، ارتشبد عبدالله هدایت در سال ۱۳۳۷ بود. پس از شورش سال پنجاه و هفت، در آغاز با تصویب شورای انقلاب، درجه‌های ارتشبدی و دریابندی حذف شد.

در قانون ارتش آخوندها مصوب ۱۳۶۶ نیز درجه‌های سرتیپ دومی و دریادار دومی افزوده شد، ولی همچنان از درجه‌های ارتشبدی و دریابندی سخنی به‌میان نیامد.

در سال ۱۳۷۰، با تصویب قانون سپاه پاسداران، درجه‌های ارتشبدی و دریابندی به‌عنوان بالاترین درجه‌های این نهاد نظامی معرفی شد.

همچنین، در قانون نیروی انتظامی مصوب سال ۱۳۷۴ و نیز ۱۳۸۲، از درجه‌ی ارتشبدی به‌عنوان بالاترین درجه یاد شده است.

اسامی امیران چهارستاره‌ی نیروهای مسلح و انتظامی شاهنشاهی

- * ارتشبد عبدالله هدایت
- * ارتشبد عبدالحسین حجازی
- * ارتشبد بهرام آریانا
- * ارتشبد رضا عظیمی
- * ارتشبد عزت‌الله ضرغامی
- * ارتشبد محمد خاتمی (فرمانده نیروی هوایی شاهنشاهی)
- * ارتشبد غلامعلی اویسی
- * ارتشبد فریدون جم
- * دریابد فرج‌الله رسائی (فرمانده نیروی دریایی شاهنشاهی)
- * ارتشبد فتح‌الله مین‌باشیان (فرمانده نیروی زمینی)
- * ارتشبد نعمت‌الله نصیری (رییس شهربانی کل کشور)
- * ارتشبد غلامرضا ازهاری
- * ارتشبد حسن طوفانیان
- * ارتشبد جعفر شفقت
- * ارتشبد حسین فردوست
- * ارتشبد سعید اعزازی
- * ارتشبد فضائل تدین
- * ارتشبد عباس قرمباغی (رییس ژاندارمری کل کشور)

اعدام غیرانسانی خانم دکتر فرخرو پارسا خصیصه ایدئولوژیک و "زن‌ستیزانه" داشت و آگاهانه و با "آینده‌نگری" بی‌شرمانه صورت گرفت.

برای روشن شدن این واقعیت نگاهی به موارد اتهام او و چگونگی قتل وی خواهیم داشت. ارجاعاتی که درباره کيفرخواست این دادگاه می‌آید، برگرفته از گزارش‌های مشروح چاپ‌شده در روزنامه‌های اطلاعات و کیهان و انقلاب اسلامی در تاریخ‌های سه، هفت، هشت، نه، پانزده و هیجدهم اردیبهشت سال ۱۳۵۹ است.

در این گزارش‌ها می‌خوانیم طبق رای نهایی دادگاه انقلاب اسلامی مرکز، فرخرو پارسا «به جرم حیف و میل و غارت بیت‌المال و اشاعه فساد و فحشاء در فرهنگ مملکت با به کار گماردن افراد هرزه در سمت‌های مهم وزارتی و ترتیب دادن اردوگاه‌های اختلاطی و زیر پا گذاشتن اخلاق اسلامی، از ائمه کفر و ضلال و از مصادیق روشن مفسدین فی‌الارض تشخیص داده و مطابق نص صریح قرآن محکوم به اعدام و استرداد کلیه اموال منقول و غیرمنقول شد».

اتهام "کفر و ضلال" و "زیر پا گذاشتن اخلاق اسلامی" در حالی عنوان شده که محمد حسینی بهشتی و محمدجواد باهنر، دو تن از اعضای ذی‌نفوذ شورای انقلاب و حزب حاکم جمهوری اسلامی، که از جمله کارشناسان و مشاوران فرخرو پارسا در تهیه کتاب‌های دینی مدارس در دوران پهلوی بودند و نیز مرکز اسلامی هامبورگ که زیر نظر بهشتی و سپس سیدمحمد خاتمی اداره می‌شد، از وزارت آموزش و پرورش تحت ریاست خانم پارسا بودجه دریافت می‌کردند.

صد البته تلاش برای خاک پاشیدن بر این واقعیت یکی از دلایل اعدام خانم پارسا بوده است. چنانچه تیمسار مقدم و تیمسار پاکروان رؤسای ساواک و منوچهر آزمون رئیس اوقاف برای به محاق بردن رابطه روحانیت با دربار و ساواک و اوقاف، به جوخه اعدام سپرده شدند. اما این قطعا تنها دلیل و مهم‌ترین سبب این جنایت نیست؛ اتهام "کفر و ضلال" به خانم پارسا از یکسو به کارنامه درخشان او در جهت توسعه آموزش زنان بر می‌گردد و از سوی دیگر به اقدامات داهیانیه او در جهت سکولاریسم.

درباره انتقام‌کشی حاکمان از تلاش‌های فرخرو پارسا در زمینه سکولاریسم، مهم است از اقدام او در لغو اعطای "ارزش تحصیلی" به طلاب یاد کنیم. خانم پارسا که به خوبی آگاه بود آنچه در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود علم نیست، به درستی مانع ارزشیابی آن بر اساس معیارهای علمی شد.

طبق گزارش ساواک: «خانم دکتر پارسا از روزی که وزیر آموزش و پرورش شد، کمیسیون رسیدگی به ارزش تحصیلی طلاب و کسانی را که با دریافت گواهی اجتهاد از مراجع بزرگ، جهت تعیین ارزش آن را به دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، تقدیم می‌کرده‌اند، منحل کرده است و در اثر انحلال این کمیسیون دیگر طلبه‌ها و افرادی نظیر آنان به استناد در دست داشتن گواهی اجتهاد از علمای مذهبی [نمی‌توانند] برای خود ارزش تحصیلی به دست آورند».



آخرین گفتار خانم دکتر فرخرو پارسا، پیش از اعدام:

«آرزوی آتیه بهتری برای زنان ایران دارم»

جمهوری اسلامی ۴۲ سال پیش نخستین وزیر زن تاریخ ایران را اعدام کرد. فرخرو پارسا پیش از اعدام آرزوی "آتیه بهتری برای زنان" کرد. به باور ایرج مصداقی، اعدام او خصلتی "ایدئولوژیک و زن‌ستیزانه" داشته است.

اگر اعدام‌های مقامات لشکری و کشوری نظام پادشاهی در ماه‌های اول انقلاب را "اعدام‌های کور" و با هدف انتقام‌گیری از رژیم محمدرضا شاه تلقی کنیم، و یا چنین تفسیر کنیم که هدف تازه‌به‌قدرت‌رسیدگان از این اعدام‌ها جلوگیری از سازماندهی مجدد نیروهای مدافع سلطنت بوده، اعدام خانم فرخرو پارسا به هیچ رو در چنین تفاسیری نمی‌گنجد. او تنها وزیری است که سال‌ها پس از برکناری‌اش از مقام وزارت اعدام شده است.

حکم قتل فرخرو پارسا (نام اصلی: اسفند فرخروی پارسای) در اواخر شب ۱۷ اردیبهشت ۵۹ به اصرار اسدالله لاجوردی، نماینده دادستان و هاشم رخ‌فر معاون کجویی، رئیس زندان اوین، که به منزل محمدی گیلانی رفته بودند، صادر می‌شود و در ساعت یک و ۳۰ دقیقه بامداد روز ۱۸ اردیبهشت به اجرا در می‌آید.

این همه شتاب در حالی است که خمینی اعلام کرده، چنانچه متهمی شخصاً کسی را نکشته باشد، مشمول یک درجه تخفیف گردد. از سوی دیگر ابوالحسن بنی‌صدر در حال اقدام است تا حکم اعدام به حبس ابد تغییر یابد، اما با دستور مستقیم بهشتی و قدوسی، فرخرو پارسا را به قتل می‌رسانند. چرا؟ چه دلایلی انگیزه چنین جنایتی را توضیح می‌دهد؟

شایان ذکر است که به اصطلاح نماینده دادستان جمهوری اسلامی بسیاری از اتهامات وارده به خانم پارسا و از آن جمله ادعای بی‌پایه بهانی بودن‌اش را (که در هر حال جرم نیست) بر پایه گزارش‌های منفی ساواک تنظیم کرده و در همان حال یکی از اتهامات او را همکاری با ساواک عنوان می‌نماید. این همه در حالی است که حتی انتخاب وی به‌معاونت پارلمانی وزارت آموزش و پرورش با مخالفت ساواک روبرو شده بود و این امر در گزارش‌های موجود بود.

در زمینه خدمات فرخ‌رو پارسا به آموزش زنان که جمهوری اسلامی را به مجازات او برمی‌انگیزد، تنها به این مثال بسنده می‌کنم که او برای دسترسی هر چه بیشتر زنان ایرانی به مدرسه، برای اولین بار دستور داد تا در نقاط روستایی کشور به‌منظور برخورداری دختران از تحصیلات عالی، دبیرستان‌های مختلط پسرانه و دخترانه تشکیل شود.

دکتر فرخ‌رو پارسا در جریان محاکمه بس ناعادلانه‌اش حتی نپذیرفت چادر بر سر کند و در موقعیتی که برخی مقامات لشکری و کشوری دوران پهلوی با ریش و "محاسن اسلامی" در دادگاه حاضر می‌شدند، از سر کردن چادر در دادگاه و نزد محمدی گیلانی خودداری کرد و بر آن چه در دوران صدراش صادقانه و از روی اعتقاد در مورد چادر سر کردن زنان بر زبان آورده بود پای فشرد.

جالب است بدانیم که نماینده‌ی به اصطلاح دادستان جمهوری اسلامی برای اثبات ضدیت خانم پارسا با اسلام، در کیف‌خواست، گزارشی از ساواک پیرامون ملاقات او با مدیران مدرسه جامعه اسلامی در تاریخ ۲۱/۱۱/۴۷ در تالار آیینی را قرائت کرد که در آن چنین نوشته شده بود:

«تعداد مدعوین ۱۵۰ نفر بود که ۸۰ نفر آنان را زنان چادری، ۲۰ نفر را مردان معمم و بقیه همه مردانی بودند که بدون کراوات و با ریش آمده بودند. وزیر آموزش و پرورش بمحض آمدن به‌مسالن با عصبانیت گفت خانم‌ها چکاره‌اند؟!»

یکی از مسئولان پاسخ داد اینها مدیران مدارس دینی هستند. خانم وزیر گفته است مدرک تحصیلی اینها چیست؟ و بلافاصله گفته است در میان این‌ها چند نفر لیسانسه هستند که دو نفر از خانم‌ها دستشان را بعلافت لیسانسه بودن بالا می‌برند. در این موقع خانم وزیر با عصبانیت می‌گوید:

اسلام هرگز نگفته است که زنان چادر سر کنند.»

خانم فرخ‌رو پارسا در ادامه صحبت‌هایش در پایان مجلس مزبور گفته است: «باید خرافات ریشه‌کن شود!» و در پایان این گزارش نیز ساواک نظر داده بود که خانم وزیر در مورد زنان چادری تندروی کرده، حال آنکه باید آنها را با لحن ملایم‌تری به رفع حجاب دعوت می‌کرد.

این مثال‌های پر معنا به‌روشنی نشان می‌دهند که عملکرد خانم فرخ‌رو پارسا برای به‌صحنه آوردن زنان پس از واقعه‌ی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ یکی از دلایل کینه‌ورزی حاکمان جدید با وی بود. چرا که به‌تعبیر خمینی، نطفه "نهضت" و "انقلاب اسلامی" در آن واقعه بسته شده بود و روحانیت به اتفاق بازاریان و عقب‌مانده‌ترین اقشار جامعه، هویت سیاسی و

ایدئولوژیک "نهضت" خود را از آن‌می‌گرفتند؛ نهضتی که بر پایه مخالفت با اصلاحات ارضی و حق رأی به‌زنان و شرکت آنان در دنیای سیاسی و اجتماعی کشور شکل گرفته بود.

پس به هیچ روی تصادفی نیست که خانم فرخ‌رو پارسا نماد تحولات صورت‌گرفته در وضعیت زنان پس از "اصلاحات" پادشاه، می‌بایستی مقارن با روز تولد فاطمه زهرا که در جمهوری اسلامی "روز زن" نامیده شده، به قربانگاه برده شود. بیدادگاه جمهوری اسلامی برای تحقیر خانم پارسا، دو نفر دیگر را همراه او در برابر جوخه اعدام قرار داد: فاطمه صادقی که بنا به رأی دادگاه انقلاب اسلامی مرکز جرمش "فریب دختران بیگناه و فروختن نوامیس جامعه" و علی شجاعی که جرمش "اختفا و پخش هروئین و تریاک" اعلام شده بود. در اطلاعیه‌شیرانه دادگاه انقلاب اسلامی مرکز تأکید شده بود که این افراد «برای حفظ جامعه اسلامی از گزند این‌گونه مفسدین و برای عبرت گرفتن دیگران و نجات جامعه اسلامی به اعدام محکوم شدند».

خانم فرخ‌رو پارسا که به‌خوبی معنای جنایتی که در حقش روا شد را می‌دانست و متوجه سمت و سوی رویدادهایی که در کشور رخ می‌داد بود، در وصیتنامه کوتاهش نوشت:

«دادگاه بین زنان و مردان تفاوت زیادی می‌گذارد و امیدوارم آتیه برای زنان بهتر از این باشد».

دریغ و صد افسوس که به هنگام رخ دادن این جنایت، نه از سازمان‌های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی صدای اعتراضی برخاست و نه‌چهره‌های روشنفکری این اقدام را محکوم کردند. این سکوت راه را برای اعدام هزاران دختر نوجوان و زن مبارز در نظام اسلامی در دهه‌ی ۶۰ باز کرد.

امید است بتوان در آینده‌ای نه چندان دور در ایران، از خانم دکتر فرخ‌رو پارسا چنانچه شایسته است، تجلیل بعمل آید.



«من خود پزشک هستم و می‌دانم مرگ لحظه‌ای بیش نیست. با روی باز به استقبال مرگ می‌روم و حاضر نیستم برای چند صباحی دیگر زنده ماندن و زندگی چادر به سر کنم و پنجاه سال تلاش در راه آزادی و تساوی حقوق زن و مرد را با چند کلمه پشیمانم نقش بر آب سازم. من هرگز حاضر نیستم چادر به سر کنم و نه یک قدم به عقب برگردم...»

روح شاد و یادت گرامی بانوی بزرگ ایرانی

هیجدهم اردیبهشت سالروز اعدام خانم دکتر فرخ‌رو پارسا، نخستین وزیر زن در دوران باشکوه پهلوی به‌دست شورشیان سال پنجاه و هفت است. خانم دکتر فرخ‌رو پارسا زنی بود که مرگ را بر حقارت کفن‌پوشی تازی پرستان ارجح دانست.

پادش گرامی و به نیکی یاد باد



نقش مارکسیست‌ها در شورش سال ۵۷ ایران

گرد آورنده: تیمسار دکتر اسداله نصر اصفهانی

در این نوشتار راجع به توطئه‌ی بین‌المللی برای نابودی ایران در کنفرانس گوادلوپ که خود در خور بحث چند ساعته می‌باشد سخنی ندارم؛ سخنانم بیشتر درباره‌ی شورش سال ۵۷ یا بقولی انقلاب ۵۷ است که پس از آنکه در این توطئه‌ی بین‌المللی مأموریت نابودی ایران با هدایت انگلستان، دشمن دیرینه‌ی مردم ایران به بی‌سوادترین و غیرایرانی‌ترین فرد و بزرگترین دشمن رفاه و آسایش و خوشی حداقل انسان و سر سپرده‌ترین مأمور خود روح‌اله خمینی هندی‌زاده واگذار شد، می‌باشد.

در این نوشتار می‌خواهیم ببینیم این مأموریت را چگونه انجام داد؛ آیا فقط یک آخوند بی‌سواد بود یا در تار عنکبوت چپ ایران گرفتار شد و چون بطوریکه خواهیم دید، استعمار سرخ و سیاه دو روی یک سکه‌اند و چپ ایران از سالهای پیش بدرستی تشخیص داده که تنها راه پیروزی، رفتن زیر عباى آخوند یا در زیر پرچم مذهب است!

پیش از خمینی و الگویی برای فعالیت‌های میدانی چپ، سخن پایه‌ای من اینست که داستان فریب‌خوردگان شورش ۵۷ از نهضت آزادی گرفته تا جبهه‌ی ملی، روشنفکران و دانشجویان که خمینی همه را فریب داد نیست؛ گفتار من اکنون نقش چپ ایران در شورش ۵۷ و دوران ننگین جمهوری اسلامی است.

برخی بر این باورند که انقلاب اسلامی اولین شورش و فتنه و انقلابی است که در ایران، کمونیست‌ها توانسته‌اند خود را زیر عباى آخوندها پنهان کنند! حال آنکه اگر به تاریخ سراپا رویدادهای کشورمان نگاه کنیم می‌بینیم، نخستین شورش‌های کمونیستی و انقلاب‌های ساخته و پرداخته مارکسیست‌ها در سرزمین ما نیز به‌درستی زیر پرچم مذهب و به‌نام مذهب پیش از این پدید آمده‌اند.

خامنه‌ای را که ما برای کوچک کردن‌اش سیدعلی «روضه خوان دو زاری» می‌نامیم، می‌گویند تحصیل کرده دانشگاه «پاتریس لومومبا» در مسکو می‌باشد و با کنش‌های کمونیستی خود و در راستای خواست مستقیم انگلیس، آمریکا و جهان غرب از اسلام، کشور را به‌سوی نابودی با

سرعت هرچه تمام‌تر می‌برد؛ گو اینکه همه‌ی میهن‌پرستان انتظار دارند درباره چاره برای نجات ایران گفتگو کنیم و این روشنگری‌های پی در پی دردی از ملت ایران دوا نمی‌کند و افشاگری‌ها پس از چهل و سه سال کافی است، ولی من بر این باور هستم که آشنایی با تاریخ‌امان برای برنامه‌ریزی آینده بسیار ضروری و کارآمد است و پیش از هر چیز باید بدانیم این بلا و مصیبت چگونه بر سر ملت سرفراز ایران فرود آمد.

چکیده‌ی داستان بدینگونه است که پس از «اعطای فرمان مشروطیت» و گشودن مجلس شورای ملی از سوی مظفرالدین‌شاه که یکی از پدیده‌های بی‌مانند تاریخ ایران و خاور میانه و آسیا است، مارکسیست‌های قفقازی که هیچگونه فعالیتی در پدید آوردن مشروطیت در ایران نداشتند به این اندیشه روی آوردند که از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و نخستین حکومت مارکسیستی را در ایران پایه‌گذاری کنند. آشکار است در نبود طبقه کارگر در کشوری مثل ایران، حکومت مارکسیستی یا کمونیستی سخنی به‌نظر مسخره می‌آید!

چطور می‌شود حکومتی به‌وجود آورد که به‌دست کارگران و زحمت‌کشان اداره گردد، بدون آنکه اصولاً کارگر و رنجبری برابر تعاریف متداول کمونیست‌ها در کشور موجود باشد؟

در روسیه اشکال را به‌اینگونه برطرف کردند که به انگیزه‌ی وجود طبقه دهقان، بدون در نظر گرفتن دوره‌ها و گذارهای جوامع سرمایه‌داری بر اساس آنچه که مارکس گفته بود می‌شود با ایجاد یک شورش دهقانی به هدف خود رسید.

کمونیست‌های قفقاز شامل «دکتر تری‌مانف»، «حیدرخان عموآغلی» (یا تاروی‌وردی اوف) و «جواد سوسیالیست» و یکی دو نفر دیگر بر این باور بودند که این اندیشه را در کشور دهقانی ایران و بدون کارگر و غیرصنعتی بودن می‌توان اجرا کرد، ولی تمام کارشان را زیر پرچم دین و به‌نام مذهب انجام دادند.

برای خجسته بودن، در روز ۱۵ شعبان یعنی سالروز زایش امام دوازدهم شیعیان در استان گیلان فرقه‌ای را به‌نام «فرقه ابوالفضل عباس» بنیاد نهادند و پس از آن به‌یاری گروهی از کمونیست‌های محلی و «مهاجرین قفقازی» در ۱۴ نقطه‌ی گیلان به نشانه‌ی چهارده معصوم یکانهای خود را پایه‌گذاری کردند. آنان بدون اینکه کوچکترین اشاره‌ای به‌باورها و اندیشه‌های کمونیستی خود در مورد سلب مالکیت و یا تقسیم زمین به‌نمایند، از راه دین وارد شدند و این آیه قرآن را شعار خود ساختند که «الزرع للزارع ولو كانا غاصباً»، یعنی کشت و فراورده‌های کشاورزی متعلق به‌کشاورز است، حتی اگر در زمین غصبی کاشته شده باشد. بدین‌ترتیب یک دستور فقهی را که به‌نام آیه قرآنی قالب کردند، بیش از هر شعار کمونیستی دست‌افزار و راه‌گشای کمونیست‌ها در سلب مالکیت شد!

فرقه «ابوالفضل عباس» کاملاً به‌یک حزب راستین و ساختار اداری و سازمانی هماهنگ شباهت داشت.

آنها بابه‌گیری از آیه دیگر از قرآن که می‌گوید: «فضل الاالله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیماً»، خود را مجاهد نامیدند تا از «برتری» خدا بهره‌مند شوند.

البته در کنار این کمونیستهای مومن و مومن‌نما برای اینکه بتوانند مخالفان‌اشان را هم تار و مار کنند، یک کمیته ترور تشکیل دادند که به قول خودشان «هیئت مدهشه» نام داشت و اعضای آنرا که از مجاهدین انتخاب می‌شدند و کارشان ایجاد وحشت و ترور بود، بنام «فدایی» می‌خواندند.

به‌تضای نام مجاهدین و فداییان خلق در نخستین شورش کمونیستی ایران با نام مجاهدین در انقلاب اسلامی توجه فرمایید که اینان نیز تحت نام مذهب و باورهای مذهبی با کمک از شیوه‌های تروریستی کمونیست‌ها، روش‌های خیابانی انقلاب اسلامی را پایه‌گذاری کردند.

همانطوریکه قبلاً گفته شد، رهبران واقعی و پنهانی فرقه «ابوالفضل العباس»، دکتر تری مانوف، حیدرخان عموقلی یا تاری وردی و جواد سوسیالیست و چند کمونیست دیگر قفقازی بودند، ولی برای آنکه در آن مرحله از کار هیچ کس نتواند «ابوالفضل عباس» را به کمونیستهای قفقازی وابسته بدانند، رهبری فرقه را ظاهراً به دست کسانی دادند که از خود مردم باشند و برای مقام رهبری، آخوندی را به نام «سید جلال» معروف به «سید جلال شهر آشوب» در نظر گرفتند.

این سید جنجال‌طلب از این اسم‌اش خوشش نمی‌آمد، لذا خود را «سید جلال‌الدین شاه گیلان» معرفی می‌کرد!

سید جلال، سید و فرزند پیغمبر بودن‌اش کلی ارزشمند بود و در آن دنیای مذهب‌زده، بزرگی و آبرو برایش می‌آورد. سید جلال به همراهی «میرزا رحیم شیشه‌بُر»، «محمد اروسی دوز» و «مشهدی اسدالله علاقه‌بند» دهقانان را تحریک کردند که مال‌الاجاره‌های اربابان‌اشان را ندهند و سهم اربابان را هم برای خودشان بردارند.

دهقانان ابتدا برداشتن سهم مالکین را خلاف دین و مذهب دانستند و از دستور «سید جلال» خودداری کردند، ولی بعداً که دیدند دستور از طرف فرقه «ابوالفضل العباس» است و همه دستورات هم برابر با آیات قرآنی و احادیث اسلامی است، املاک «سپهدار اعظم» (یکی از رهبران مشروطه) را در تنکابن غارت کردند و در کسما یکی از ملاکین به نام «صدیق‌الرعایا» را کشتند.

«میرزا کوچک‌خان جنگلی»



همچنین «سردار امجد» و «ارفع السلطنه» (دو فتوادل صاحب نام) را از خانه‌هایشان بیرون کردند و هر چه داشتند را به‌تاراج بردند و کار به‌جایی کشید که مدعی حکومت هم شدند و در یکی از شهرهای گیلان، فراموشی را به‌چوب بستند!

اگرچه این فرقه منحل شد، ولی همین فرقه بعدها هسته مرکزی حکومت کمونیستی گیلان ایران را در سال‌های بعد تاسیس و «میرزا کوچک‌خان جنگلی» را بال و پر دادند.

آخوندها یا بقول خودشان «روحانیون» به فرمانروایان نسبت «ظل‌الله» (سایه خدا) می‌بخشیدند تا خود به لقب «آیت‌الله» (نشان خدا) نامیده شوند.

تاریخ نشان می‌دهد سوسیالیست‌های انقلابی در هر جامعه‌ای وابسته به مذهب آن جامعه همواره کوشیده‌اند از دست‌افزار مذهب برای به‌دنبال کشیدن توده‌های فقیر، مزورانه خود را با آموزشهای مذهبی همساز کنند.

در کشورهای مسیحی‌نشین نیز مظلومیت عیسی با بی‌گناهی طبقات محروم مقایسه می‌شود!

مارکسیست‌های مخفی شده در زیر ردای کشیش‌ها سعی می‌کنند از این تشابه بهره بگیرند که در این کار موفق هم هستند.

در جوامع اسلامی فصل مشترک این دو هم‌آمیزی فقر است؛ «دکتر نریمانوف» (رهبر حزب اسلامی که در شوروی به مقام بالایی رسید) می‌گوید:

«اصول فقرپرست اسلام بیش از سایر ادیان با اصول سوسیالیسم مطابقت دارد و برای هرگونه تسلط، یعنی از میان بردن نفوذ سرمایه‌داری کنونی و سد راه اقتدارهای حکومتی یا قدرت سرمایه‌داری، در آینده کافی است.»

در زمان خمینی، کنارجویی یا کنار گذاشتن جناح مارکسیستی کمونیستی انقلاب‌چیان شورش بهمن ۵۷ مانند فدائیان خلق یا مجاهدین و گروهک‌های بی‌شمار با نامهای گوناگون، ولی هم‌باور و حتی به‌زندان افتادن معدودی از سران حزب توده و اعدام رهبران شاخه نظامی آن یا کنار گذاردن و تبعید و بازداشت پاره‌ای از چپ‌اندیشان به‌ظاهر مستقل از مسکو و پکن که مجموعاً شاخه قابل دیدن و لورفته و مرئی را در میهن ما تشکیل می‌دادند این شبهه را در اذهان عمومی به‌وجود آورده بود که انقلاب خمینی با همه فلاکت با ریش از گرایش به‌چپ بازمانده و این بار دیگر سیاستگران هوشیار غربی با استفاده از تجربیات گذشته نگذاشته‌اند که این هتل پنج ستاره لوکس به‌دست تاواریش‌ها بیافتد.

وجود راست‌گرایانی نظیر مهدوی کنی (مأمور بی‌واسطه‌ی انگلیس)، موسوی اردبیلی و رفسنجانی که در آن زمان زنده بودند و دیگران غلامان حلقه به‌گوش که سر در دامان و پای در آستان استعمارگران غربی دارند در رأس هرم قدرت مانع بهره‌وری و خوشه‌چینی کمونیست‌ها از اوضاع نابسامان ایران گردیده است.

هرچند روحانیون به دو جناح تقسیم شدند؛ گروه روحانیت مبارز یا چپ‌گراها و گروه روحانیون مبارز یا راست‌گرایان که در زمان خامنه‌ای تقریباً هر دو شاخه نابود شدند.

در هر صورت این تجزیه و تحلیل یک خوش‌باوری کودکانه جز خودفریبی آگاهانه چیز دیگری نبود، زیرا به‌خوبی می‌توان دریافت که شاخه‌ی زیرزمینی و غیرمرئی و حتی نیمه‌مرئی گروه‌های چپ انقلاب اخیر ایران چنان در تار و بود ارکان حکومت فقهاتی رسوخ و نفوذ کرده‌اند که بازیابی و بازبینی آن حتی برای موثرترین و متنفذترین سران جمهوری اسلامی امروز محال و نامیسر است.

این درست است که به‌راستگرایان ثروت‌اندوز و چپ‌ولگری چون رهبران و دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی که در نهان و آشکار آنچنانکه در ماجرای «ایران گیت» و یا افتضاحات ناشی از همکاری آنان با اسرائیلی‌ها، سوئدی‌ها، آلمانی‌ها، اتریشی‌ها، فرانسوی‌ها و دیگران دیدیم، با دولت‌های استعماری غربی خصوصاً انگلستان پیوندهای ناب و ناگسستی دارند و چون چاکران و غلامان خانزاد استعمار انجام وظیفه می‌کردند و می‌کنند، نمی‌توان تهمت چپگرایی به‌آنها زد و آنان را کمونیست یا حتی متمایل به آنها دانست، ولی با وجود این روند کار، جمهوری اسلامی با توجه به‌شرایط ژئوپلیتیکی ایران که مانع ایجاد حکومت سرپا کمونیستی در آن سامان می‌شود، در مجموع از عملکرد یک حکومت چپ‌گرا و وابسته به‌اردوگاه چپ‌دوری و پرهیز ندارد؛ اینکه چپ‌گرایان که بازوی عمل‌کننده و اجرایی شورش ۵۷ را تشکیل می‌دادند با حسرت ادعا می‌کنند که خمینی انقلاب‌اشان را دزدیده و منحرف کرده است.

اینها دانسته یا نادانسته سخن به‌خلاف می‌گویند چه خمینی متوجه شده بود و چه خودپسندی مانع درک صحیح او شده باشد، انقلاب ایران با اهداف سرپا کمونیستی و تحت نام اسلامی از نخستین روز نه از راه الویت‌هایش منحرف شده و نه از راه باز مانده و همچنان به‌سوی قبله‌آمالش پیش می‌رود؛ یعنی توزیع فقر مطلق برای سراسر مردم ایران با این تفاوت که کارگردانان اصلی به‌جای آنکه فرمان عبور را به‌دست یک رهبر شناخته شده کمونیست بدهند و تجربه تلخ افغانستان را بار دیگر بیازمایند، عصای رهبری و پرچم مبارزه‌جویی را به‌دست کسی داده‌اند که با وجودیکه همه اقداماتش همان راه و روش کمونیست‌ها است، ولی کسی نتواند به او تهمت چپگرایی بزند.

عده‌ای براین باور هستند که حکومت ده ساله اول جمهوری اسلامی نشان داد که برنامه‌ریزان به‌سرعت و با مهارت تمام مراحل چندگانه‌ی گذار از فئودالیسم و کاپیتالیسم به سوسیالیسم و کمونیسم را مرحله به‌مرحله و قدم به‌قدم به‌مورد اجرا گذاشتند؛ اگر حکومت پادشاهی پیش از شورش ۵۷ را خواه ناخواه، حتی با اصلاحات ارضی، مجموعه‌ای از حکومت فئودال‌های شهری و روستایی و برتری سرمایه‌داران بزرگ، بانکداران، تکنوکرات‌های ثروتمند و نظامیان بدانیم، می‌بینیم که این حکومت در بهمن ۵۷، صرف‌نظر از برنامه‌ریزی برای سقوط پادشاه، به‌دست بورژواهای مذهبی یا کمپرادور سرنگون شده است و حکومت هشت ماهه بازرگان و یارانش بدون در نظر گرفتن دخالت‌های دیگران در آن حکومت بدفراجم، نتیجه‌قهری واژگونی حکومت پادشاهی بود.

ولی بورژواهای ملی و مذهبی کنار گذاشته می‌شوند و یک دیکتاتوری انحصارطلب نظیر دوران استالین رشد می‌کند و مانند گیاه عشقه یا پاپیچال به‌دور درخت می‌پیچد و درخت را از پای درمی‌آورد.

این اژدهای دو سر که بازرگان آنرا انقلاب ایران در دو حرکت می‌نامد و بنی‌صدر از آن به‌نام کودتای خزنده نام می‌برد، دو جانبه عمل می‌کند که در یک حرکت بورژواهای معتقد به‌همکاری با نظام‌های غربی را از صدر به زیر می‌کشد، اعدام و تبعید و خانه‌نشینی می‌سازد و از طرف دیگر با انجام عملیات تروریستی و انفجاری تقریباً همه‌ی رهبران موثر مذهبی، از بهشتی گرفته تا مطهری و از باهنر گرفته تا دستغیب دست‌راستی را از میان برمی‌دارد تا راه برای راهپیمایی عوامل چپ‌اندیش هموار شود.

باقی مانده‌های قشریون در گروه حجتیه و بورژواهای آسیب‌دیده در نهضت آزادی متمرکز می‌شوند که هر دو با آبرویخته‌گی تمام به‌فرمان ولی فقیه از پا در می‌آیند تا از آن مرحله چیززی باقی نمی‌ماند، غیر از خود مذهب و پاسداران آن مذهب به‌نام گروه روحانیت مبارز و مراجع تقلید که این مراجع نیز با وجود آن که می‌کوشند ارتباط خود را با حکومت پاره نه‌کنند و از گرده ملت پایین نیایند، ولی مراجع تقلید یکی پس از دیگری خلع و یا مانند شریعت‌مداری و قمی با بی‌آبرویی کنار گذاشته شده و یا مانند گلپایگانی مرعشی نجفی به‌صورت بی‌اثر درمی‌آیند!

حالا دیگر آن گروه از چپ‌گرایان ضد سرمایه‌داری که عبا‌ی اسلام را بر دوش کشیده آنقدر قدرت یافتند که از روحانیت یاغی مبارز که در طی ده ساله اول حکومت جمهوری اسلامی موثرترین و در عین حال منفورترین قشر جامعه را تشکیل می‌دادند، نترسند.

آخوندهایی که دست‌پرورده استعمار سرخ هستند، سوار بر گرده سپاه پاسداران و تکنوکرات‌های چپ‌اندیش فرصت‌طلب یکی پس از دیگری درهای موفقیت را می‌گشایند و تلاش مذبحانه گروه‌های وابسته به استعمار غرب نظیر کنار آمدن با حکومت جمهوری‌خواهان آمریکا یا کنار آمدن با حکومت دست‌راستی مثل ژاک شیراک راهی به جایی نبرد و خمینی با قدم‌های بلند و شمرده به‌راهش ادامه داد و به‌ریش آنهایی که می‌خواستند کمربند سبز اسلامی به‌دور شوروی بکشند، زیرا دیدند



تیمسار دکتر اسداله نصرافشانی

گروه چپ ایران به این هم راضی نبود و رسماً خواستار شدت عمل بیشتر شده و بدنیاال این بودند که همه‌ی افسران از درجه‌ی سرگرد به‌بالا باید اخراج یا اعدام شوند. در دوره خامنه‌ای، وی به‌عنوان رهبر بعدی انقلاب عملاً سکان چپ ایران را بعهده گرفت و زیرسازی‌های آشکار و پنهان چپ در دوره‌ی خمینی، کار وی را در نابودی ایران هموار کرد.

وی با دستچین کردن گروه‌های ۱۵ تا ۵۰ نفری متعدد از سوی عوامل شوروی و بعد روسیه برای تحصیل در شوروی و بازگشت آنها به ایران، بیشترشان در نهادهای مملکتی جاسازی شدند و اکثر روسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و بسیاری از افراد اصلی نهادهای امنیتی و حفاظتی از این جماعت‌اند و در واقع نبردی طولانی و بسیار مخرب بین عوامل چپ یا روسوفیل، انگلوفیل، و امریکو فیل در جریان است و فعلاً رهبر چپ ایران، سیدعلی سوار است و اسب خود را چهار نعل و گاهگاهی یورتمه بسوی نابودی ایران می‌تازد. لازم است به‌گفتار کیانوری در زمان شورش به‌پردازم که می‌گوید:

«انقلاب کنونی ایران حالت مذهبی دارد، زیرا در این کشور تشیع دارای ریشه‌های عمیقی است که با آرمانهای ملی توده پیوند دارد.»

در پایان برای یادآوری و ثبت در تاریخ و نه برای نمک پاشیدن بردل ریش هر ایرانی میهن پرست، شعر آشنایم سیاوش کسرایی را که به ضرب و زور تبلیغات حزب توده از شاعری درجه سوم به یک شاعر ممتاز دروغین «مردمی!» تبدیل شد که از خمینی می‌خواهد بیشتر بگشود در زیر می‌آورم. باز هم جای سپاسگزاری است که در پایان زندگی و پس از فرار از دست معبودش خمینی به‌شوروی و به «کار گل» گرفتنش در شوروی و فرار مصیبت‌بارش به اروپای شرقی اعتراف می‌کند که « اینها به‌ما دروغ می‌گفتند! »

کسرایی شعر زیر را در آغاز استقرار حکومت اسلامی خطاب به خمینی برای کشتار بیشتر میهن پرستان مانند دکتر عباسعلی خلعتبری، دکتر محمدرضا عاملی تهرانی، سپهبد نادر جهانبانی، سپهبد مهدی رحیمی و بانو وفرخرو پارسا سرود:

دارم پیام

ای امام

که زبان خاکیانم و رسول رنج

بر توام درود بر توام سلام

آمدی

خوش آمدی، پیش پای توست ای خجسته‌ای که خلق

می‌کند قیام

حق ما به‌گیر

داد ما برس

تیغ برکشیده را نکن به خیره در نیام

حالیا که می‌رود سمند دولنت، بران،

حالیا که تیغ دشنه تو می‌بُرد،

بزن.

با پیوستن سوریه، افغانستان، ایران، لبنان و عراق، و بی‌طرف شدن کویت، اردن و امارات عربی کمر بند سبز عملاً به‌کمر بند سرخ تبدیل شده است، بدون آنکه در اصول عقیدتی چپ و اسلام کوچکترین هماهنگی داشته باشند.

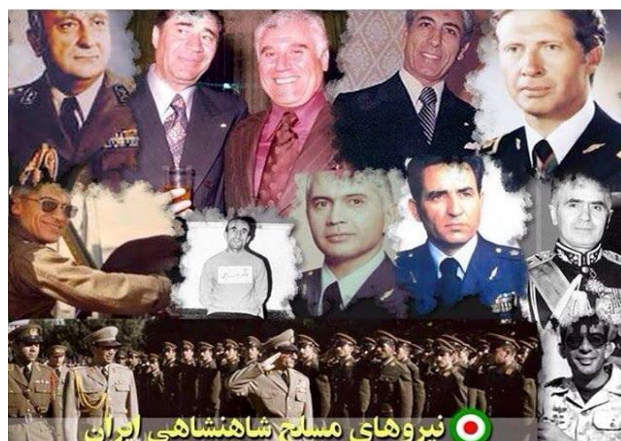
نظر به اینکه هر دو برای ترقی و تعالی خود از حربی فقر و تهیدستی استفاده می‌کنند و عوارض اجتماعی فقر را بر اساس کلام «الفقرسوادالوجه فی دارین» باز می‌شناسند، در براندازی نظام‌های اجتماعی و برچیدن اساس حکومت کاملاً در یک راستا گام برمی‌دارند.

«مفسد فی الارض» یا «محاربه با خدا» و «همکاری با رژیم» ابزارهایی شدند در دست چپ ایران که از زیر عیای ملا بیرون آمد تا بتوانند میهن‌دوستان و افتخارات ایران را که مرتکب حتی کوچکترین تخلف اداری نشده بودند و شرافتمندانه زندگی می‌کردند اعدام کنند؛ مانند امیرعباس هویدا، دکتر محمدرضا عاملی تهرانی، دکتر غلامرضا کیان‌پور، دکتر عباسعلی خلعتبری، دکتر فرخرو پارسا، سپهبد نادر جهانبانی، سپهبد مهدی رحیمی، سرلشکر نشاط و صدها انسان که گنجینه‌های ملی ایران بودند را با روش انقلاب روسیه و تاحدودی انقلاب فرانسه بجای اینکه بر اساس اصل برائت، اتهام را به‌اثبات برسانند، از متهم خواستند که مفسد بودن خود یا عدم محاربه با خدا را به‌اثبات برساند!

آنان نه‌تنها به‌این روش خلاف خرد و قرون وسطایی انگیزسیون هم بسنده نهمندند، بلکه گاندی ایران فتوا داد که محاکمه بی محاکمه! و گفت:

«این جنایتکارها که در بازداشت هستند متهم نیستند، بلکه جرمشان محرز است؛ باید فقط هویت آنها را ثابت و بعد آنها را کشت. اصلاً احتیاج به‌محاکمه آنها نیست. هیچ‌گونه ترحمی درمورد آنها مورد ندارد. اگر ما اینها را نکشیم، هر یکی‌اشان که بیاید بیرون می‌رود آدم می‌کشد. با چند سال زندان کار درست نمی‌شود. این عواطف بچه‌گانه را کنار بگذارید.....»

درد بر روح بزرگ این مردان دلیر و آزاده که حاضر به پذیرش توبه مسخره آخوندی و سخن بر ضد شاهنشاه آریامهر نشدند و بدست جلادان ضد ایرانی خمینی هندی زاده تیر باران شدند آری هموطنان این مردان بزرگ مرگ را به سخره گرفته و به افسانه‌های کهن این دیار پیوستند. 🙏🙏



نخستین دلیل شرافت و محبوبیت یک ژنرال نظامی و قهرمان ملی اینست که باور ملی داشته باشد، برای کشور و ملت خودش بجنگد و حتی اگر مجبور به حضور در سرزمین دیگر بود معطوف به امنیت و سربلندی ملتش باشد، روح قهرمانان ملی ایرانزمین شاد و یادشان گرمی باد ❖



قهرمانان راستین ملت ایران

تیمساران: سرلشگر منوچهر خسروداد، سپهبد غلامعلی بدره‌ای، سپهبد مهدی رحیمی، سر‌تیب آیت محقق، سرلشگر علی نشاط و سپهبد خلیان نادر جهانیانی

در هر صورت در دوره‌ی شور مستی مثلاً انقلاب برای آنکه از قافله عقب نماند در مقاله‌هایی با عنوان «اگر شکوفه‌ی سیب به میوه رسد...؟» که در شماره روز ۲۶ بهمن ۱۳۵۷ (روزی که چهار افسر عالی‌رتبه نیروهای مسلح شاهنشاهی به حکم صادق خلخالی تیرباران شدند) در روزنامه اطلاعات از این اقدامها دفاع کرد و نوشت:

«میکروبها نابود نمی‌شوند؛ سمومات هوا و زمین که زمین و زمان را به کثافت و تعفن آلوده کرده‌اند از بین نمی‌روند. از انقلاب باید همچو طفلی نوزاد حراست شود. چگونه؟ محیط انقلاب، همه میکروبها و سمومات مولد فساد و ظلم باید بلافاصله و بدون کمترین درنگ نابود شوند.»

او خواستار تعقیب، محاکمه و مجازات تمامی وزرا و معاونین و مسئولان اداری و وابستگان آنها در بخش‌های خصوصی شد. با تمام این بداندیشی و کج‌باوریهای ناچیز این بی‌ریشه‌ها و مانند آنها، فرهنگ کهن و ریشه‌دار تاریخی ایران تنها بر پایه نیروی استوار ملت، همیشه پرشکوه و سرافراز باقی خواهد ماند و این دوره‌ی کوتاه و نکبت‌بار جمهوری اسلامی اشغالگر نیز به ذباله‌دان تاریخ خواهد پیوست.

همیشه نور بر تاریکی پیروز است.
پاینده ایران، جاوید ملت بزرگ ایران - دکتر نصر اصفهانی

در نشریه‌ی «جنبش»، متعلق به دکتر سید علی‌اصغر حاج سید جوادی برای ورود خمینی به ایران نوشتاری نوشته شده بود. پس از سرخوردگی، و نه پشیمانی، خانواده‌اش ادعا کردند که این نوشتار از طه حجازی است که در جنبش چاپ شده است. نوشتار چنین است:

امروز خورشید از غرب طلوع می‌کند (نویسنده فراموش می‌کند که برپایه‌ی احادیث سراپا دروغ آخوندها، روزی که خورشید از غرب سربرآورد، روز ظهور مهدی غایب است). امام می‌آید، با صدای نوح، با طلیسان و تیشه ابراهیم، با عصای موسی، با هیأت صمیمی عیسی و با کتاب محمد و او دشت‌های سرخ شقایق را می‌پیماید و خطبه رهایی انسان را فریاد می‌کند. وقتی امام بیاید، دیگر کسی دروغ نمی‌گوید. (البته به جز امام) دیگر کسی به در خانه خود قفل نمی‌زند، دیگر کسی به باج‌گزاران باجی نمی‌دهد؛ مردم برادر هم می‌شوند و نان شادی‌اشان را با یکدیگر به عدل و صداقت تقسیم می‌کنند. دیگر صفی وجود نخواهد داشت؛ صفهای نان و گوشت، صفهای نفت و بزمین، صفهای مالیات، صفهای نام‌نویسی برای استعمار (پرخیده گویی، کینه ورزی، هوچی بازی و شارلاتانی هم مرزی دارد. در ۵۰ سال پیش از شورش، در چه تاریخی و در کجا در ایران صف مالیات و صف نام‌نویسی برای استعمار داشتیم؟)

و صبح بیداری و بهار آزادی لبخند می‌زند. باید امام بیاید تا حق به‌جای خودش بنشیند و باطل و خیانت و نفرت در روزگار نماند.

این روشنفکر خود را به شکل و شمایل «امیل زولا» در آورده بود و خویشتن را «امیل زولای» ایران می‌دانست، ولی این شعر حافظ را فراموش کرده بود که:

نه هر که طرف کله کج نهاد و تند نشست

کلاهدار و آیین سرور داند

هزار نکته‌ی باریکتر ز مو این جاست

نه هر که سر بتراشد قلندری داند



آمار مهاجرت نخبگان

این تنها روایت برخی از پزشکان و افراد مرتبطی است که در این حوزه کار می‌کنند، این در حالی است که مهاجرت در برخی از رشته‌ها مانند رشته‌های فنی و مهندسی و علوم پایه از حدود ۱۵ سال قبل آغاز شده و اکنون به حوزه پزشکی رسیده است. بهرام صولتی، رئیس دبیرخانه رصد مهاجرت ایرانیان گفته است:

«سالیانه ۱۳ هزار دانشجوی و دانش‌آموز از ایران خارج می‌شوند. این در حالی است که در سال ۹۲ این آمار ۵ هزار نفر بود. هم‌اکنون حدود ۶۰ هزار دانشجوی ایرانی در خارج از کشور حضور دارند؛ درحالی‌که تعداد دانشجویان ایرانی خارج از ایران در سال ۲۰۱۴، حدود ۵۰ هزار نفر بوده است.»

از سوی دیگر به گفته رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و ترکیه، نسبت مهاجران ایرانی به کل جمعیت ۴/۸۱ درصد است، اما از المپادی‌ها ۳۷/۲ درصد و از رتبه‌های یک تا ۱۵۰ کنکور ۲۵/۵ درصد مقیم خارج از کشور هستند.

مهاجرت نانشمندان و نخبگان از کشور ۶ تا ۹ برابر متوسط مهاجرت است. اگرچه این آمارها تماما برای کشورمان نگران کننده است، اما باید دانست مهاجرت پزشکان به دلیل تأثیر مستقیمی که بر روی سلامت افراد جامعه می‌گذارد بسیار نگران کننده‌تر است.



فاجعه فرار مغزها؛

روایت‌هایی دردناک از مهاجرت پزشکان

موضوع مهاجرت پزشکان و سایر نخبگان سال‌های سال است که به‌عنوان یک نگرانی در میان جامعه‌شناسان و ناظران اجتماعی و سیاسی کشور مطرح است. سال گذشته رصدخانه مهاجرت ایران پیمایشی انجام داد که بر اساس آن بیش از ۴۰ درصد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، پزشکان و پرستاران، اساتید، محققان و پژوهشگران و گروه‌های استارت‌آپی تمایل به مهاجرت دارند.

روایت‌هایی دردناک از مهاجرت پزشکان

این افزایش مهاجرت در روایات برخی از افراد نیز وجود دارد. کاربری به‌نام «یوحنا» در توئیتر، برخی از این روایات را نوشته است:

- ۱- رزیدنت سال سوم جراحی انصراف داده، نشسته برای مهاجرت آلمان می‌خواند،
- ۲- متخصص رادیولوژی ۵۴ ساله پدر دوستم است در حال رفتن به عمان است
- ۳- سال آخر داروسازی است و تمام زندگی عاطفی اش را بر روی مهاجرت به‌کاتاندا قمار کرده است.
- ۴- پزشک سربازی است در اصفهان و با قدرت بر روی رزومه و زبان خواندن کار می‌کند، جالب است می‌گوید گروهی داریم که همه بر روی برنامه مهاجرت کار می‌کنند!

کاربر دیگری به نام «سهیل» نیز نوشته است: «سال دوم پزشکی بودم انصراف دادم و الان شیمی می‌خوانم و بر روی آیلتس کار می‌کنم که سه تا چهار سال دیگر مهاجرت کنم.»

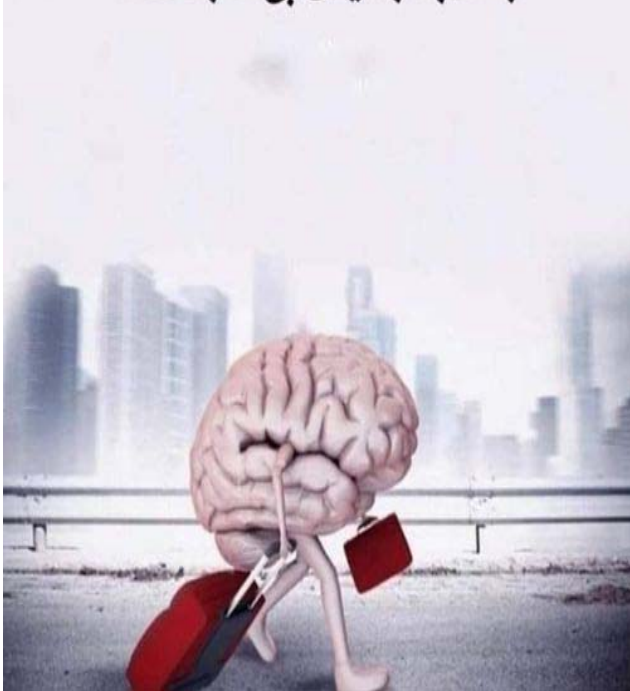
مصطفی نیز نوشته است:

«خودم ارشد سلولی و همسرم پزشک است؛ تمام فکر و ذکرمان مهاجرت است.»

کاربر دیگری به نام صادق که دارالترجمه دارد نوشته است: «فقط ده‌ها نفر از کادر درمان از تکنسین گرفته تا فوق تخصص در سال ۱۴۰۰ به دفتر ما مراجعه کرده‌اند برای ترجمه مدارک و مهاجرت. یک دفتر از مجموع ۵ دفتر در یک شهرستان کوچک؛ ببینید وضعیت چگونه است.»

دردناکتر از فرار مغزها،

به قدرت رسیدن بی مغزهاست





گوهر نایاب، شاهنشاه آریامهر

در نماز مسلمانان، پایان نمازشان با سلام ختم می‌شود:

السلام و علیک یا نبی الرحمت‌اله

السلام و علیک یا عبدالله صالحین

والسلام و علیکم و رحمت‌اله

معنی «عبدالله الصالحین» یعنی کسانی که عبادت می‌کنند و صلح را برقرار می‌کنند.

حضرت عیسی هم می‌فرماید:

Blessed are the Peace makers, so that, they are the real children of God.

مسلمانان خمینی و نه‌هیچ‌کدام از ملایانیکه از او تقلید کرده‌اند و می‌کنند معنی «عبدالله الصالحین» را نفهمیده‌اند، ولی شاهنشاه آریامهر تمام زندگی خود را صرف صلح در خاور میانه و جهان نمود.

در سال‌های دهه 1950، شاهنشاه و ملکه ثریا توسط پرزیدنت دوایت دیوید آیزنهاور به ایالات متحده دعوت شدند.

پرزیدنت آیزنهاور پذیرایی بسیار عالی از شاه ایران و ملکه ثریا کرد و به شاه ایران گفت شما هر چه به‌خواهید آمریکا به‌شما می‌دهد و بیشتر از هر چیزی من به‌شما پیشنهاد می‌کنم ما به شما سلاح اتمی و موشک‌های قارمپیما هدیه کنیم با کلاهک‌های هسته‌ای که از نظر نظامی شما مجهزتر از همه کشورهای خاورمیانه باشید. (در آن دوران اتحاد جماهیر شوروی اولین بمب اتمی خود را آزمایش کرده بود).

پادشاه ایران بعد از چند روز جواب منفی داد که پرزیدنت آیزنهاور بسیار تعجب کرد. شاهنشاه ایران گفت:

«بمب اتم و استفاده از آن بزرگترین جنایت‌هاست و وجود آن در خاورمیانه که مانند یک کاسه آب جوشان می‌باشد، اشتباه و برخلاف صلح جهانی است.»

بعد از مدتی ترکیه که عضو «پیمان ناتو» بود داشتن کلاهک هسته‌ای و موشک‌های قارمپیما را از ایالات متحده پذیرفت و همین باعث ایجاد بحران در جهان و مسئله‌ی «کوبا» شد.

در زمان «جان اف کندی» کم مانده بود جنگ جهانی سوم شروع شود، در این رابطه اتحاد جماهیر شوروی بهره‌ری نکیتا خروشچف، آمریکا را وادار کرد تشکیلات اتمی خود را در ترکیه برچیند و در مقابل، اتحاد جماهیر شوروی نیز تشکیلات اتمی خود را در کوبا جمع کرد.

شایان ذکر است ترکیه هرگز همه‌ی بمب‌های اتمی را رو نکرد و کوبا هم همین سیاست را در خفا دنبال نمود.

در اواخر دهه 1970 در اتحاد جماهیر شوروی و «پکت ورشو» مشکلات اقتصادی بسیار بزرگ بوجود آمد و شوروی و «پکت ورشو» دچار تورم مالی ۸/۵ در صد شده بود و اگر هر آینه آن تورم مالی به ده در صد می‌رسید، «پکت ورشو» منفجر می‌شد و در دنیای سوسیالیست یک انقلاب بزرگ داخلی با بمب اتمی، کره زمین را منفجر می‌کرد.

در نهایت سران کمونیست اتحاد جماهیر شوروی تصمیم گرفتند شهرهای زیر زمینی و پناهگاه‌های اتمی بزرگی به‌سازند تا نجاتشان بتوانند سران حکومتی را حفظ کنند، بلکه قادر باشند تعداد زیادی از دانشمندان، دکترها، مهندسين، کشاورزان و از هر صنفی تعدادی را در شهرهای زیرزمینی و ضد اتمی در صورت بروز یک جنگ بزرگ حفظ کنند و بعد از نابودی سطح کره زمین و بعد از قرن‌ها وقتی سطح کره زمین آماده زندگی دوباره شد، روس‌ها و اتباع آنها از زیرزمین‌ها بیرون بیایند و مسلمانان آن جنگ بزرگ می‌شدند.

این مسئله در آنزمان بسیار سروصدا کرد و در غرب دانشمندان به نشستی دعوت شدند که نظر خود را اعلام کنند.

جمع‌بندی نشست دانشمندان این بود که هم غرب و هم شرق آنچنان بمب‌های مخرب و بزرگ اتمی ساخته بودند که بمب اتمی استفاده شده در ژاپن در جنگ جهانی دوم، در مقایسه با آنها مانند اسباب بازی بود و تنها انفجار چهار عدد از این بمب‌های اتمی، تمام کره زمین را به‌ریز آب می‌برد و در اثر گرمای زیاد ایجاد شده، قطب شمال و جنوب هر دو ذوب می‌شدند و همه چیز در سطح کره زمین نابود می‌شد.

متعاقب این واقعیات، بلافاصله یک فیلم سینمایی به‌نام:

«The next day» ساخته شد که هرکسی می‌تواند آنرا ببیند.

داستان فیلم نشان می‌دهد که جنگ اتمی در یک روز انجام می‌شود و روز بعد از آن، متعاقب نابود شدن سطح کره‌ی زمین و کشته شدن موجودات بطور تدریجی، طوفان بزرگ جهانی و الکترون‌های رها شده چگونه همه چیز را نابود خواهند کرد.

متعاقب درک این واقعیت، ابر قدرتهای جهان تمام مشکلات اقتصادی در دنیا را به‌گردن کشورهای صادر کننده نفت «اوپک» و بیشتر از همه متوجه‌ی ایران و عراق کردند و بعد، راه حل ارایه شده‌اشان این بود که دو کشور فقیر جهان، یعنی چین و هند باید ایران و عراق را نابود و یا اینکه ایران و عراق همدیگر را نابود و فقیر کنند!؟

در آن زمان تنها مشکل و مانع آنها وجود شاهنشاه آریامهر، پادشاه ایران بود که از نظر سیاسی بسیار کاردان، از نظر اقتصادی یک نابغه و بسیار وطن‌پرست بود.

شاهنشاه توانسته بود سرمایه‌های بسیار بزرگی برای آینده‌ی ایران تدارک دیده و به‌ملت ایران قول تمدن بزرگ را داده بود.

ایران در سال ۱۳۵۱ توانسته بود تمام قرض‌های جهانی خود را به‌پردازد و از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ بازار اقتصادی بزرگی در در دنیا بوجود آمده بود که سرمایه‌داران جهانی، به‌سرمایه‌گذاری در ایران از یکدیگر پیشی می‌گرفتند.

در این لحظات سرنوشت ساز تاریخی

بیایید همگی باهم

به ایران فکر کنیم

همگی به ایران فکر کنیم



روح شاد؛ بزرگ مرد

با خود می‌اندیشیدم چرا ما اینقدر بی‌هویت و توسری‌خور شده‌ایم؟ دلائل‌اش را در زیر برایتان می‌نویسم؛ خواهشمندم شما سروران هم نظرات خود را تقویم بفرمائید:

آری نقطه‌ی وصل و ارتباط‌آمان با گذشته شخصیتی بود به‌نام پادشاه (اعلیحضرت). پادشاه در حقیقت نقطه‌ی عطف و اوج شخصیت این سرزمین در طول قرنهای متمادی بود.

پادشاه اصالت و هویت ما بود، ولی شوربختانه خودمان و با دسیسه‌ی خارجی آنرا با دستان و اراده‌ی خود از بین بردیم. دقیقاً هر انسان دارای یک پیشینه است؛ در شناسنامه‌اش هر شخصی چه ایرانی و چه خارجی مهمترین شاخصه‌ی شناسائی‌اش والدین (پدر و مادر) هستند که برحسب وجود آنان بهما هویت می‌دهند.

آری ما در اثر عمل‌کرد یک اقلیت خائن و یک اکثریت خردباخته و نافهم این هویت را برباد دادیم؛ درست شدیم مانند یک بچه یتیم که همواره فقدان پدر و مادر عملاً اعتماد به‌نفس را از او می‌گیرد و او نمی‌تواند بگوید که کیست چون پدر و مادری ندارد که به اعتبار آنان خود را به‌نمایاند و مطرح کند و در این حالت معمولاً گوشه‌گیر و توسری‌خور هم می‌شود؛ البته ما با از دست دادن این هویت تنها بچه یتیم نه شدیم! بلکه اکنون به‌برکت این رژیم ضدایرانی، بچه‌ی سرراهی شده‌ایم!

کو آن پدر رشید و پیرصلابتی که از حقوق‌آمان در برابر یک جهان دشمن و مال مردم‌خور و مال یتیم‌خور دفاع کند؟ آری ما بی‌هویت شده‌ایم که آن چینی می‌آید و در کشورما جولان میدهد و منابع و اموال ما را به‌یغما و غارت می‌برد و به‌نوامیس‌آمان تجاوز می‌کند!؟

آری ما بچه یتیم شده‌ایم! ما پدر نداریم که یک روان‌پریشی مانند صدام حسین که سیمتی جز نوکری پادشاه ما را نداشت به‌خود جرات داد به‌ما شیخون بزند و خانه و میهن ما را چندین سال اشغال نماید و هنوز هم اعوان و انصار عراقی‌ها در کشورما جولان می‌دهند و در مشهد نوامیس ما را با دلالت آخوندهای ایران‌ستیز مورد تعدی و تجاوز قرار میدهند و یا در دُبی برای آنان کاسبی راه می‌اندازند.... و الی آخر!؟

آری ما بی‌پدریم!

اخیراً شنیده‌ام طالبان می‌خواهد برای ما بچه یتیمان تعیین و تکلیف کند و بخاطر مسئولان بی‌کفایت، کفالت و قیومیت ما را هم عهده‌دار شود!؟

آری ما بی‌پدریم

آری ما یتیم‌ایم

آری ما بی‌هویت‌ایم

آری آن راد مرد و «آن بزرگ‌مرد» نه تنها پدرمان بود، بلکه ولی قهری همه‌ی ملت بود. او نقطه‌ی پیوند ما به ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی و ابهت و عظمت و شوکت و فخر و جلال بود.

وقتی روی پاسپورت‌های ایرانی درشت می‌نوشت "کشور شاهنشاهی ایران" یعنی اقتدار یعنی شوکت "یعنی عظمت" یعنی ما کشورمان صاحب دارد یعنی "کوروش آسوده بخواب که ما بیداریم" یعنی اینجا کشور شاهنشاهی ایران است نه "ممالک محروسه" اینجا هندوستان نیست که مستعمره انگلستان باشد

اینجا هنگ کنگ نیست

اینجا برمه نیست

اینجا حتی کانادای انگلستان هم نیست

اینجا استرالیا هم نیست

اینجا ایران است

اینجا سرزمین کوروش است

اینجا سرزمین هخامنش است

اینجا سرزمین داریوش شاه است

اینجا سرزمین خشایار شاه است که یونان را فتح کرد

اینجا سرزمین آریامهر است

اینجا سرزمین بزرگ ارتشتاران است

اینجا سرزمین جاوید شاه است

اینجا سرزمینی است که شاه‌اش همیشه جاوید است.

سرباز ناچیز شاهنشاهی- شهرام صدرمحقق - تهران





بهداشت و سلامتی

لوبیا سبز، گیاهی که قاتل کم خونی است

فیبری که در لوبیا سبز موجود است، سبب کاهش فشارخون می‌شود. لوبیا سبز از مبتلا شدن به سرطان روده جلوگیری کرده و ویتامین C و «بتاکاروتن» موجود در آن سلول‌های روده را از تخریب توسط رادیکال‌های آزاد محافظت می‌کند. فیبری که در لوبیا سبز موجود است، سبب کاهش فشارخون می‌شود. لوبیا سبز از مبتلا شدن به سرطان روده جلوگیری کرده و ویتامین C و بتاکاروتن موجود در آن سلول‌های روده را از تخریب توسط رادیکال‌های آزاد محافظت می‌کند. این گیاه دارویی به‌عنوان یکی از مهمترین منابع گیاهی غنی از پروتئین و کربوهیدرات به‌شمار می‌رود و جزو اصلی رژیم غذایی بسیاری از مردم جهان محسوب می‌شود. لوبیا سبز سرشار از ویتامین A نیز است که این ویتامین یک آنتی‌اکسیدان قوی محسوب شده و مصرف آن در پیشگیری از افزایش کلسترول بد خون، ناراحتی‌های قلبی و سرطان موثر بوده و از دیگر فواید این ویتامین، به تعویق انداختن علائم پیری زودرس، مثل پدیدار شدن چین و چروک، تیرگی پوست، پیدایش لکه‌های تیره و خشکی پوست می‌باشد. «لکتین‌ها» پروتئین‌هایی بوده که نقش عمده آن‌ها در جانوران تسهیل اتصالات سلول به سلول است و «PHA» در مقدار بالا، یک ماده سمی محسوب شده و حرارت دادن لوبیای سبز PHA را از میان خواهد برد. ۵ تا ۶ عدد لوبیای سبز اگر نه‌پخته باشند، می‌توانند جان کودکان خردسال را به‌خطر انداخته، زیرا لوبیا سبزهای خام دارای «لکتینی» به‌نام «PHA» بوده که می‌توانند منجر به خونریزی شدید معده گردد.

ابتلا به کرونا، مغز را ۲۰ سال پیر می‌کند

محققان دانشگاه کمبریج می‌گویند ابتلا به کرونا، حاد می‌تواند روی توانایی‌های شناختی و مغز افراد تأثیرگذار باشد تا جایی که اثر این بیماری معادل بیست سال پیر شدن مغز است. در یک مطالعه جدید، محققان ۴۶ بیمار مبتلا به کرونا، حاد را با ۴۶۱ شخص همسان - از نظر ویژگی جسمی و سنی - مقایسه کردند. آن‌ها دریافتند تأثیر ویروس کرونا بر بدن شش ماه پس از ابتلا، معادل با پیری ۲۰ ساله یا از دست دادن ۱۰ امتیاز هوشی است.

رژیم غذایی برای مبتلایان به نقرس

نقرس بیماری دردناک ناشی از التهاب مفاصل است که به‌علت تجمع اسید اوریک اضافی به‌شکل بلورهایی در مفاصل ایجاد می‌شود.

اسید اوریک در بدن ناشی از تجزیه ماده‌ای به‌نام «پورین» است که در بسیاری از غذاها یافت می‌شود.

اگر مبتلا به نقرس باشید، کاستن از میزان پورینی که از طریق مواد غذایی وارد بدن شما می‌شود، ممکن است تا حدی به‌بهبود علائم کمک کند، اما توجه داشته باشید با اینکه رژیم غذایی می‌تواند بر چگونگی تولید اسید اوریک در بدن شما اثر بگذارد، اثرات آن در مقایسه با داروهای تجویز شده برای شما چندان زیاد نیست.

هیچ طرح رژیم غذایی به‌طور کامل نمی‌تواند مانع از شعله‌ور شدن حملات نقرس شود، اما یک رژیم غذایی خوب برای نقرس بایستی:

- ۱- وزن شما را در حد سالم نگهدارد و عادات غذایی خوب را در شما ایجاد کند.
- ۲- باعث شود شما تا حدی از غذاهای حاوی پورین زیاد پرهیز کنید
- ۳- شامل خوراکی‌هایی باشد که بتواند به کنترل میزان اسید اوریک شما کمک کند.

اصول کلی رژیم غذایی برای یک فرد دارای نقرس از همان توصیه‌های هر رژیم غذایی سالمی پیروی می‌کند:

* **کاهش وزن:** اضافه وزن خطر دچار شدن به نقرس را افزایش می‌دهد و کاهش وزن خطر نقرس را کاهش می‌دهد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند کاهش میزان کالری دریافتی روزانه و کاهش وزن حتی بدون یک رژیم غذایی محدودکننده پورین می‌تواند میزان اسید اوریک را پایین بیاورد و شمار حملات نقرس را کاهش دهد، به‌جز اینکه کاهش وزن فشار کلی واردآمده بر مفاصل را هم کمک می‌کند.

* **کربوهیدرات‌های پیچیده:** شما باید مقدار بیشتری سبزی‌ها و میوه‌ها و غلات کامل به‌خورید که کربوهیدرات‌های پیچیده را به‌بدن شما می‌رسانند. از خوراک و نوشیدنی‌هایی که با شربت ذرت فروکتوز بالا شیرین شده‌اند پرهیز کنید و مصرف آب میوه‌های با شیرینی طبیعی را هم محدود کنید.

* **آب:** تامین مایعات کافی بدن با نوشیدن آب هم ضروری است.

* **چربی:** از میزان مصرف چربی‌های اشباع‌شده که در گوشت قرمز، گوشت طیور و لبنیات پرچرب وجود دارند، به‌کاهید.

* **پروتئین:** بر گوشت قرمز یا گوشت طیور بی‌چربی، لبنیات کم‌چربی و حبوبات به‌عنوان منابع پروتئین متمرکز شوید.

مواد خوراکی که هرگز فاسد نمی‌شوند!

اگر بعضی مواد خوراکی را در مکان‌های مخصوص و مناسب انبار کنیم، هرگز فاسد نمی‌شوند و احتیاجی نیست آنها را درون سطل ذباله خالی کنم. این مواد عبارتند از:

عسل، برنج، شکر، مشروبات الکلی، سرکه انگور سفید، شربت افرا، نشاسته ذرت، نمک و مواد کنسرو شده،

محققان ژن بازیابی شنوایی در موش‌ها را کشف کردند

محققان و دانشمندان، تک «ژن فرمانده» (master gene)، برنامه‌ریزی‌کننده سلول‌های مویی گوش به سلول‌های درونی و بیرونی را کشف کردند. این پیشرفت علمی می‌تواند به رفع یکی از موانع اصلی در بازیابی شنوایی کمک کند. پژوهشگرانی از جمله محققان دانشگاه «نورت وسترن» ایالات متحده، می‌گویند کم‌شنوایی ناشی از پیری، سروصدا یا برخی داروهای درمان سرطان و آنتی بیوتیک‌ها برگشت‌پذیر نیست، زیرا پس از مرگ سلول‌های حسی داخلی و بیرونی موجود در گوش که در شنوایی نقشی حیاتی دارند، برای برنامه‌ریزی مجدد یاخته‌ها و پدید آوردن آن‌ها روش موثری وجود ندارد.

در حال حاضر روش‌هایی برای تولید یاخته‌های مویی مصنوعی پیدا شده است، اما محققان می‌گویند در این روش‌ها، یاخته‌های مویی داخلی و خارجی گوش که در شنوایی کارکردهای اساسی مختلفی دارند، از هم متمایز نمی‌شوند.

طبق اعلام مرکز مهار و جلوگیری بیماری‌های ایالات متحده «سی‌دی‌سی» (CDC)، زندگی حدود ۸/۵ درصد بزرگسالان ۵۵ تا ۶۴ ساله در ایالات متحده بر اثر کم‌شنوایی فلج شده است و این میزان در افراد ۶۵ تا ۷۴ ساله به ۲۵ درصد و در بالای ۷۵ ساله‌ها به ۵۰ درصد افزایش می‌یابد.



مناسب‌ترین زمان برای دوش گرفتن از نظر علم کدام است؟

دکتر آمش آدالجا، پزشک و دانشمند سازمان غیرانتفاعی مرکز امنیت سلامت دانشگاه جان‌هاپکینز، می‌گوید:

«هیچ مدرک علمی در مورد اینکه چه زمانی از روز برای دوش گرفتن روزانه بهتر است، وجود ندارد. بنابراین، هرکس اساساً می‌تواند برای خود تصمیم بگیرد. اما اگر از آکنه یا آلرژی به موی حیوانات رنج می‌برید یا مستعد ابتلا به عوارض پوستی هستید، باید بعد از فعالیت بدنی در شب دوش بگیرید. این کار باکتری‌ها را از بین می‌برد و از لک‌های پوستی جلوگیری می‌کند.»

این در حالی است که کارشناسان همچنین برای افرادی که سبک زندگی فعالی دارند یا در محل کار زیاد عرق می‌کنند، دوش شبانه را توصیه می‌کنند.

شستشوی مو معمولاً هر دو روز یکبار کافی است، به‌خصوص اگر موها نازک هستند و سریع چرب می‌شوند. همچنین برای پوست‌های خشک، شستشوی شبانه بهتر است؛ به این دلیل که در طول شب، لایه محافظ پوست می‌تواند خود را به راحتی بازسازی کند.

آیا با دوش آب گرم بهتر می‌خوابید؟

مطالعه‌ای که در مجله اروپایی «فیزیولوژی کاربردی و فیزیولوژی شغلی» منتشر شده، نشان داده که دوش آب گرم قبل از خواب می‌تواند کیفیت خواب را بهبود بخشد.

به‌گفته روانشناسان، آب گرم تنش را از بین می‌برد و همچنین به‌کاهش استرس کمک می‌کند. اگرچه تحقیقات بیشتری ضروری است، اما برای کسانی که مشکل به‌خواب‌رفتن یا خواب عمیق دارند، یک دوش آب گرم در عصر می‌تواند گزینه خوبی باشد.

با این حال، دوش صبحگاهی مزایای خود را نیز دارد؛ گردش خون شما را بهبود می‌بخشد و برای روز به‌شما انرژی می‌دهد؛ دمای آب سردتر نیز گردش خون را تحریک می‌کند. مطالعات همچنین نشان می‌دهد دوش آب سرد می‌تواند سیستم ایمنی را بهبود بخشد، زیرا بدن سلول‌های ایمنی بیشتری را از طریق سرما تولید می‌کند. با این حال این امر هنوز از نظر علمی ثابت نشده است.

نتیجه اینکه حمام صبح و عصر هر دو مزایای خود را دارند، بنابراین باید روتین خود را با نوع پوست خود تطبیق دهید.

مضرات شکر

دکتر رابرت لاستیک، استاد دانشگاه در سن‌فرانسیسکو و نویسنده چند کتاب درباره مضرات شکر ابراز امیدواری کرد که تولیدکنندگان مواد خوراکی در میزان شکر افزوده شده به تولیدات خود تجدیدنظر کنند.

دکتر لاستیک در گفت و گو با بی‌بی‌سی درباره خطرات مصرف بیش از اندازه شکر گفت:

"شکر سه اثرگذاری دارد که دیگر مواد خوراکی مورد مصرف ما فاقد آن هستند.

شکر در کبد تبدیل به چربی می‌شود که منجر به بروز سندرم متابولیک مزمن می‌شود، باعث پیری زودرس سلولی می‌شود که در نتیجه شما هم زودتر دچار پیری می‌شوید و در نهایت با تأثیرگذاری بر روی مغز، باعث اعتیاد شما به شکر می‌شود."

به‌گفته‌ی دکتر لاستیک، هر مقدار مصرف شکر کاهش یابد، تأثیرگذاری مثبت آن بر سلامتی افراد بیشتر خواهد بود.

درمان جادویی واریس و لخته‌های خون

واریس و ترومبوز سیاهرگی (لخته شدن یا ترومبوز خون در سیاهرگ) دو بیماری رایج بین زنان و مردان است که البته زنان بیشتر از مردان با آن درگیر هستند. لخته‌های خونی معمولاً زمانی شکل می‌گیرند که رگ‌ها بزرگ و متورم شده و خون نمی‌تواند به سمت قلب حرکت کند.

رگ‌های واریسی یکی از پیامدهای این اتفاق است که در بیشتر در پا و مچ پا ظاهر می‌شوند. ظهور رگ‌های واریسی البته دلایل خود را دارد: نشستن یا ایستادن طولانی مدت، آسیب دیدن پا، لخته‌های خونی، عدم تمرین کافی، بارداری و اضافه وزن.

ترومبوز سیاهرگی همچنین می‌تواند در سیاهرگ‌های عمقی ایجاد شود که به آن «ترومبوز سیاهرگی عمقی» می‌گویند. ترومبوز سیاهرگی عمقی (DVT) به معنای تشکیل لخته خونی در دیواره داخلی یک سیاهرگ عمقی است. ایجاد لخته‌های خونی در مسیر عروق خونی اندام‌ها، باعث اختلال جریان خون و در نتیجه منجر به انسداد نسبی یا کامل عروق خونی می‌گردد.

این مسئله جدی البته راه درمانی هم دارد. اولین و مهم‌ترین نکته تغییر الگوی نشستن و ایستادن است. دومین مسئله نیز درمان خانگی است که به شما کمک فراوانی خواهد کرد. این محلول جادویی به علت تاثیر مثبتی که می‌گذارد، از محبوبیت خاصی برخوردار شده است.

مواد مورد نیاز و طرز تهیه

یک عدد صابون کودک و یک لیوان شیر گوسفند طرز آماده کردن این محلول نیز آسان است. در ابتدا، صابون کودک را به شکل پودر درآورده و آن را داخل شیر گوسفند بریزید. سپس محلول به دست آمده را روی قسمتی بمالید که واریس و ترومبوز سیاهرگی وجود دارد. البته فراموش نکنید که پس از مصرف محلول، باقی‌مانده‌ی آن را در یخچال نگه دارید. این محلول را باید روزی سه مرتبه بر روی محل واریس سیاهرگی بمالید و منتظر تغییرات آن بمانید.



اگر به کووید ۱۹ مبتلا شده‌اید، لطفاً واکسن نزنید

بنابر گفته‌های دکتر «هومن نورچشم» (جراح قلب)، پروتئین‌های ویروسی ناشی از ابتلای پیشین به کووید، می‌توانند در بدن فرد بیمار، به‌ویژه در رگ‌های خونی ریه‌ها و مغز، باقی بمانند.

طی پژوهشی بین‌المللی با شرکت ۲۰۰۲ نفر، مشخص شد افرادی که پیش از دریافت واکسن به کووید ۱۹ مبتلا شده بودند، پس از واکسینه شدن، عوارض جانبی شدیدی را تجربه کرده و واکنش شدیدی از خود نشان دادند.

دکتر هومن نورچشم مکرراً به‌سازمان غذا و دارو هشدار داده که «خطری بالقوه و واضح»، افرادی که پیش از دریافت واکسن به کووید ۱۹ مبتلا شدند را تهدید می‌کند.

موضوع به آنتی‌ژن‌های ویروسی باز می‌گردد که پس از ابتلای طبیعی به این بیماری، در بدن فرد مبتلا باقی می‌مانند؛ پس از دریافت واکسن، بدن واکنش نشان می‌دهد و ممکن است سیستم ایمنی فعال شده توسط واکسن، سبب التهاب در بافت‌هایی شود که این آنتی‌ژن‌ها در آن‌ها وجود دارند.

ممکن است پوشش داخلی رگ‌های خونی ریه‌ها و مغز در خطر چنین التهاب‌ها و آسیب‌هایی که می‌تواند منجر به بروز عوارض «ترومبوآمبولی» شوند، قرار داشته باشد. دکتر هومن نورچشم معتقد است اشخاص باید پیش از واکسینه شدن، از نظر وجود یا عدم وجود پروتئین‌های ویروسی:

SARS-CoV-2 مورد غربالگری قرار بگیرند و واکسیناسیون برای افراد مبتلا به کووید، فارغ از داشتن علائم و افرادی که به‌تازگی از بستر این بیماری برخاسته‌اند به‌تعمیق بیافتند.

تابحال مقامات بهداشتی ایالات متحده آمریکا در رقابت برای واکسینه کردن تمام جمعیت بزرگسال این کشور، میلیاردها دلار در این راه صرف کرده‌اند که عموم مردم را متقاعد کنند تا صرف‌نظر از اینکه قبلاً به SARS-CoV-2، ویروس عامل کووید ۱۹ مبتلا شده‌اند یا نه،



همین امروز سیگار را ترک کنید خوراکهایی برای ترک راحت تر سیگار؟

زمانی که ما قصد ترک سیگار را داریم؛ یعنی می خواهیم به زندگی واقعی برگردیم. پس باید لذت بردن از غذاها را دوباره شروع کنیم و از نو یاد بگیریم. در طی این دوره غذاها می توانند از چند جهت کمک کننده باشند...

روی صحبت ما در این مطلب با آن دوستانی است که تصمیم به ترک سیگار گرفته اند و می خواهند بهترین و البته راحت ترین راه را در پیش گیرند. وارد مباحث روانپزشکی و راهکارهای ترک سیگار نمی شویم، اما می خواهیم به نوبه ی خود و با راهکارهای تغذیه ای در رسیدن به هدف ترک سیگار شما را همراهی کنیم.

زمانی که ما قصد ترک سیگار را داریم، یعنی می خواهیم به زندگی واقعی برگردیم، لذت بردن از خوراکی ها را دوباره شروع کنیم و از نو یاد بگیریم چگونه سالم. زندگی کنیم. در طی این دوره، خوراکی ها می توانند از چند جهت کمک کننده باشند:

*** سبزی و پر بودن شکم میل به سیگار را کاهش میدهد.**

*** جویدن و مشغول کردن دهان حواس آدم را از سیگار پرت میکند.**

*** طعمهای خوب میتوانند جایگزین موثری برای طعم سیگار باشند.**

بجای کشیدن سیگار، سبزیجات و میوه جات میل کنید

خوردن میوه و سبزی ها تاثیر مهمی در کاهش میل به سیگار دارد. علت آن است که افراد سیگاری خیلی وقت ها حس گرسنگی را با حس میل به سیگار اشتباه می گیرند. در حقیقت در یک فرد سیگاری این دو میل بسیار شبیه هم اند. بر اساس مطالعات انجام شده مصرف میوه و سبزی ها مزه و لذت سیگار را کاهش داده و آن را بد جلوه می دهد. مطالعات جدید هم تاثیر مصرف میوه و سبزی در کاهش میل به سیگار و همچنین دوری مدام از سیگار را بیشتر و بیشتر نشان می دهند. جالب است بدانید در بین این میوه و سبزی ها آن هایی که نیاز به جویدن بیشتر دارند مانند هویج، خیار و سیب تاثیر مثبت تری خواهند داشت.

ویتامین C و سیگار هم با هم سر جنگ دارند

سیگار ذخایر ویتامین C بدن را به هدر می دهد. این در حالی است که ویتامین C به عنوان یک آنتی اکسیدان بدن را مقابل

امراضی چون سرطان و بیماری های قلبی حفاظت می کند. سیگاری ها دو تا سه برابر افراد غیرسیگاری به ویتامین C نیاز دارند. همچنین تحقیقات اخیر نشان داده است که میزان بالای ویتامین C می تواند افراد سیگاری را در مقابل بیماری آلزایمر نیز محافظت کند. در طی فرایند ترک، افزایش میزان ویتامین C می تواند کمک کننده باشد. برای این منظور کافی است روزانه پنج تا شش نوع میوه تازه غنی از ویتامین C را در برنامه غذایی خود داشته باشید؛ مانند مرکبات، توت فرنگی، گوجه فرنگی، هندوانه، کیوی و ... همچنین در برخی افراد قرص های حاوی ویتامین C نیز توصیه می شود.

اسیدهای چرب امگا3

امگا3 علاوه بر تأثیرگذاری بر سلامت پوست، مو و بیماری هایی مانند دیابت و چربی خون، در کاهش میل به سیگار بسیار موثر است.

مطالعات زیادی نشان می دهند که مکمل یاری با امگا3 در دوره های زمانی حتی کوتاه تاثیر قابل توجهی در کاهش میل به سیگار در افراد داشته است. این دسته از افراد که به دلیل خطر بیماری های قلبی عروقی مجبور به ترک هرچه سریع تر سیگار بوده اند، موفقیت های قابل توجهی را در ترک سیگار گزارش دادند. از بهترین منابع اسیدهای چرب امگا 3 می توان به ماهی سالمون، تخم کتان، روغن کانولا و سویا اشاره کرد.

میل به سیگار و زمان بندی خوراکی ها

* حتما سه وعده غذایی را در برنامه خود داشته باشید. در این میان باز هم صبحانه توجه خاصی را می طلبد. فراموش نه کنید حذف یک وعده غذایی با افزایش حس گرسنگی، میل به سیگار را افزایش می دهد.

* علاوه بر این سه وعده غذایی اصلی، در زمان گرسنگی از میان وعده های کم کالری بین وعده های غذایی استفاده کنید.

* تنقلات تُرد و جویدنی در زمان حملات میل به سیگار بهترین دفاع برای شما هستند.

* غذاهای سالم را به عنوان میان وعده انتخاب کنید؛ غذاهای چرب و شیرین بدترین انتخاب ها به عنوان میان وعده هستند، زیرا علاوه بر همه تاثیرات منفی که بر سلامتی دارند، این مواد غذایی میل به سیگار را افزایش می دهند.

خوراکهایی که بایستی در رژیم غذایی تان گاهی دهید:

بر اساس مطالعات انجام شده، افرادی که قصد ترک سیگار دارند و یا در حال حاضر دوره ی ترک را می گذارند بهتر است از مصرف مواد خوراکی هایی که موجب اسیدی شدن محیط بدن می شود پرهیز کنند.

این مواد شامل انواع نوشابه های گازدار، آبمیوه، قهوه، گوشت قرمز، ماهی، تخم مرغ، سوسیس و کالباس، غذاهای کنسرو شده، غذاهای تهیه شده در مایکروفر، جگر، سیرابی، جوانه گندم، پنیر، بادام زمینی، گردو و برخی از حبوبات است. این مواد خوراکی میزان علاقه افراد به مصرف سیگار را افزایش می دهند، بنابراین بایستی برای مدتی معین تا ترک کامل سیگار، این مواد را از رژیم غذایی حذف کرد.



راه حل جدید چینی‌ها برای جلوگیری از نابینایی

محققان "دانشگاه ووهان" چین در یافته‌های اخیرشان از روشی جدید برای درمان بیماری‌های مختلف چشم خبر دادند. محققان چینی اظهار کرده‌اند، بیماران مبتلا به رتینوپاتی نابینا کننده ممکن است در آینده هنگامی که با روش جدید «پروتئین حساس به نور (photosensitive protein)» درمان شوند، بینایی خود را به دست آورند.

دکتر «شن بین» (Shen Yin) چشمپزشک بیمارستان «رنمین دانشگاه ووهان» و همکارانش یافته‌های اخیر خود را به‌صورت آنلاین منتشر کردند.

دکتر شن گفت، آزمایشات حیوانی انجام شده در این مطالعه نشان داده که استفاده از یک پروتئین جدید حساس به‌نور می‌تواند بینایی موش‌های نابینا را تا حدود ۳۰ درصد نسبت به انسان‌ها بهبود بخشد.

این تحقیقات برای اولین بار اثربخشی پروتئین حساس به نور جدید را در درمان بیماری‌های تخریب کننده شبکیه نشان می‌دهد و ایده جدیدی برای درمان بیماری‌های تخریب کننده شبکیه توسط علم اپتوژنتیک همراه با سایر ابزارهای فنی ارائه می‌دهد. این نشان دهنده یک پیشرفت در تحقیقات بیماری‌های عصبی شبکیه است که ممکن است برای تعداد زیادی از بیماران مبتلا به بیماری‌های ارثی چشمی مفید باشد. دکتر شن اشاره کرد که "ورم رنگیزه‌های شبکیه" نیز یک بیماری مزمن است که به نابینایی منجر می‌شود. ورم رنگیزه‌های شبکیه (شبکیه‌اماس رنگیزه‌ای) یا رتینیت پیگمنتوزا بیماری ارثی است که باعث اختلال شدید بینایی می‌شود.

ورم رنگیزه‌های شبکیه نام عمومی گروهی از بیماری‌های عمدتاً وراثتی است که با از میان رفتن تدریجی پاسخ شبکیه، کاهیدگی شبکیه و نازک شدن رگ‌های آن و تجمع رنگیزه‌ها و محدود شدن میدان بینایی همراه است.

در مراحل اولیه فرد در شب دچار مشکل می‌شود و با پیشرفت بیماری دید فرد در روز هم کاهش می‌یابد. علت کاهش دید زوال تدریجی گیرنده‌های نوری شبکیه است. دکتر شن بیان کرد: میزان ابتلاء به آن حدود یک در هر چهار هزار فرد است و اثرات درمانی و پیش‌آگهی درباره‌ی

آن بسیار ضعیف است که در نهایت می‌تواند باعث نابینایی شود و کیفیت زندگی بیماران را به طور جدی تحت تأثیر قرار دهد. او گفت که بیش از ۲۰ میلیون نابینا در سراسر جهان وجود دارد و هیچ درمان موثری برای بیماری‌های ژنتیکی شبکیه از جمله رتینیت پیگمنتوزا که به نابینایی منجر می‌شود، در دسترس نیست.

او افزود که بیماران مبتلا به تباهی لکه زرد یا دژنراسیون ماکولا (Macular degeneration) نیز می‌توانند قبل از آتروفی دیررس شبکیه (late retinal atrophy) از این درمان بهره‌مند شوند.

دکتر شن و تیم او بیش از ۱۰ سال است که عمیقاً در زمینه تحقیق، تحول و تشخیص بالینی و درمان بیماری‌های ژنتیکی چشم تلاش کرده‌اند و از فناوری‌های جدید برای تشخیص و درمان بیماری‌های چشمی ژنتیکی استفاده کرده‌اند.

آن‌ها اکنون در حال آماده شدن برای تاسیس یک مرکز ویژه برای بیماری‌های ژنتیکی چشم هستند.

طریقه درمان با آبی که به جوش آمده

هر روز صبح، زمانیکه از خواب بیدار می‌شوید ۴ لیوان آب با معده خالی بنوشید. آب بایستی گرم باشد، (ولی نه آنقدر که زبان و دهان را بسوزاند) و تا ۴۵ دقیقه بعد هیچگونه خوراکی نه‌خورید؛ همچنین پس از هر وعده غذا تا ۲ ساعت آب ننوشید.

بعضی از افراد در اوایل برای نوشیدن ۴ لیوان آب در یک زمان مشکل دارند، آنها می‌توانند از یک لیوان شروع کرده و به ۴ گیلاس برسانند.

نتایج «آب درمانی» برای امراض در مدت معین زیر ثابت شده است:

- * مرض قند: ۳۰ روز
- * فشار خون: ۳۰ روز
- * مشکلات معده: ۱۰ روز
- * انواع سرطان: ۹ ماه
- * سل و التهاب شرایین: ۶ ماه
- * کم غذایی: ۱۰ روز
- * مشکلات مجاری ادرار: ۱۰ روز
- * مشکلات بینی و گوش و حنجره: ۲۰ روز
- * مشکلات عادت ماهانه: ۱۵ روز
- * مشکلات قلب و انواع آن: ۳۰ روز
- * سردرد شدید: ۳ روز
- * کم خونی: ۳۰ روز
- * دفع چربی زیادی: ۴ ماه
- * صرع و فلج: ۹ ماه
- * مشکلات دستگاه تنفسی: ۴ ماه

لطفاً این مقاله را برای دوستان خود ارسال کنید.

اندکی تامل

می‌گویند میز شادی جهان چهار پایه دارد که دو پایه آنرا مولانا به ما نشان داده و دو پایه دیگر را حافظ.

دو پایه‌ای که مولانا معرفی کرده، «مرنج» و «مرنجان» است؛ مانند باران باشید که پلیدی‌ها را می‌شوید و دوباره به آسمان می‌رود، پاک می‌شود و به زمین بازمی‌گردد.

و حافظ گفته: «بنوش» و «بنوشان».

هر نعمتی که خدا به شما داده، از «ثروت» یا «سلامتی» و از «معرفت» و «آگاهی»، با دیگران تقسیم و دیگران را در آنها سهیم کنید، چون هم‌اینها امانتی است که به ما داده شده و باید آنرا منتقل کنیم.

پس بیایید همه با هم «مرنجیم» و «مرنجانیم» و «بنوشیم» و «بنوشانیم» و در این خاک، در این مزرعه پاک به‌جز «مهر» و به‌جز «عشق» دگر تخم نکاریم.

تقدیم به همه آنهایی که دوست داشتن سرلوحه زندگی‌اشان است.

تفاوت انقلاب چین و انقلاب (شورش) ایران

وقتی در چین انقلاب شد و امپراتوری چین در هم ریخت، نسل اول بعد از انقلاب دختران و پسران هر یک «مائو» ای بودند که ضد انقلابیون را دستگیر و تحویل دادگاه‌های انقلابی می‌دادند.

انقلاب مارکسیسم اسلامی آخوندی ایران با چندین برابر کشتار چین، بعد از بیش از چهار سال و بیش از ۴ نسل نهمتها از طرف جوانان موافقی ندارد، بلکه نسل جدید بدون هیچ‌گونه شناخت از رژیم شاهنشاهی، مخالف سرسخت رژیم آخوندی در ایران است و این در تاریخ انقلابات دنیا بی‌نظیر می‌باشد؛ چیزی که وحشت به‌جان آخوند ارتجاعی انداخته است که این جزو فرهنگ آن کشور نیز در آمده است، یعنی ملت مخالف آینده نزدیک ایران، آینده‌ای که نسل جوان ایران رژیم آخوندی را برمی‌چیند.



روزگاری آنقدر نرخ‌ها ثبات داشت که اجناس با قیمت‌هایشان نامگذاری می‌شدند. مثل کاغذ ده‌شاهی، کلوچه پنج‌زاری، آدامس ده‌شاهی و ... حتی روحانیون روضه‌خوان هم با قیمت معروفشان آخوند دوزاری شناخته می‌شدند.



کشکول، کشکول، کشکول

گویند مردی وارد مسجدی شد تا کمی استراحت کند... کفشایش را گذاشت زیر سرش و خوابید.

طولی نکشید که دو نفر وارد مسجد شدند. یکی از اون دو نفر گفت:

طلاها را بزاریم پشت منبر!

اون یکی گفت: نه! اون مرد بیداره، وقتی ما بریم طلاها رو بر میداره.

گفتند: امتحانش می‌کنیم، کفشایش را از زیر سرش بر میداریم اگه بیدار باشه معلوم میشه.

مرد که حرفای اونا رو شنیده بود، خودشو به‌خواب زد. اونها کفشایش را برداشتن و مرد هیچ واکنشی نشون نداد.

گفتند پس خوابه طلاها رو بزاریم پشت منبر!

بعد از رفتن آن دو مرد، مرد خوش‌باور بلند شد و رفت که جعبه طلای اون دو رو بردارد، اما اثری از طلا نبود و متوجه شد که همه این حرفا برای این بوده که در عین بیداری کفشایش را بدزدند!

این حکایت برای ما ایرانیان چقدر آشنا است! بابت وعده‌های شیرین هر سال چه خوش‌باورانه خودمان را به‌خواب زدیم و امروزه می‌بینیم تمام هست و نیست‌امان به تاراج رفته و شوربختانه هنوز عده‌ای به امید گذاشتن طلاهای بیشتر خود را بخواب زده‌اند و نمی‌خواهند قبول کنند همه این وعده‌ها دروغ بوده است!

اقتصاد مقاومتی به این می‌گویند!؟

وقتی وزرا و صاحب منصبان دربار کریم خان زند به وی گفتند که سفیران انگلیسی برای ایجاد روابط دوستانه آمده‌اند؛ او لیخندی زد و گفت:

هدف آنها را بنده فهمیدم، ما ریشخند فرنگی را به‌ریش خود نمی‌پذیریم؛ پنبه و پشم و کرک و ابریشم ایران بسیار زیاد است و مردم هرچه به‌خواهند با آن بافته و می‌پوشند؛ اگر شکر لاهوری نباشد، شکر مازندرانی و شیره انگور و عسل و خرما ایران برای ما کافی است!

حضرت حافظ، «لسان الغیب»

روزی که حافظ از دنیا می‌رود، برخی مردم کوچه و بازار بهفتوای مفتی شهر شیراز به‌خیابان می‌ریزند و مانع دفن جسد شاعر در مصلاهی شهر می‌شوند، به‌این دلیل که او شراب‌خوار و بی‌دین بوده و نباید در این محل دفن شود! از طرفی دیگر، فرهیخته‌گان و اندیشمندان شهر با این کار به‌مخالفت برمی‌خیزند و بعد از بگو مگو و جر و بحث زیاد، یک نفر از آن میان پیشنهاد می‌دهد که کتاب او را بیاورند و از آن فال بگیرند و هر چه آمد بدان عمل نمایند. کتاب شعر را به‌دست کودکی می‌دهند و او آن را باز می‌کند و این غزل نمایان می‌شود:

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت
که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت
من اگر نیکم و گر بد تو برو خود را باش
هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت

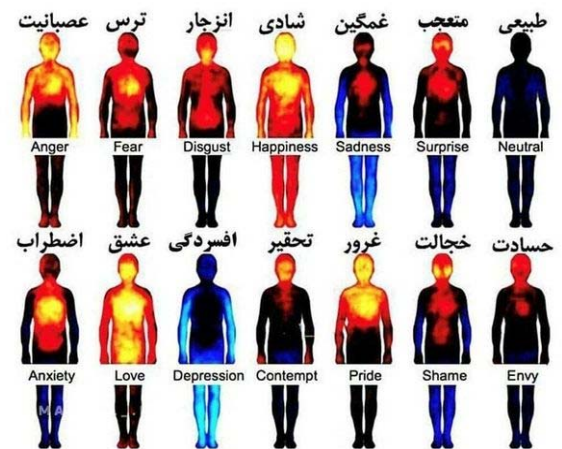
همه کس طالب یارند چه هشیار و چه مست
همه جا خانه عشق است چه مسجد چه کنشت
همه از این شعر حیرت زده می‌شوند و سرها را بزیر می‌افکنند. بالاخره دفن پیکر حافظ انجام می‌شود و از آن زمان حافظ «لسان الغیب» نامیده شد.

شاه و شاعر

فتحعلی شاه قاجار گه‌گاه شعر می‌سرود؛ روزی شاعر دربار را به داوری گرفت. شاعر هم که شعر را نهم‌پندیده بود، بی پروا نظر خود را باز گفت. فتحعلی شاه فرمان داد تا او را به‌طولیه بفرستند و در ردیف چهار پایان به‌آخور بندند.

شاعر ساعتی چند آنجا بود تا آن جا که شاه دوباره او را خواست و از نو شعر را برایش خواند. سپس پرسید: حالا چطور است؟ شاعر بی‌نوا هم بی‌آنکه پاسخی بدهد، راه خروج را پیش گرفت. شاه پرسید: کجا می‌روی؟ گفت: به طویله!

عکس‌العمل بدن انسان نسبت به اتفاقات



فهرست رفاه در سال ۵۷: ایران هفتم در جهان و اول در منطقه
فهرست رفاه در سال ۹۴: ایران ۱۰۶ در جهان و ۱۱ در منطقه

ناصرالدینشاه و درشکه‌چی

در یک روز بسیار سرد زمستانی که برف سنگینی در حال باریدن بود، ناصرالدین شاه هوس درشکه‌سواری به سرش زد، لذا درشکه‌چی بیچاره را صدا کرد و دستور داد که اتاقک درشکه را برایش گرم کند و منقل و وافور را هم در آن مهیا سازد، آنگاه در حالی که دو سوگلی‌اش در دو طرف او نشسته بودند، در اتاقک گرم و نرم درشکه، به درشکه‌چی دستور حرکت داد.

کمی که از تماشای برف و بوران بیرون و احساس گرمای مطبوع داخل کابین سرخوش شد، هوس بذلمگویی به‌سرش زد و برای آنکه سوگلی‌هایش را به‌خنداند، با صدای بلند به‌پیرمرد درشکه‌چی که از شدت سرما می‌لرزید، گفت: «درشکه‌چی! به سرما به‌گو ناصرالدین شاه "تره هم واست خرد نمی‌کنه!"»

درشکه‌چی بیچاره سکوت کرد. اندکی بعد ناصرالدین شاه دوباره سرخوشانه فریاد زد: درشکه‌چی! به سرما گفنی؟ درشکه‌چی که از سردی هوا نای حرف زدن نداشت، پاسخ داد: بله قربان، گفتم.

- خب چی گفت؟
- گفت: با حضرت اجل همایونی کاری ندارم، اما پدر تو یکی رو درمی‌یارم!

نتیجه: این حکایت دقیقاً حکایت ملت ایران (درشکه‌چی) و حکومت ایران (ناصرالدین شاه) است که با تمام سختی‌ها و تحریم‌ها هنوز هم سران کشور مشغول رجزخوانی و خط و نشان کشیدن برای قدرت‌های جهان هستند و توجهی به‌مردم و قشر ضعیف که بیشترین آسیب را از شرایط سخت اقتصادی می‌بینند، ندارند و به‌قول گفته‌ی معروف: «برای آن تره هم خورد نمی‌کنند!»

اشعار جنجالی عید فطر

بعد از آنکه مداح نماز عید فطر، «میثم مطیعی» در برابر دوربین رسانه‌ها و مخاطبان داخل و خارج اشعاری پر از نیش و کنایه علیه رئیس جمهوری و عباراتی اهانت‌آمیز علیه برجام و دولتمردان بکار برد، منابع خبری اعلام کردند که سراینده این اشعار جنجالی «محمد مهدی سیار» است که پیش از این اشعار زیادی را علیه آنچه جریان فتنه خوانده می‌شود سروده بود.

شایان ذکر است علی‌خامنه‌ای بر صحت این اشعار مهر تأیید زده و گفته است که: «درست است!»
بعلت طولانی بودن این شعر، به‌قسمت‌هایی از آن توجه فرمایید:

عید فطر آمده، باشیم به فکر فقرا

عید فطر آمده، «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»

مردم ما دلشان صبر زلالی دارد

سفره کوچکشان نان حلالی دارد

همه هستند اگر نوبت ایثار شود

پای کارند اگر موسم پیکار شود

گله‌مندند ولی حُجب و حیایی دارند

مردم ما چه گذشتی، چه وفایی دارند

ای نشسته صف اول! صف ایثار آنجاست

آن سوی «نرده» بهمین، لذت دیدار آنجاست

نکند «نرده» میان تو و مردم باشد

درد دل‌ها پس این فاصله‌ها گم باشد

دوستان! صدق و صفای دهه شصت چه شد؟

راستی حال و هوای دهه شصت چه شد؟

آن مدیران جوانی که جهادی بودند

بی‌تکلف، ز همین مردم عادی بودند

شور آن شعله مگویند که خاموش شده

«اختلاس» آمده، «اخلاص» فراموش شده

ای نشسته صف اول! به‌عدالت برخیز

مانده بر شانه‌ی تو، بار امانت برخیز

علم داد برافراز، که ملت هستند

دل به‌شاهین ترازوی عدالت بستند

همتت قطع ید دانه‌دُرستان باشد

وای اگر دزدی از این قافله آسان باشد

وای اگر توصیه و نامه‌پذیرد قاضی

داد و بیداد اگر رشوه بگیرد قاضی

.....

شکر کن، این همه نعمت نرود از دستت

قدر دان، فرصت خدمت نرود از دستت



نمادهای ماه تولد: «خرداد»

متولد: کودک طبیعت

سمبل: دوقلوها

شعار: من فکر می‌کنم

ستاره حاکم: مرکوری (عطارد)

عنصر وجود: هوا

شخصیت: راوی

فلز وجود: حیوه

سنگ خوش‌یمن: زمرد کبود

رنگ محبوب: زرد، سبز و آبی

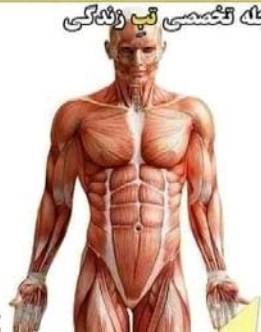
عدد خوش‌یمن: ۵

گل محبوب: کاملیا

روز مبارک: چهارشنبه

چرا باید شکر گزار باشیم؟

دچانه وشمیمی لب وده کی



INSTAGRAM/TABEZENDEGI

جالب است بدانید انسان در یک شبانه‌روز، ۲۳۰۴۰ بار پلک می‌زند. قلب ۱۰۰۰۰۰ بار می‌تپد، ریه‌ها ۲۳۰۰۰ بار تنفس می‌کشند. کبد ۱۵۰۰ لیتر خون تصفیه می‌کند. معده ۲ لیتر اسید ترشح می‌کند. خدایا شکر تو برای این همه نعمت که از آن غافلیم. به کلمه برای خالقش بنویس... اولین چیزی که تو ذهنت اومد رو کامنت بذارین.

نفهمی بد دردی است

من در حیرتم چرا در عربستان که مهد اسلام می‌باشد، حتی يك امامزاده هم وجود ندارد؟! ولی در کشور ما، ایران، که به‌زور شمشیر مسلمان شده‌ایم این همه امامزاده وجود دارد؟

امامزاده‌ها از کجا آمدند؟

امامزاده به‌کسانی اطلاق می‌شود که از نسل امامان شیعه باشند. در زمان یورش اعراب به‌ایران، آنها به‌مناطق زیادی حمله کردند و نواحی گسترده‌ای از ایران را ویران و به‌خاک و خون کشیدند؛ به‌خصوص در نواحی گیلان و مازندران که ایرانیان مقاومت جانانه‌ای کردند.

جنگ تا مدت زیادی در قسمت‌های ماورالنهر و خراسان ادامه داشت و در این بین از هر دو طرف کشته می‌شدند. شایان ذکر است هرگاه از لشکر اعراب فرماندهی کشته می‌شد، اعراب برای آنها مقبره‌ای می‌ساختند و طبق رسوم اعراب جاهلیت آن مکان را مقدس می‌شمردند و بعد از فتح منطقه به‌ایرانیان تحمیل می‌کردند که این قبور صحابه رسول‌الله است و ایرانیان را مجبور می‌کردند که آن محل را مورد عزت و احترام قرار دهند! دقیقاً از این زمان بنیان امامزاده و امامزاده‌سازی در ایران شروع شد!

برای مثال، در «کجور» (حوالی مازندران) قبر «مسلم باحلی» است که این شخص یکی از فرماندهان لشکر اعراب بود و در سراسر مازندران کشتار بیرحمانه‌ای از ایرانیان را به اسم خودش در تاریخ ثبت کرده است. وی طی حمله به‌گیلان کشته و در منطقه «کجور» مازندران دفن شد. شوربختانه امروزه تعداد زیادی از ایرانیان به‌زیارت قبر این شخص رفته و از او طلب حاجت و نیاز می‌کنند؟

آری... نفهمی بد دردی است!؟



چرا شیر و خورشید طاغوتی نیست!؟

نتایج برخی پژوهش‌ها در زمینه‌ی نمادهای مورد استفاده در پرچم ایران در گذر تاریخ نشان می‌دهد که نشان شیر و خورشید به روی پرچم ایران برگرفته از نمادهایی است که در اعتقادات مذهبی شیعیان جای دارد.

پرچم ایران با نماد شیر و خورشید از زمان فتحعلیشاه قاجار رواج پیدا کرد؛ به‌این صورت که «ملا احمد نراقی» (مجتهد شیعه و متخصص در علوم اسلامی) پیشنهاد کرد نماد شیر و خورشید را به نشانه‌ی شیر (مظهر علی)، شمشیر (نماد علی یعنی ذوالفقار علی) و خورشید (به نشانه‌ی خورشید نبوت و اتحاد شیعه و سنی) برای پرچم ایران به‌کار برند.

دوبیتی زیر از شاعری ناشناخته است که در زمان فتحعلیشاه قاجار به نشانه‌ی شیر و خورشید اشاره کرده است:

«فتحعلی شه ترک جمشید گیتی فروز

کشور خدای ایران خورشید عالم آرا

ایران کنام شیران خورشید شاه ایران

ز آن است شیر و خورشید نقش درفش دارا»

«لویی دوپو» نویسنده‌ی فرانسوی قرن نوزدهم در کتاب تاریخ ایران می‌نویسد: «یکی از امتیازات پادشاه ایران حق بافراشتن بیرق‌های متعدد است، روی یکی از آنها شمشیر ذوالفقار علی، نقش شده و روی دیگری خورشید...»

در کتاب "روضة الصفا" می‌خوانیم که:

در دوره خلافت عبدالملک مروان، مردی به‌نام «عمرو بن سعید» با وی از در مخالفت در آمد و علیه وی قیام کرد.

بدستور مروان او را دستگیر و سرش را از تن جدا کردند.

مردم به‌اعتراض بر آمدند و شور و غوغا بر خاست. عبدالملک پرسید: این چه غوغا و فریاد است؟

گفتند: «یحیی بن سعید» با جمعی از متابعان بر در قصر ایستاده اند و عمرو را می‌طلبند.

عبدالملک گفت: از بام کوشک (قصر) سر عمرو را در میان اهل غوغا بیاندازید و ده هزار درهم هم بر سر بپاشید!

بموجب فرموده عمل کردند؛ مردم چون «زر» و «سر» دیدند، بعد از برچیدن زر، سر خود گرفتند!؟ (یعنی به‌خانه‌های خود باز گشتند)

حالا از شما خواهش می‌کنم به این پرسش پاسخ دهید:

آیا مردم زمانه ما فرقی با مردم زمانه عبدالملک مروان کرده‌اند؟ و یا اینکه با دیدن «زر»، «سر» خود می‌گیرند و به‌خانه‌های خویش باز می‌گردند؟

تست روانشناسی؛ شما واقعاً چند سال اتان است؟



به کمک این تست خواهید فهمید سن شناسنامه‌ای شما تا چه حد با

سن عقلی اتان هم‌آهنگی دارد!!

تمام افراد دو نوع سن دارند، یکی سن شناسنامه‌ای و دیگری سن عقلی!

به عبارت دیگر عملکرد مغزی و ذهنی می‌تواند به شکل باورنکردنی بالاتر و یا پایین‌تر از سن شناسنامه‌ای باشد.

البته سن عاطفی هم در دسته سن‌های قرار می‌گیرد. پس بهتر است در ابتدا با انواع و اقسام سن‌های درونی‌تان آشنا شوید و بعد به کمک یک تست، خودتان را به‌سنجید.

تعریف سن عقلی

سن عقلی سنی است که رشد عقلانی فرد را نشان می‌دهد. سن شناسنامه‌ای برای همه به یک سرعت می‌گذرد و فرد در گذر آن دخالتی ندارد، اما سن عقلی با توجه به فاکتورهایی چون ژن، محیط، تغذیه، خانواده و تعلیم و تربیت می‌تواند بیشتر و یا کمتر از سن شناسنامه‌ای باشد.

سن عقلی قابل اندازه‌گیری است که IQ نامیده می‌شود.

تعریف سن عاطفی

سن احساسی نشان‌دهنده حالات احساسی درونی و برداشت فرد از سن خودش است. دقت کنید سن احساسی، سن روحیات ما است و متأسفانه مشکل بزرگ مردم ما و جامعه ایرانی در اینجاست که بر این باور غلط هستیم که سن احساسی باید هم‌سرعت با سن شناسنامه‌ای بالا رود.

برای مثال، حتما دیده‌اید با شروع بارش برف آدم‌ها احساسات جالبی را تجربه می‌کنند. همه افراد این سیگنال‌های درونی را دریافت می‌کنند، ولی واکنش‌ها نسبت به آن کاملاً متفاوت است که این موضوع حتی در یک گروه‌های هم‌سن هم دیده می‌شود. عده‌ای بی‌درنگ از خانه بیرون می‌روند و زیر برف با خوشحالی قدم می‌زنند (تعداد خیلی کم). عده زیادی چند قدم به پنجره نزدیک‌تر می‌شوند، ولی زیر برف رفتن را برای سن خودشان زشت می‌دانند. تعدادی هم اصلاً علاقه خاصی نشان نمی‌دهند چون فکر می‌کنند سن‌شان از این حرف‌ها گذشته است.

کشورها در تلاش هستند تا سن احساسی افراد را در حد معقول پایین بیاورند چون برای شاد زیستن به آن احتیاج داریم؛ حال آنکه باور عمومی ما بر این است که هر کاری سنی دارد.

محققان به این نتیجه رسیده‌اند که برای داشتن عمر طولانی و سلامت در جامعه باید سن احساسی را در بین ۲۵ - ۱۸ سالگی حفظ کرد. آدمی هنگامی می‌میرد که سن احساسی به او بگوید که «تو دیگر پیر و از کار افتاده‌ای.» سن عقلی و شناسنامه‌ای فرمانبردار است و سن احساسی فرمانده مطلق.

تعریف سن شناسنامه‌ای

همانطوریکه از اسم‌اش پیداست با یک تاریخ تولد شروع می‌شود و در واقع گذر عمر را بر جسم انسان نشان می‌دهد. سن شناسنامه‌ای فقط ملاک قانونی سن افراد است و فاصله زمانی از تولد را بیان می‌کند.

با این تست هوش، IQ خود را مشخص کنید:

برای دانستن سن عقلی‌تان در مرحله اول ضریب هوشی خود را به‌سنجید. برای بدست آوردن ضریب هوش خود بطور نسبی می‌توانید از این تست استفاده کنید. تستی که در اینجا مشاهده می‌کنید شاید ساده‌ترین و درعین حال تعیین‌کننده‌ترین تست برای سنجش IQ باشد. برای انجام این تست پس از خواندن هر سؤال در عرض فقط ۵ ثانیه باید به آن پاسخ دهید این جواب را روی کاغذ یادداشت کنید:

۱- بعضی از ماه‌ها ۳۰ روز دارند و بعضی ۳۱ روز؛ چند ماه ۲۹ روز دارد؟

۲- اگر دکتر به شما ۳ قرص بدهد و بگوید هر نیم‌ساعت یک قرص بخور، چقدر طول می‌کشد تا تمام قرص‌ها خورده شود؟

۳- من ساعت ۸ شب به تخت‌خواب رفتم و ساعت ۱۰ کوک کردم که ۹ صبح زنگ بزند وقتی با صدای زنگ ساعت از خواب بیدار شدم، چند ساعت خوابیده بودم؟

۴- عدد ۳۰ را به نیم تقسیم کنید و عدد ۱۰ را به حاصل آن اضافه کنید چه عددی به دست می‌آید؟

۵- چوپانی ۱۷ گوسفند زنده داشت. تمام گوسفندهایش بجز ۹ تا مردند، چند گوسفند زنده برایش باقی مانده است؟

۶- اگر تنها یک کبریت داشته باشید و وارد يك اتاق سرد و تاریک شوید که در آن يك بخاری نفتی، يك چراغ نفتی و يك شمع باشد اول کدامیک را روشن می‌کنید؟

۷- فردی خانه‌ای ساخته که هر چهار دیوار آن به سمت جنوب پنجره دارد خرسی بزرگ به این خانه نزدیک می‌شود، این خرس چه رنگی است؟

۸- اگر ۲ سیب از ۳ سیب بردارید چند سیب دارید؟

۹- حضرت موسی از هر حیوان چند تا با خود به کشتی برد؟
۱۰- اگر اتوبوسی را با ۴۳ مسافر از مشهد به سمت تهران برانید و در نیشابور ۵ مسافر را پیاده کنید و ۷ مسافر جدید را سوار کنید و در دامغان ۸ مسافر پیاده و ۴ نفر را سوار کنید و سرانجام بعد از ۱۴ ساعت به تهران برسید حالا نام راننده اتوبوس چیست؟



هرچه ملت می‌کشد از دست آخوند خروست!؟

یک سفیه گوید به مردم، هم ولی هم رهبرست
 از کراماتش مذلت در تمام کشورست
 ثروت ما بخشد و آنگاه گدایی می‌کند
 هرچه ملت می‌کشد، از دست آخوند خر است
 بسکه نادانست، پندارد ز انسانها سرست
 بر تمام شیعیان با پول ایران رهبرست
 مردمان را با هوسهایش یکشتن می‌دهد
 هرچه ملت می‌کشد، از دست آخوند خر است
 ملت از نادانی ملا دو دستش بر سرست
 فقر و فحشا زاده‌ی آخوند بی‌بار و برست
 هر ذباله‌گرد باشد شاهده‌ی از شاهدان
 هرچه ملت می‌کشد، از دست آخوند خر است
 گرچه هر حرف دروغی یک گناه اکبر است
 گفته‌ی آخوند هندی یک دروغ دیگر است
 «پیش ما در قم عبادت از حکومت بهتر است»
 هرچه ملت می‌کشد، از دست آخوند خر است
 خدعه، گویی بهر ملا یک مفر دیگرست
 وعده‌های کذبشان در هر کتاب و دفتر است
 «آب و برق و خانه مجانی شود» نشنیده‌ای؟
 هرچه ملت می‌کشد، از دست آخوند خر است
 اولش حرف عقیل و آتش اندر محشرست
 بعد از آن منصب بدادن بر عزیز خواهرست
 پُست با ارزش به ایراندوستان هرگز مده
 هرچه ملت می‌کشد، از دست آخوند خر است
 نزد ملا خاک ما از خاک دوزخ بدترست
 سوریه حفظش ز خوزستان بسی اولترست
 حفظ آثار وطن از شیخک رسوا مخواه
 هرچه ملت می‌کشد، از دست آخوند خر است
 جهل در ایران ما از مسجد و از منبرست
 حاصلش از بهر ملا منصب و سیم و زرست
 مردم اطراف خود هر روز آگاه‌تر کنیم
 هرچه ملت می‌کشد، از دست آخوند خر است

و اما پاسخ تست ها:

- ۱- تمام ماهها حداقل ۲۹ روز را دارند.
- ۲- يك ساعت (شما يك قرص را در ساعت ۱ و دیگری را در ساعت یکونیم و بعدی را در ساعت ۲ می‌خورید)
- ۳- فقط يك ساعت. ساعت کوکی نمی‌تواند شب و روز را تشخیص دهد پس به اولین ساعت ۹ که برسد زنگ می‌زند که ساعت همان ۹ شب است.
- ۴- حاصل ۷۰ است (تقسیم بر نیم معادل ضرب در ۲ است)
- ۵- او ۹ گوسفند خواهد داشت.
- ۶- اول باید کبریت را روشن کرد.
- ۷- سفید چون خانه‌ای که هر چهار دیوارش رو به سمت جنوب پنجره داشته باشد باید در نوك قطب جنوب باشد.
- ۸- همان ۲ سیب.
- ۹- هیچ (حضرت نوح بود نه حضرت موسی)
- ۱۰- خوب خودتونید دیگه (نام خودتا)

ارزیابی تست و سطح هوش بر اساس تعداد جواب‌های نادرست:

- ۷ جواب نادرست و بیشتر IQ درحد دانش‌آموز دبستان بین ۹۵ تا ۸۵
 - ۶ جواب نادرست IQ : درحد دانش‌آموز دبیرستان بین ۹۵ تا ۱۱۰
 - ۵ جواب نادرست IQ : درحد دانشجو بین ۱۱۰ تا ۱۲۰
 - ۲ تا ۴ جواب نادرست IQ : درحد استاد دانشگاه بین ۱۲۰ تا ۱۳۰
 - یک جواب نادرست IQ :فوق‌العاده ۱۳۰ به بالا
- در مرحله دوم برای به‌دست آوردن سن عقلی خود کافی است سن تقویمی خود را ضربدر ضریب هوشی‌تان کرده و سپس آن را بر ۱۰۰ تقسیم کنید.
 سن عقلی: سن تقویمی × ضریب هوش تقسیم بر ۱۰۰

خطرناک‌ترین نوع بشر، کسی است که فهمش کم و اعتقادش زیاد است!



آنتوان چخوف*

* پرنک
 * داستان نویسی
 * نمایشنامه نویسی



مسلونه داریم!

پرسودترین شغل در دنیا تجارت دین است،
تجارتی که سرمایه‌اش دروغ و ریا، و مشتری‌اش
نادان و عقب افتاده است. "عزیز نسین"

گفته‌ها، نکته‌ها و لطیفه‌ها

رهایی از خودکامه

نیازی نیست که به جنگ خودکامه رفت و او را شکست داد؛
او خود به‌دست خویشتن شکست خواهد خورد!
اگر شما تن به‌بردگی او نسیارید، نیازی نیست چیزی را از او
بگیرید، کافی است چیزی به او ندهید؛ کافی است با او
همکاری نکنید.

نیازی نیست که به‌خود سختی دهید، کافی است بر ضد خود
کاری نکنید. کافی است از خدمتگزاری دست به‌کشید تا از
یوغ بندگی رهایی یابید.

اما چرا انسانها چنین نمی‌کنند؟
چرا بین برده و آزاد بودن، برده‌گی را انتخاب می‌کنند؟
چرا آزادی را پس می‌زنند و یوغ بندگی بر گردن می‌نهند؟
چرا به‌بدبختی و عذاب خویش رضایت می‌دهند؟
چرا تلاش نمی‌کنند که از حیوانیت درآیند و دگرباره انسان
شوند؟ راستی چرا؟

تلخ‌ترین درس تاریخ

ملتی که به طمع آب و برق مجانی، شورش کرد:

بزودی ماکارونی را مانند واحد سیگار، نخی،

برنج را در کیسه‌های ۱۰۰ گرمی،

و نان را یک لقمه‌ای خواهد خرید!

این سخت‌ترین درس زندگی و تلخ‌ترین حادثه‌ی تاریخ

بشریت است.

آیا میدانستید...؟

به مناسبت روز ملی مازندران

- * آیا می‌دانید مازندران یکی از قدیمی‌ترین نقاط ایران است که بیش از ۱۳ هزار سال پیش محل سکونت انسان بود؟
- * آیا می‌دانستید مازندران تنها نقطه ایران است که در مقابل اسکندر مقدونی شکست نخورد؟
- * آیا می‌دانید بر اساس شاهنامه، مازندران یکی از قدیمی‌ترین نقاط جهان است؟
- * آیا می‌دانستید آرش کمانگیر، پهلوان اساطیری ایران اهل مازندران بود؟
- * آیا می‌دانستید مازندران تنها نقطه ایران است که هرگز در مقابل اعراب بطور کامل سقوط نکرد و تا دوران شاه عباس مستقل بود؟
- * آیا می‌دانستید مازندران هرگز در مقابل ترکان سلجوقی که از ماوراالنهر تا ترکیه و سوریه را فتح کرده بودند سقوط نکرد؟
- * آیا می‌دانستید دماوند، نماد استواری ایران در استان مازندران است؟
- * آیا می‌دانستید زبان مازندرانی همان زبان پهلوی دوران ساسانیان است؟
- * آیا می‌دانستید فرهنگ مازندران همان فرهنگ دوران هخامنشی اشکانی و ساسانیان است؟
- * آیا می‌دانستید نام شهرهای قزوین (کاسپین) و همچنین کاشان (کاسان) برگرفته از قوم مازندرانی «کاسپی» است که پس از مهاجرت به این مناطق این شهرها را ساختند؟
- * آیا می‌دانستید قوم مازندرانی «کاسپی» حدود ۳۵۰۰ سال پیش وارد عراق شدند و بزرگترین شهر جهان باستان یعنی بابل (Babel) را تسخیر کردند و ۵۰۰ سال بر منطقه حکومت کردند؟
- * آیا می‌دانستید در دورانی که اعراب به‌رهبری خلفای اموی و عباسی بر همه ایران و منطقه خاورمیانه حاکم بودند، مازندران توسط «اسپهبدان» ایرانی اداره می‌شد؟
- * آیا می‌دانستید در دوران خلفای اموی و عباسی فقط مازندرانی‌ها و اسپهبدان به‌نام خود سکه می‌زدند؟
- * آیا می‌دانستید مازندران با کسب بیشترین مدالهای ورزشی (به ویژه کشتی) قطب ورزش ایران است؟
- * آیا می‌دانستید مازندران در بین استان‌های ایران دارای بالاترین نرخ باسوادی است؟
- * آیا می‌دانستید بیشترین تعداد دانشمندان تاریخ ایران، مازندرانی بودند؟
- * آیا می‌دانستید مازندران با دارا بودن بیشتر اکوسیستم‌های طبیعی، زیباترین استان ایران است؟
- * و آیا می‌دانید ارسال این مطلب و همچنین مجله پژوهش برای تمامی مازندرانی‌ها، ایرانی‌ها و آریایی‌های میهن دوست الزامی است؟

پاینده ایران و ایرانی

مردم حقیقت را نمیپذیرند
چون نمیخواهند به تخیلاتی که تمام عمر
بر اساس آن زندگی کرده اند، آسیبی وارد شود

نیچه



رهایی از خودکامه‌گی

نیازی نیست که به جنگ خودکامه رفت و او را شکست داد؛
او خود به‌دست خویشتن شکست خواهد خورد!
اگر شما تن به‌بردگی او نسپارید، نیازی نیست چیزی را از او
بگیرید، کافی است چیزی به او ندهید؛ کافی است با او
همکاری نکنید.

نیازی نیست که به‌خود سختی دهید، کافی است بر ضد خود
کاری نکنید. کافی است از خدمتگزاری دست به‌کشید تا از
یوغ بندگی رهایی یابید.

اما چرا انسانها چنین نمی‌کنند؟
چرا بین برده و آزاد بودن، برده‌گی را انتخاب می‌کنند؟
چرا آزادی را پس می‌زنند و یوغ بندگی بر گردن می‌نهند؟
چرا به‌بدبختی و عذاب خویش رضایت می‌دهند؟
چرا تلاش نمی‌کنند که از حیوانیت درآیند و دگرباره انسان
شوند؟ راستی چرا؟
تا چراغ وطنم خاموش است
سوگوارانه جهان می‌گذرد

کجاییم؟

دیر باز نیست در این شهر شلوغ، هر کجا مینگریم
غنچه‌ها پژمرده‌اند، چهره‌ها افسرده اند
نفسی هست ولیکن، همه دلها مرده‌اند
هدفی هست اگر، نیست به‌جز لقمه نانی
شرفی هست اگر، در گرو جاه و مقامی
همه افسرده و غمگین، همه سرخورده از این دین
همه تسلیم به تقدیر، همه محکوم به تحقیر
نه امیدی است به‌ماندن و نه شوقی است به رفتن
همه مغرور از آن چیز، که بودیم و از آن کار که کردیم
همه از کوروش و جمشید چه مستیم
غافل از این سخن تلخ که «امروز»
در اندیشه تاریخ
کجائیم؟ چه هستیم؟ که هستیم؟

بمناسبت ۲۵ اردیبهشت، روز بزرگداشت فردوسی، شاعر ملی

در شاهنامه‌ی حکیم ابوالقاسم فردوسی، بیشترین ستایش برای
ویژگی‌های پهلوانی همانند شهامت، راستگویی و جوانمردی
بوده و بالاترین انگیزه و بیشترین عمل در همه‌ی نبردها،
جانبازی و فداکاری‌ها نیز در راه سه چیز صورت گرفته
است: دفاع از میهن، حفظ پادشاه و خونخواهی قهرمانان.

به فردوسی پاکزادم درود
که بر لب نهاده مرا این سرود:

درستی و آزادی پیشه کن
به کردار خوب و بد اندیشه کن
چو حق با تو باشد، ز گردون مترس
سزد تا خروش‌آوری چون جرس
بگو باور خویش را آشکار
نژاده ز پنهان سری دارد عار
به مردان نیکو، سپر دار باش
به هم‌رزم خود یاور و یار باش
بشاید بجنگی برای سه چیز
اگر سردهی به‌رشان می‌سنیز
یکی میهن و آب و خاکت بود
دگر شاه را هر زمان پاسدار
که بی او ز میهن بر آید دمار
دگر عزم خونخواهی‌ات چیره باد
چو از کاوه، بخت ستم تیره باد
که از قهرمان همه قدر دان
بماندست ایران بجا، زان یلان
جهان از فرومایگان رسته باد
همه راه کژ دیسگی بسته باد

حافظ کجای کاری،
فایده غلط درآمد
گفتی غمت سر آید
این عمر بود سر آمد



این شعر توسط یک بچه آفریقایی بوده سروده شده:

وقتی به دنیا میام، سیاهم
وقتی بزرگ میشم، سیاهم
وقتی میرم زیر آفتاب، سیاهم
وقتی می ترسم، سیاهم
وقتی مریض میشم، سیاهم
وقتی می میرم، هنوزم سیاهم...
و تو، آدم سفید
وقتی به دنیا میای، صورتی ای
وقتی بزرگ میشی، سفیدی
وقتی میری زیر آفتاب، قرمزی
وقتی سردت میشه، آبی ای
وقتی می ترسی، زردی
وقتی مریض میشی، سبزی
و وقتی می میری، خاکستری ای...
و تو به من میگی رنگین پوست؟؟؟

آزادی

خوشا بحال مسافرکشان میدان آزادی که از اذانه فریاد میزنند:
آزادی... آزادی... آزادی...
و عابران خسته می پرسند: آزادی چند؟
من عابری را دیدم که از راننده سؤال میکرد: آزادی کجاست؟
راننده گفت: رد کردی... آزادی قبل از انقلاب بود!

کجاییم؟

دیر بازیست در این شهر شلوغ، هر کجا مینگریم
غنچه ها پژمرده اند، چهره ها افسرده اند
نفسی هست ولیکن، همه دلها مرده اند
هدفی هست اگر، نیست به جز لقمه نانی
شرفی هست اگر، در گرو جاه و مقامی
همه افسرده و غمگین، همه سرخورده از این دین
همه تسلیم به تقدیر، همه محکوم به تحقیر
نه امیدی است به ماندن و نه شوقی است به رفتن
همه مغرور از آن چیز، که بودیم و از آن کار که کردیم
همه از کوروش و جمشید چه مستقیم
غافل از این سخن تلخ که "امروز"
در اندیشه تاریخ
کجائیم؟ چه هستیم؟ که هستیم؟

خلقت آب

فروغ فرخزاد میگوید:
در حیرتم از خلقت آب! اگر با درخت همنشین شود، آنرا شکوفا
میکند. اگر با آتش تماس بگیرد، آنرا خاموش می کند. اگر با
نپاکیها برخورد کند، آنرا تمیز میکند. اگر با آرد هم آغوش
شود، آنرا آماده طبخ میکند. اگر با خورشید متفق شود، رنگین
کمان ایجاد میشود. ولی اگر تنها بماند، رفته رفته گندآب
میگردد

دل ما نیز بهسان آب است؛ وقتی با دیگران است زنده و
تاثیرپذیر است، ولی در تنهایی مرده و گرفته است.



سلام....

سلام ای یار دور از ما نشسته،
سلام ای بدتر از ما دلشکسته!
سلام ای آشنا همچون غریبان،
سلام ای عشق من، ای بهتر از جان!
سلام سالار گلهای بهاری،
سلام ای برتر از صورت، قناری!
سلام خورشید من در روز سردم،
سلام ای مرهم و داروی دردم!
سلام ای با وفا، ای با مروت،
سلام ای ساز و گیتار محبت!
سلام کردم نگی در یاد ما نیست،
سلام کردم نگی اهل وفا نیست!
سلام کردم نگی تو بی وفایی،
سلام کردم بگم خوب نیست جدایی!



« همدردی اسب ها – کاری از مانا نیستانی »

کشیش ابدأ نمی‌توانست باور کند. او چگونه می‌توانست چنین ساکن و خاموش بماند و آرامش خویش را حفظ کند؟ بالاخره هواپیما از چنگ طوفان رها شد و فرود آمد. مسافران شتابان هواپیما را ترک کردند، اما کشیش می‌خواست راز این آرامش دختر را بداند. همه رفتند. او ماند و دخترک. کشیش به او نزدیک شد و از طوفان سخن گفت و سپس از آرامش او پرسید و سؤال کرد که چرا هیچ هراسی در دلش نبود زمانی که همه آشفته بودند؟

دخترک به سادگی جواب داد:

«چون خلبان هواپیما پدرم بود. به او اطمینان داشتم که هیچ نخواهد شد و او مرا در میان این طوفان به سلامت به مقصد خواهد رساند.»

گویی آب سردی بود بر بدن کشیش ریخته‌اند. سخن از اطمینان گفتن و خود به آن ایمان داشتن.

این است راز آرامش و فراغت از اضطراب. به‌خداي خود ایمان و اعتماد داشته باشید، حتی در سهمگین‌ترین طوفانهای زندگی؛ او خلبان ماهری است. دستان‌اتان در دست خدا



راز آرامش و فراغت از اضطراب!!

کشیش سوار هواپیما شد. سمینارش تازه به پایان رسیده بود و او می‌رفت تا در سمینار بعدی شرکت کند و دیگران را به سوی خدا به‌خواند و به رحمت الهی امیدوار سازد..... هواپیما از زمین برخاست. پاسی از شب گذشته بود؛ همه به‌گفتگو مشغول بودند. کشیش در افکارش غوطه‌ور که در جلسه‌ی بعدی چه بگوید و چگونه بر مردم تأثیر بگذارد. ناگاه، چراغ بالای سرش روشن شد:

«کمربندها را ببندید!»

اندکی بعد، صدایی از بلندگو به گوش رسید:

«لطفاً همه‌گی در صندلی‌های خود بنشینید.... طوفان بزرگی در پیش است.»

موجی از نگرانی به‌دلها راه یافت، اما همه کوشیدند ظاهر خود را آرام نشان دهند. کمی گذشت...

طوفان شروع شد. صاعقه زد و نعره‌ی رعد برخاست.... کم‌کم نگرانی از دلها به چهره‌ها راه یافت. بعضی دست به‌دعا برداشتند. طولی نماند که هواپیما در طوفانی خروشان بالا و پایین می‌رفت؛ گویی هم‌اکنون به‌زمین برخورد و از هم متلاشی می‌شود!

کشیش نیز نگران شد؛ اضطراب به‌جانش چنگ انداخت. از آن همه مطالب که برای گفتن به‌مردم در ذهن اندوخته بود، هیچ باقی نماند! سعی کرد اضطراب را از خود دور کند، اما سودی نداشت.

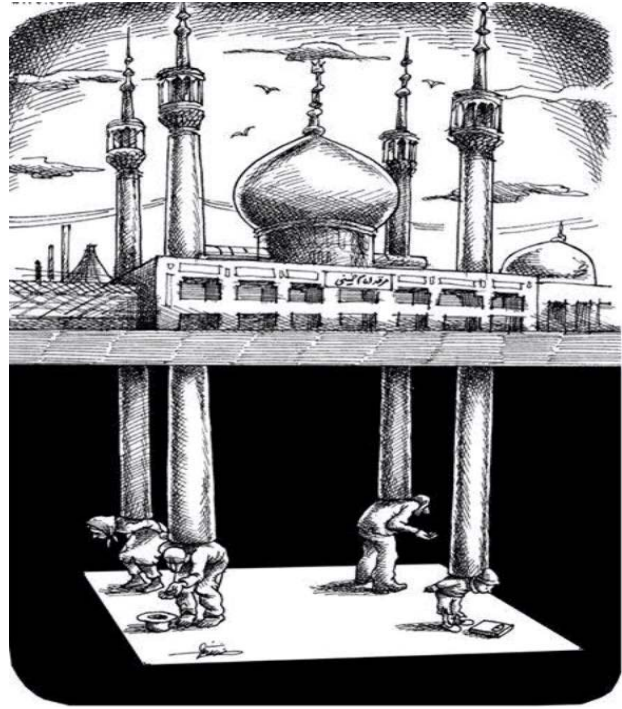
نگاهی به‌دیگران انداخت. همه آشفته بودند و نگران که آیا از این سفر جان سالم به‌در خواهند برد؟! ناگاه نگاهش به دخترکی خردسال افتاد. آرام و بی‌صدا نشسته بود و کتابش را می‌خواند. آرامشی زیبا چهره‌اش را در خود فرو برده بود.

هواپیما زیر ضربات طوفان مبارزه می‌کرد، طوفان مشت‌های خود را به‌هواپیما می‌کوفت، اما هیچکدام از اینها در دخترک تأثیری نداشت؛ گویی در گهواره‌ای نشسته و آرام تکان می‌خورد و در آن آرامش بی‌مانند، به‌خواندن کتابش ادامه می‌داد.

عجیب‌تر از عجایب هفتگانه‌ی جهان



ایرانیان تنها مردمی در جهان هستند
که گور دشمنان خود
و متجاوزان به ناموس و وطنشان را
طلاکاری می‌کنند
و از مُرده‌ی آنها
طاب درمان دردهایشان را می‌کنند!!!



ملت خوشی باور!

یکی از دوستان می‌گفت: سال ۱۳۵۵ مادر بزرگم تو تهران و در بیمارستان هزار تخت‌خوابی (امام خمینی فعلی) که رضا شاه اونو ساخته بود، بستری و ما روزهای ملاقات به اون پیرزن سر میزدیم و از اینکه کادر بیمارستان بهش به‌عالی‌ترین شکل رسیدگی میکرد بسیار خوشنود بودیم تا اینکه عصر یکی از همین روزهای ملاقاتی که یک هفته‌ای بود مادر بزرگم رو بخاطر مشغله کاری ندیده بودم رفتیم بیمارستان؛ در اونجا پرستارها بهم اطلاع دادند که مادر بزرگ شما دو روز پیش فوت کرده و ما چون شماره تماسی ازتون نداشتیم و امکان نگهداری اون تو سردخانه بیمارستان نبود، اون بنده خدا رو در بهشت زهرا تو فلان قطعه، فلان ردیف و فلان شماره خاک کردیم.

ما هم همراه خانواده طبق آدرسی که بیمارستان بهمون داده بود رفتیم بهشت زهرا و دیدیم حتی سنگ قبر رو هم گذاشتند و تقریباً همه مخارج کفن و دفن رایگان انجام شده بود. از این قضیه ۴۰ سال گذشت و همین چند سال پیش حدوداً سال ۹۲ بود که از سازمان بهشت زهرا با خانواده ما تماس گرفتند که توی فلان قطعه، فلان ردیف، فلان شماره شخصی دفن شده که در سامانه بهشت زهرا شماره تلفن شما در کنارش درج شده است. مادرم گفت بله اون شخص مادر من بوده که سال ۱۳۵۵ فوت کردند.

مسئول بهش زهرا گفت بسیار خوب، در جریان هستید که قبور مسلمین (غیر از شهدا، علماء، مراجع و روحانیون) تا ۴۰ سال اعتبار دارند و بعد از ۴۰ سال میشه اون قطعه یا قبرستان یا قبر رو از بین برد یا دوباره متوفی دیگری در آن قبر بعد از ۴۰ سال به خاک سپرد.

مادرم گفت خب منظورتون چیه؟

مسئول بهشت زهرا گفت هیچی میخوایم با لودر اون قطعه‌ای که مادر شما تو اون دفن شده رو به‌علت رسیدن به زمان نزدیک به ۴۰ سال خراب و دوباره صاف کنند که مرده‌های جدید توش خاک کنند.

همین موقع مادرم شروع به شیون و داد و فریاد کرد که قبر مادرم رو میخوان از بین ببرن.

یارو، مسئول بهشت زهرا گفت یه راه داره که اینکارو نکنیم؛ شما تشریف بیارید سازمان بهشت زهرا بهترتون میگیریم. خانواده ما هم که خیلی مادر بزرگمون رو دوست داشتیم همراه دایی‌ها و خاله‌هامون رفتیم بهشت زهرا.

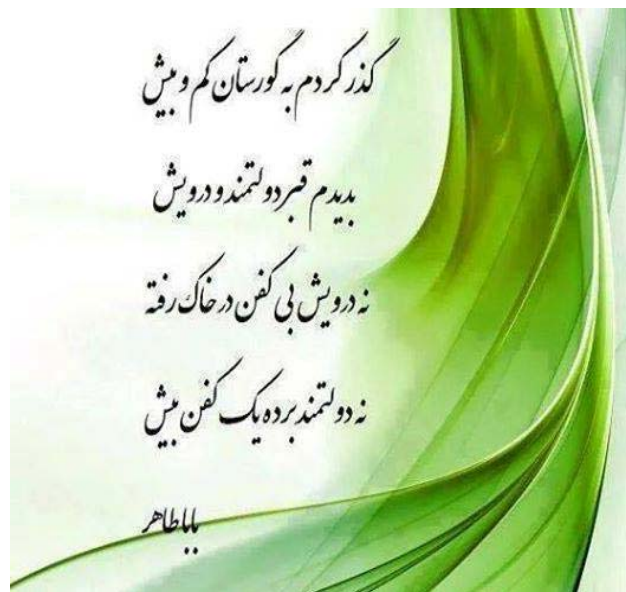
متصدی مربوطه یک شماره حساب داد و گفت ۵۰ میلیون تومان بریزید به حساب سازمان بهشت زهرا و در واقع شما قبر را دوباره از بهشت زهرا به‌خرید تا لودر، قبر مادر یا مادر بزرگ شما رو خراب نکنه و این رویه عادی و دستورالعمل سازمان بهشت زهرا است.

همین موقع دادیم گفت مگه قبر الان چند هست؟ یارو گفت یک میلیون در قطعات جدید و ۵۰ میلیون در قطعه مادر شما! چون این قطعه جز اولین قطعات بهشت زهرا بوده، واسه همین گران هست و یک‌هفته فرصت داد تا فیش را واریز کنیم و در واقع قبر مادر بزرگمون رو از تخریب نجات بدیم.

خلاصه، دایی‌هام و خاله‌هام پول گذاشتند روی هم و فیش را پرداخت کردند و قبر مادر بزرگمون رو نجات دادیم.

حالا اینارو واسه چی گفتم؟ واسه اینکه ملت ایران بدونه که این آخوندها از قبری که ۴۰ سال پیش در دوران محمد رضا شاه مفتی و مجانی مرده ما را خاک کرده بودند و الان یه استخون هم ازش نمونده، دارن ۵۰ میلیون تومان پول درمیارن، بعد ملت منتظره که آخوند چیزی بده دستشون؟

آخوندها از جنازه‌ای که ۴۰ سال پیش فوت شده دارن پول درمیارن، حالا ملت خوش باور منتظر کشایش اقتصادی است!



حال و روزگار اعراب دیروز و امروز

روزی و روزگاری اعراب از ترس گرسنگی یا بهرازدنی و حمله به کاروانها می‌رفتند و یا در بیابانها در زیر آفتاب سوزان و طوفانهای شن، ساعتها بهکمین می‌نشستند تا سوسماری از سوراخی بیرون جهد و یا ملخی در هوا پر بزند و آنها را بهگیرند و بهخورند تا نمی‌رند و ما ملت آنها را خوار می‌دانستیم و به زبانها و مثل‌های گوناگون مسخره‌اشان می‌کردیم و کسر شأن‌امان بود با آنها بنشینیم و برخیزیم یا وصلتی داشته باشیم و برای اینکه بهگوییم ما زندگی بهتری داریم، از اینگونه شعرها می‌ساختیم:

عرب در بیابان ملخ میخورد سگ اصفهان آب یخ می‌خورد
و اکنون که حکومت اسلامی و ضد ایرانی ما بدنبال جمعیت صد و پنجاه میلیونی پیش می‌رود، دور نیست که ما بزودی به‌ملخ و سوسمار خوردن بیافتیم که در بسیاری از روستاها و مناطق مرزی به‌چنین روزی افتاده‌ایم.

مردم ایران نان هم ندارند بهخورند، اما امروز به‌زندگی همان سوسمار و ملخ خورها نگاه کنید که ماشین‌هایشان هم از طلا شده است.

این طلاها همان انگوها و گردن‌بندهای زرینی است که گونی گونی زنان ایرانی به‌نگام درخواست خمینی به‌رهبر هدیه کردند. این نوع زندگی و طلاهای ناب، همان پول‌های نجومی است که حاجی و حاجیه‌های نادان و بی‌وجدان ایرانی هرساله و هر ماهه و هر روزه به‌پای عربها بیابانگرد و در ضریح‌های زیارتگاه‌هایشان می‌ریزند.

اگر چنین پیش برود، دیری نه‌خواهد پائید که اعراب بادیه‌نشین برای ایرانیانیکه ادعا میکنند شش هزار سال تاریخ دارند، چنین شعری خواهند نوشت:

عجم در بیابان علف میخورد

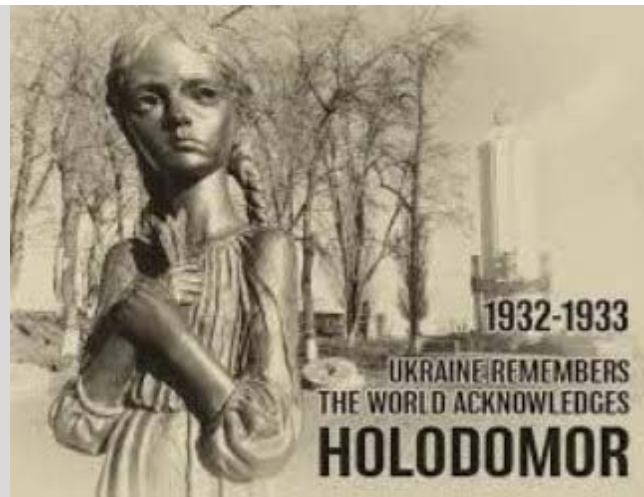
ببر و شیرعرب آب یخ میخورد

آیا شرم آور نیست که هم پولمان را می‌دهیم، هم شرفمان و هم ناموسمان را به‌حراج گذاشته‌ایم. شرم بر ما.

=====



**نکبت بارترین لحظه برای ما
زمانی است که یک آخوند هنوز
بر گورمان نماز میت میخواند**



«هولودومور»، قحطی ساختگی؟!

«هولودومور» یک قحطی ساختگی توسط استالین بود که در سال ۱۹۳۳ منجر به‌مرگ ده میلیون انسان بی‌گناه شد.

ماجرا از این قرار بود که در سال ۱۹۳۲ موج عظیمی از نارضایتی‌ها نسبت به‌عملکرد حکومت کمونیستی در اوکراین به‌وجود آمده بود و استالین برای از بین‌بردن شور انقلابی و نسل‌کشی مخالفان تصمیم به‌ایجاد یک قحطی ساختگی می‌گیرد.

البته او همه امکانات رفاهی را برای عوامل دست‌نشانده خود در خفا فراهم می‌کند، ولی آنها وظیفه داشتند این موضوع را مثل یک راز از مردم معمولی پنهان کنند.

تمام رسانه‌ها هم طبق دستور استالین سعی داشتند ریشه‌ی همه گرفتاریها را به‌عرب نسبت بدهند تا مردم با غرب دشمن شوند! بدین ترتیب طی یک سال، نیمی از جمعیت اوکراین تلف شدند.

«اولنا گونچارک»، یکی از شاهدان عینی می‌گوید:

«وقتی قحطی تمام شد، فقط خیانتکاران زنده مانده بودند و کشور از میهن‌پرستان تقریباً خالی شده بود.»

این واقعه تلخ و دردناک نیز از زمان دولت احمدی‌نژاد در جمهوری ایران‌سنیز اسلامی هم دقیقاً با همین شکل و شمایل به‌شکل گسترده در کشورمان اجرا می‌شود؛ آخوندهای حاکم در ایران مردم را با قحطی و تحریم خودخواسته به رنج و بدبختی کشاندند و در بوق و کرنا کردند که مقصر اصلی آمریکا و کشورهای غربی هستند!

در تمام این سالها گماشته‌گان حکومتی از نمایندگان مجلس گرفته تا استانداران، فرمانداران، فرماندهان سپاه و بسیج و نهادهای سرکوبگر، آخوندهای مفتخور و آفازده‌ها همگی در ناز و نعمت بوده‌اند، اما حکومت حاکم از مردم ناآگاه و فریب‌خورده می‌خواهد در برابر سختیها مقاومت کنند و به‌دشمنان نظام نشان بدهند که با تحریم‌ها مشکلی ندارند و می‌توانند تحمل کنند!؟

اختلاس‌ها و دزدیها روز به روز بیشتر و سفره معیشت مردم کوچکتر می‌شود، بطوریکه مصرف سرانه کالاهای ضروری مردم در حد کشورهای آفریقایی شده، اما باز هم مسئولین خائن، وعده سر خرمن به ملت ناآگاه ایران می‌دهند.

سفر تیم ملی فوتبال ایران به کانادا

بهگفته دبیرکل فدراسیون فوتبال ایران، تیم ملی فوتبال کشورمان قرار است در نیمه نخست خردادماه در کانادا در دو دیدار دوستانه به میدان برود. حریفان تیم ایران هنوز اعلام نشده‌اند.

بر اساس روزهای رسمی تعیین شده از سوی فدراسیون جهانی فوتبال، فیفا، برای برگزاری دیدارهای دوستانه میان تیم‌های ملی کشورهای جهان، این تیم‌ها می‌توانند در سال جاری بین روزهای ۳۰ ماه می تا ۱۴ ژوئن (۹ تا ۲۴ خرداد) از این فرصت استفاده کنند.

درحالیکه تقویم اکثر تیم‌ها برای این دیدارهای رسمی/دوستانه در FIFA Days مشخص شده است، ولی جزئیات برگزاری دیدارهای تیم ملی فوتبال ایران همچنان در پرده ابهام قرار دارد.

حرکت ارزشمند اعتراضی جمعی در ورزش علیه تبعیض جنسیتی!

درحالیکه ماموران حراست دانشگاه پلی‌تکنیک مانع تماشای دختران از بازی‌های فوتبال دانشگاه شدند، بازیکنان هم در یک اعتراض جمعی، حاضر به ادامه این مسابقات نشدند.

انصراف فوتبالیست‌های دانشگاه امیرکبیر از جام رمضان در اعتراض به ممانعت از حضور خانمها برای تماشای مسابقه، نشانه‌ای از اعتراض ملت ایران بهحکومت ایران آخوندهای حاکم بر کشورمان می‌باشد.

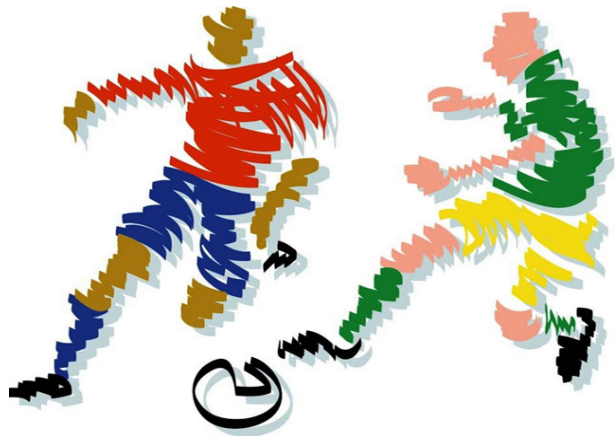
نساجی مازندران، قهرمان جام حذفی فوتبال ایران شد

در فینال جام حذفی فوتبال باشگاههای ایران، نساجی مازندران با یک گل آلومینیوم اراک را شکست داد و جام قهرمانی را نصیب خود کرد.

در تاریخ فوتبال ایران، این نخستین جام قهرمانی سراسری در سطح اول فوتبال بزرگسالان کشور برای استان مازندران است که نصیب باشگاه ۶۳ ساله نساجی می‌شود.

این قهرمانی در حالی به‌دست آمد که نساجی حتی زمین برای بازی‌های خانگی خود ندارد. این تیم در مشهد از حریفانش میزبانی می‌کند و در نیمه نهایی جام حذفی نیز در تهران از رقیب خود پذیرایی کرد!

این بازی در ورزشگاه آریامهر و با حضور ۵۰ هزار تماشاگر برگزار شد. نساجی برای رسیدن به‌مرحله نهایی، تیم‌های آرمان گهر سیرجان، گل‌گهر سیرجان، استقلال تهران و مس کرمان را از پیش رو برداشته بود.



ورزش در پژوهش

درخشش کشتی‌گیران ایران در مسابقات قهرمانی آسیا

کشتی آزاد ایران با کسب ۶ مدال طلا، ۱ مدال نقره و ۱ مدال برنز و ۲۰۱ امتیاز به‌عنوان قهرمانی رقابت‌های قهرمانی آسیا ۲۰۲۲ در مغولستان دست یافت.

سی و پنجمین دوره رقابت‌های کشتی آزاد بزرگسالان قهرمانی آسیا طی روزهای ۳ و ۴ اردیبهشت ماه در شهر «اولان باتور» مغولستان برگزار شد که در پایان تیم ایران با ۶ مدال طلای رحمان عموزاد در وزن ۶۵ کیلوگرم، یونس امامی در وزن ۷۴ کیلوگرم، علی سوادکوهی در وزن ۷۹ کیلوگرم، امیرحسین فیروزپور در وزن ۹۲ کیلوگرم، محمدحسین محمدیان در وزن ۹۷ کیلوگرم و یداله محبی در وزن ۱۲۵ کیلوگرم، مدال نقره داریوش حضرتقلی‌زاده در وزن ۶۱ کیلوگرم و مدال برنز محسن مصطفوی در وزن ۸۶ کیلوگرم و کسب ۲۰۱ امتیاز به‌عنوان قهرمانی دست یافت. پس از تیم ایران تیم‌های هند و قزاقستان به‌ترتیب با ۱۵۲ و ۱۵۱ امتیاز دوم و سوم شدند.

یکی از پیشکسوتان قدیمی کشتی ایران در خارج درگذشت

حسین ابراهیمیان معروف به ملاقاسمی، دارنده مدال نقره کشتی آزاد جهان در سال ۱۹۵۷ میلادی که سابقه حضور در رقابت‌های جهانی و المپیک در کشتی فرنگی و سرمربیگری تیم ملی را نیز داشت، به‌دلیل ابتلا بهسرطان و در سن ۹۰ سالگی در کشور هلند درگذشت.

روحش شاد و یادش گرامی باد

واگنشی کنفدراسیون آسیا به قهرمانی تیم ناج (استقلال)

تویبتر کنفدراسیون فوتبال آسیا با انتشار پوستر استقلال نوشت: «استقلال بعد از ۹ سال قهرمان لیگ حرفه‌ای ایران شد. در فاصله سه بازی مانده تا پایان لیگ، آنها بدون شکست باقی می‌مانند. موفقیتی که هیچ تیمی در تاریخ لیگ حرفه‌ای ایران به آن دست نیافته است.»

جریمه ده در صدی برای تمام اعضای تیم پرسپولیس

هیأت مدیره باشگاه پرسپولیس پس از حذف این تیم از رقابت‌های جام حذفی و عدم پیروزی در دربی پایتخت مقابل استقلال تهران تصمیم به جریمه مشروط ۱۰ درصدی اعضای تیم گرفت.

آنها در مصوبه خود اعلام کردند در صورتی این جریمه لحاظ نمی‌شود که در ادامه رقابت‌های لیگ برتر با نتایج درخشان بتوانند قهرمانی را جشن بگیرند.

شکست دو بر یک مقابل سپاهان در هفته بیست و هفتم لیگ برتر تیر خلاصی بر رویاهای این فصل پرسپولیس بود، چرا که تیم استقلال باتوجه به برد مقابل فولاد خوزستان، به عنوان قهرمانی زودهنگام لیگ دست یافت.

از این رو هیأت مدیره باشگاه خواستار فعال شدن مصوبه مربوط به جریمه ۱۰ درصدی اعضای تیم شد تا رضا درویش مدیرعامل باشگاه در نشست با یحیی گل محمدی این خبر را به سرمربی تیم اعلام کند.

این جریمه شامل تمام اعضای کادر فنی، پزشکی و بازیکنان تیم می‌شود که پس از پنج قهرمانی متوالی نتوانستند این عنوان را حفظ کنند.

این درحالی است که سرخپوشان پایتخت همچنان بابت قراردادهای فصل جاری خود طلبکار هستند و مشخص نیست چه زمانی این پول را دریافت می‌کنند.

«شهناز یاری» سرمربی تیم ملی فوتسال عراق شد

کادر ایرانی، مربیگری و هدایت تیم ملی فوتسال زنان عراق را برعهده گرفت.

سرمربی شهناز یاری که از مربیان باسابقه فوتسال زنان ایران است پس از انجام مذاکرات نهایی با مسئولان فدراسیون فوتبال عراق، هدایت تیم ملی فوتسال زنان این کشور را برعهده گرفت. وی به همراه تیم اصفهان قهرمانی لیگ برتر فوتسال زنان ایران شده بود.

در کادر فنی تیم ملی فوتسال زنان عراق دو مربی ایرانی دیگر نیز حضور خواهند داشت. مریم فانی به عنوان مربی بدنساز و شیما کریمی به عنوان مربی دروازه بانان به همراه یاری کادر فنی تیم ملی فوتسال عراق را تشکیل خواهند داد.

خانم‌ها: شهناز یاری، مریم فانی و شیما کریمی



«تاج» (استقلال) قهرمان لیگ برتر ایران شد

دیدارهای هفته بیست و هفتم لیگ برتر فوتبال ایران برگزار شد که در یکی از مهمترین بازی‌ها، تیم «تاج» (استقلال) با نتیجه ۲ بر ۱ فولاد خوزستان را شکست داد و در بازی دیگر، پرسپولیس تهران برابر سپاهان اصفهان با نتیجه ۲ بر ۱ شکست خورد.

با نتایج رقم خورده، استقلال در فاصله سه هفته مانده تا پایان لیگ و با کسب ۶۳ امتیاز به‌عنوان قهرمانی زودهنگام این رقابت‌ها دست یافت.

این چهارمین قهرمانی استقلال در مسابقات لیگ برتر فوتبال محسوب می‌شود که با هدایت فرهاد مجیدی رقم می‌خورد. استقلال ضمن کسب این عنوان قهرمانی، به‌پنج دوره قهرمانی متوالی پرسپولیس در لیگ برتر هم پایان داد.

پرسپولیس با ۷ بار قهرمانی در لیگ حرفه‌ای، پرافتخارترین تیم این رقابت‌ها به‌شمار می‌رود.

دوره‌های قهرمانی تیم‌های فوتبال برتر ایران

- ۱- پرسپولیس
- ۲- سپاهان
- ۳- پاس تهران
- ۴- فولاد خوزستان
- ۵- استقلال تهران
- ۶- سایپا
- ۷- پرسپولیس
- ۸- استقلال تهران
- ۹- سپاهان
- ۱۰- سپاهان
- ۱۱- سپاهان
- ۱۲- استقلال
- ۱۳- فولاد خوزستان
- ۱۴- سپاهان
- ۱۵- استقلال خوزستان
- ۱۶- پرسپولیس
- ۱۷- پرسپولیس
- ۱۸- پرسپولیس
- ۱۹- پرسپولیس
- ۲۰- پرسپولیس
- ۲۱- استقلال تهران

ورزشگاه آزادی دهه پنجاه خورشیدی قبل از رسیدن مردم به مقام انسانیت



این عکس هرکجای دنیا نشون بدی بگی ما پنجاه سال پیش
اینطور بودیم الان به این جایگاه رسیدیم یا ازت تست مواد
میگیرن یا تست عقل 😊😊😊

سعید ارمغانی سرمربی تیم ملی بسکتبال کشورمان شد

سعید ارمغانی بازیکن سابق تیم ملی بسکتبال کشورمان در دهه ۶۰ و ۷۰ شمسی (متولد سال ۱۳۴۱ در محله نازی آباد تهران) که سال‌ها است به‌عنوان مربی در کشور مجارستان به‌فعالیت مشغول بود به‌عنوان سرمربی تیم ملی بسکتبال کشورمان انتخاب شد.

وی به‌مدت یک سال (۱۳۸۲-۱۳۸۱) هدایت تیم ملی بسکتبال کشورمان را بر عهده داشته است.

ارمغانی در اواخر دهه ۶۰ شمسی (دهه ۸۰ میلادی) پس از حضور در باشگاه «مافک بوداپست» (مجارستان) با خانم «جویت بالوگ» ازدواج کرد و ساکن این کشور شد.
سوابق مربیگری:

سرمربی تیم ملی بسکتبال ایران (۲۰۰۲-۲۰۰۱ میلادی)

مدیر تیم کاهه تهران (۲۰۰۸-۲۰۰۶ میلادی)

مدیر ورزشی باشگاه و اشاش مجارستان (۲۰۰۸)

سرمربی باشگاه «ابودای کازاسوک» از سال ۲۰۱۸ تاکنون.

دستیاران سعید ارمغانی در تیم ملی کشورمان، آقایان مهران آتشی، محمد کسای پور و زلاتکو جوانوویچ خواهند بود.

مهاجرت یک ورزشکار ایرانی دیگر به‌خاطر ۵۰۰ دلار!؟

این روزها ورزش ایران در شوک مهاجرت یکی دیگر از ورزشکاران حرفه‌ای است. بهمن نصیری نفر اول تیم ملی روئینگ ایران که پیش از این موفق به کسب سهمیه المپیک توکیو هم شده بود، به‌تازگی به‌جمهوری آذربایجان مهاجرت کرده است. از نصیری به‌عنوان یکی از بخت‌های اصلی کسب مدال رقابت‌های آسیایی پیش‌رو زیر پرچم ایران یاد می‌شد، ولی او در تصمیمی که ظاهراً از قبل گرفته بود، از ایران مهاجرت کرد.

بهمن نصیری در شرایطی به‌صورت رسمی از ایران مهاجرت کرد تا برای جمهوری آذربایجان رقابت کند که پیش‌تر نیز یکبار چنین تصمیمی گرفته بود، ولی با وعده‌ی مسئولان ایرانی از این تصمیم منصرف شد.

آن‌طوریکه از خبرها و واکنش‌های موجود پیداست، بهمن نصیری به‌خاطر دریافت حقوق ماهانه ۵۰۰ دلار از ایران مهاجرت کرده است.

علیرضا سهرابیان، رئیس فدراسیون قایقرانی در رابطه به‌مهاجرت بهمن نصیری به کشور آذربایجان گفته است:

«چندین بار با مسئولان صحبت کردم؛ نصیری مشکل کار داشت و با مسئولان مطرح کردیم. دوستان وزارت نفت در نهایت این کار را انجام دادند و قرار شد نیمه دوم اردیبهشت او استخدام شود، ولی با برنامه‌ریزی‌ای که کرده بود و بدقولی‌هایی که از مدیران استان دیده بود، فکر کرد باز هم انجام نمی‌شود. قبل از آن چند بار مکاتبه کرده بودیم، اما انجام نشد و در نهایت او هم مانند سایر نخبگان از ایران رفت.» سهرابیان همچنین اضافه کرد:

«برای نصیری و همه قایقرانان هزینه زیادی شده تا به اینجا برسند. استخدام نصیری و پرداخت حقوق ماهیانه، ضرر و زیان کمتری داشت تا اینکه آذربایجان مفت و بدون هزینه از راه برسد و با پرداخت ۵۰۰ دلار او را به‌کار بگیرد. نصیری چیز زیادی نمی‌خواست، فقط شغل می‌خواست.»





یکتا جمالی در آلمان "درخواست پناهندگی" داده است

یکتا جمالی، پدیده ورزش وزنهبرداری زنان ایران در سال اخیر است. او در سن ۱۶ سالگی در رقابت‌های قهرمانی‌های ۲۰۲۱ جوانان جهان، برنده ۳ مدال برنز شد.

این ملی‌پوش ۱۷ ساله ورزش ایران در هفته گذشته در دسته ۸۷ کیلوگرم مسابقات وزنهبرداری جوانان ۲۰۲۲ جهان در یونان، مدال نقره را در حرکت یکضرب از آن خود کرد و بار دیگر برای ورزش ایران، افتخارآفرین شد.

یکتا جمالی یک روز پس از مدال‌آوری در یونان، اردوی تیم ملی ایران را در این کشور ترک کرد. حال اعلام شده که این ورزشکار جوان ایرانی از یونان به آلمان سفر کرده و در آلمان تقاضای پناهندگی داده است.

امیرمحمد شهنوازی، ملی‌پوش پیشین پارالیف‌تینگ ایران و قهرمان سابق آسیا در این رشته ورزشی، در مصاحبه با شبکه "ایران اینترنشنال" گفته است که او، یکتا جمالی را در روزهای اخیر از یونان به آلمان همراهی کرده است.

پناهندگی یکتا جمالی در آلمان در حالی صورت گرفت که «زهره پورامین»، سرپرست نایب‌رئیس زنان فدراسیون وزنهبرداری ایران به رسانه‌های داخلی گفته بود:

«نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده است. رئیس فدراسیون در یونان است تا بتواند یکتا جمالی را به ایران بازگرداند. البته در این زمینه رایزنی‌هایی با خانواده جمالی شده است تا بتوانیم او را به کشور برگردانیم.»

از ایران ۲ ورزشکار با ۵ همراه و سرپرست در مسابقات وزنهبرداری جوانان ۲۰۲۲ جهان در یونان حضور داشتند. یکتا جمالی و علیرضا یوسفی ملی‌پوشان موفق ایران در این رقابت‌ها بودند. علیرضا یوسفی نیز با رکوردشکنی، برنده سه مدال طلا در این مسابقات شد.

همزمان با پناهندگی یکتا جمالی، همچنین پریسا جهان‌فکریان، ملی‌پوش وزنهبرداری زنان ایران و دارنده سهمیه المپیک توکیو نیز اعلام کرد که به آلمان مهاجرت کرده است.

تیم ملی فوتبال ۷ نفره ایران نایب قهرمان جهان شد

تیم فوتبال هفت نفره ایران عصر امروز یکشنبه در فینال بازی‌های قهرمانی جهان به مصاف اوکراین رفت.

در پایان این بازی، اوکراین با یک گل پیروز شد و عنوان قهرمانی را به دست آورد. تیم ایران نایب قهرمان شد و برزیل هم عنوان سوم را از آن خود کرد.

این مسابقات به میزبانی اسپانیا برگزار شد.

رقم قرارداد کریم باقری با تیم ملی؛ هر بازی صد میلیون تومان!؟

کریم باقری که با درخواست دراگان اسکوچیچ به عضویت کادر فنی تیم ملی فوتبال ایران درآمد از جمله افرادی است که مشخص شده خبر دستمزد ۱۰۰ میلیون تومانی‌اش برای همراهی تیم ملی در هر بازی صحت دارد.

پس از افشای اسناد حقوق و پاداش‌های عجیب عزیزی خادم، رئیس عزل شده فدراسیون فوتبال به مشاوران رسانه‌های‌اش، و در ادامه ارقام دریافتی اعضای فدراسیون فوتبال در دوران ریاست او، این بار ارقام دریافتی کادر دراگان اسکوچیچ از سوی خبرگزاری اسپنا منتشر شده است.



علی‌رضا یوسفی با ارتقای رکورد جهانی قهرمان شد

علی‌رضا یوسفی، وزنه‌بردار ۱۸ ساله‌ی ایرانی در دسته‌ی فوق‌سنگین با رکوردشکنی و کسب سه مدال طلا بر سکوی نخست مسابقات قهرمانی وزنه‌برداری جوانان جهان ایستاد.

یوسفی تاریخ بیستم اردیبهشت سال جاری، در چارچوب رقابت‌های وزنه‌برداری قهرمانی جوانان جهان در یونان با مهار وزنه‌های ۱۷۷ کیلوگرم در یکضرب، ۲۳۹ در دوضرب و مجموع ۴۱۶ کیلوگرم، علاوه بر کسب سه مدال طلا، رکورد دو ضرب جوانان جهان که پیش از این در اختیار خودش بود را یک کیلوگرم ارتقاء داد.

علی‌رضا یوسفی، پیش از این در مسابقات قهرمانی ازبکستان با مهار وزنه ۲۳۸ کیلوگرمی رکورد دو ضرب جوانان جهان را در اختیار خودش در آورده بود.

گفتنی است که یوسفی در مجموع هر دو حرکت با اختلاف ۲۶ کیلوگرم نسبت به «میرزابایوف» از ازبکستان مدال طلای این رقابت‌ها را از آن خود کرد.



چین به طور رسمی از میزبانی جام فوتبال آسیا ۲۰۲۳ انصراف داد

به دلیل افزایش شیوع دوباره کرونا در چین، این کشور به طور رسمی از میزبانی مسابقات فوتبال جام قهرمانی آسیا سال ۲۰۲۳ انصراف داد.

حکومت چین استراتژی بسیار سختگیرانه را دنبال می‌کند، و برای ریشه‌کنی کامل کووید و رساندن افراد آلوده به ویروس کرونا به صفر، برنامه‌ی بسیار سختگیرانه‌ای را دنبال می‌کند و به همین دلیل بطور رسمی اعلام کرد بازی‌های این‌چینی برای این کشور بسیار دشوار و مشکل‌ساز است.

میلیون‌ها نفر بیش از یک ماه است در شهر شانگهای با کار تست گروهی و شهربندان کامل روبه‌رو هستند، اما هنوز هم ویروس کرونا ریشه‌کن نشده است.

قرار بود مسابقات جام قهرمانی آسیا با شرکت ۲۴ تیم در بهار سال آینده میلادی در ده شهر در چین برگزار شود.

به‌گفته مقامات کنفدراسیون فوتبال آسیا، هنوز جایگزینی برای چین انتخاب نشده است.

کاسه‌ی داغتر از آش



تیم ملی حَرَم (سوریه) 🇸🇾

تیم ملی مدافعان حَرَم (ایران) 🇮🇷



@bakhtiyari.mis



پریسا جهانفکریان از مهاجرتش به آلمان می‌گوید:

فکر کنم، خوشحال می‌شوند ما از ایران می‌رویم

«پریسا جهانفکریان» دختری که توانسته بود سهمیه رقابت‌های المپیک توکیو را برای نخستین بار برای وزنه‌برداری زنان ایران کسب کند، به آلمان مهاجرت کرده است. خانم جهانفکریان در بخشی از این پیام نوشته است: «هیس! دخترها که فریاد نمی‌زنند. این نجوایی بود که دائما در گوش‌مان می‌خواندند. فریادم را بی صدا، بغضم را نوش جان و اشک‌هایم را پنهان کردم.»

من از نیمه فراموش شده‌ی ایران می‌آیم. من از نیمه تحقیر شده و محدود شده‌ی ایران برمی‌خیزم، ولی من از نسلی سخن می‌گویم که فراموش شدن را باور نداشت. تحقیر شدن و محدود شدن را نپذیرفت.»

در فاصله ۴۸ ساعت پیش از پریسا جهانفکریان، «یکتا جمالی» وزنه‌بردار جوان ایران نیز در یونان هتل تیم ملی را ترک کرد و به اردو برنگشت. یکتا جمالی اولین مدال‌آور وزنه‌برداری زنان و پریسا جهانفکریان اولین دختری بود که سهمیه المپیک را کسب کرد. حالا هر دو ترک وطن کرده‌اند.

ساعاتی پس از اعلام مهاجرت پریسا جهانفکریان، با او در مورد چرایی این تصمیم و زمان خروج از ایران هم‌صحبت شدیم. خانم جهانفکریان به «ایران‌وایر» گفت:

«من از هفته‌ها قبل برای مهاجرت برنامه‌ریزی کردم و به آلمان آمدم. پس از المپیک، ورزش و تمرین کردن برای من ساده نبود. همه چیز سخت شد و جایی احساس کردم که دیگر اینجا جای من نیست. ساده‌ترین نمونه‌هایش این که من سالن تمرین نداشتم، امکانات اولیه وزنه‌برداری را نداشتم. کسی هم کمک نمی‌کرد.»

شایان ذکر است جمهوری ایران ستیز اسلامی علاقه‌ای به حضور ورزشکاران زن ایرانی در رویداد و رشته‌های ورزشی را ندارد و از ابتدای شورش سال ۵۷ در ایران در ایران، رشته‌های ورزشی مانند کشتی، وزنه‌برداری، بوکس و بدن‌سازی در کنار بیش از ۱۰ رشته ورزشی آبی مانند تمامی رشته‌های مرتبط با شنا، شیرجه و واترپلو برای زنان ایرانی ممنوع شد. برخی رشته‌ها فقط در بُعد داخلی برگزار شدند و برخی دیگر حتی در ایران نیز برای زنان ممنوع ماندند.

از دیدگاه سران جمهوری اسلامی، «مادر شدن» و بعد مانند



5 places around the world where people live the longest

Getting to live many long, healthy years is certainly desirable. After all, who wouldn't want to spend a few more decades with their family, some precious extra time with friends, or traveling the globe, checking off a few more spots in their golden years?

While much of it boils down to genetics, getting to live into your 80s, 90s, and maybe even make it to the century mark is becoming more common.

In fact, the United Nations expects the number of centenarians to grow eightfold by 2050. One way to know if you've got a higher chance of making it to 100? Just check your zip code to see if you live in a Blue Zone.

Here's a little about each and why they may hold the real secret to living as long as possible.

1- Sardinia, Italy

Sardinia was the first Blue Zone Buettner and his team identified back in 2004. According to the Blue Zones website, researchers found a "rare genetic quirk" carried by many of its inhabitants, which it linked to the population's hearty longevity. But it's not just genetics that make the destination's residents unique.

As the site notes, people living in Sardinia continue to have a very active lifestyle and still hunt, fish, and harvest most of their food locally. The community eats a largely healthy diet consisting of whole-grain bread, beans, garden vegetables, fruits, and mastic oil, all of which are important for heart health. Also important, "They laugh and drink wine together."

2- Okinawa, Japan

According to Blue Zones, the people living in Okinawa are fortunate enough to have extremely low rates of cancer, heart disease, and dementia compared to Americans. Their longevity can also be attributed to strong social ties, as well as a deep sense of purpose. "Older Okinawans can readily articulate the reason they get up in the morning," the site reports. "Their purpose-imbued lives give them clear roles of responsibility and feelings of being needed well into their 100s." The people here also favor a mostly plant-based diet.

3- Nicoya, Costa Rica

Costa Ricans have a saying that everyone should adopt: "pura vida," which translates to "pure life." This lust for living happily each and every day has served the people here well and rewarded them with a few extra healthy years. Again, it boils down to strong familial ties, a sense of purpose every day, and — you guessed it — eating well. "Eating fewer calories appears to be one of the surest ways to add years to your life," Blue Zones notes. "Nicoyans eat a light dinner early in the evening.

For most of their lives, Nicoyan centenarians ate a traditional Mesoamerican diet highlighted with the 'three sisters' of agriculture: squash, corn, and beans."

4- Ikaria, Greece

The Greek island of Ikaria is home to fewer than 10,000 people, but they are a healthy bunch. According to Blue Zones, they are nearly entirely free of dementia and chronic diseases. Additionally, one in three residents here lives into their 90s. How? According to researchers, it comes down to their social-centric culture, activity levels and diet, and love for a good glass of wine. "They enjoy strong red wine, late-night domino games, and a relaxed pace of life that ignores clocks.

Clean air, warm breezes, and rugged terrain draw them outdoors into an active lifestyle," the Blue Zones website states.

5- Loma Linda, California

Though Southern California offers a generally pleasant environment for all, the Seventh-day Adventists living in Loma Linda seemingly have it better than most. In fact, according to Blue Zones, they live about a decade longer than the average person, which could be due to their strict vegetarian diets and love for exercise. It could be because of their passion for helping others, too. "Like many faiths, the Seventh-day Adventist Church encourages and provides opportunities for its members to volunteer," Blue Zones shares, adding that they stay active and "find sense of purpose, and stave off depression by focusing on helping others."



Wedding Ceremonies

Ms. Golnar Djahanbani
specializes in the creation of
unique wedding ceremonies.

*Golnar designs a ceremony that fits
the couple's cultural and spiritual
backgrounds*

Golnar does not do a cookie cutter
approach to wedding ceremonies, she
creates a ceremony that embodies and
conveys the couple authentic unity

*Multi-Cultural Weddings
Non-Denominational Ceremony
Personalized Ceremony
Pre-Marital Counseling*

Anything you want!
Do you have your own wedding ideas?

Contact Information:
(310) - 924 - 9305
golnardjahanbani@gmail.com

Coming soon to our country, Iran, too!?



Afghanistan's Taliban order women to cover up head to toe!

Afghanistan's Taliban rulers on Saturday ordered all Afghan women to wear head-to-toe clothing in public — a sharp, hard-line pivot that confirmed the worst fears of rights activists and was bound to further complicate Taliban dealings with an already distrustful international community.

The decree says that women should leave the home only when necessary, and that male relatives would face punishment — starting with a summons and escalating up to court hearings and jail time— for women's dress code violations.

It was the latest in a series of repressive edicts issued by the Taliban leadership, not all of which have been implemented. Last month for example the Taliban forbade women to travel alone, but after a day of opposition, that has since been silently ignored.

The United Nations Assistance Mission in Afghanistan said it was deeply concerned with what appeared to be a formal directive that would be implemented and enforced, adding that it would seek clarifications from the Taliban about the decision.

“This decision contradicts numerous assurances regarding respect for and protection of all Afghans’ human rights, including those of women

and girls, that had been provided to the international community by Taliban representatives during discussions and negotiations over the past decade,” it said in a statement.

The decree, which calls for women to only show their eyes and recommends they wear the head-to-toe burqa, evoked similar restrictions on women during the Taliban's previous rule between 1996 and 2001.

“We want our sisters to live with dignity and safety,” said Khalid Hanafi, acting minister for the Taliban’s vice and virtue ministry.

The Taliban previously decided against reopening schools to girls above grade 6, renegeing on an earlier promise and opting to appease their hard-line base at the expense of further alienating the international community. But this decree does not have widespread support among a leadership that's divided between pragmatists and the hardliners.

That decision disrupted efforts by the Taliban to win recognition from potential international donors at a time when the country is mired in a worsening humanitarian crisis.

“For all dignified Afghan women wearing Hijab is necessary and the best Hijab is chadori (the head-to-toe burqa) which is part of our tradition and is respectful,” said Shir Mohammad, an official from the vice and virtue ministry in a statement.

“Those women who are not too old or young must cover their face, except the eyes,” he said. “Islamic principles and Islamic ideology are more important to us than anything else,” Hanafi said.

Senior Afghanistan researcher Heather Barr of Human Rights Watch urged the international community to put coordinated pressure on the Taliban.

“(It is) far past time for a serious and strategic response to the Taliban’s escalating assault on women’s rights,” she wrote on Twitter.

The Taliban were ousted in 2001 by a U.S.-led coalition for harboring al-Qaida leader Osama bin Laden and returned to power after America’s chaotic departure last year.

The White National Security Council condemned the Taliban's Saturday decree and urged them to immediately reverse it.

"We are discussing this with other countries and partners. The legitimacy and support that the Taliban seeks from the international community depend entirely on their conduct, specifically their ability to back stated commitments with actions," it said in a statement.

Since taking power last August, the Taliban leadership has been squabbling among themselves as they struggle to transition from war to governing. It has pit hard-liners against the more pragmatic among them.

A spokeswoman from Pangea, an Italian non-governmental organization that has assisted women for years in Afghanistan, said the new decree would be particularly difficult for them to swallow since they had lived in relative freedom until the Taliban takeover.

"In the last 20 years, they have had the awareness of human rights, and in the span of a few months have lost them," Silvia Redigolo said by telephone.

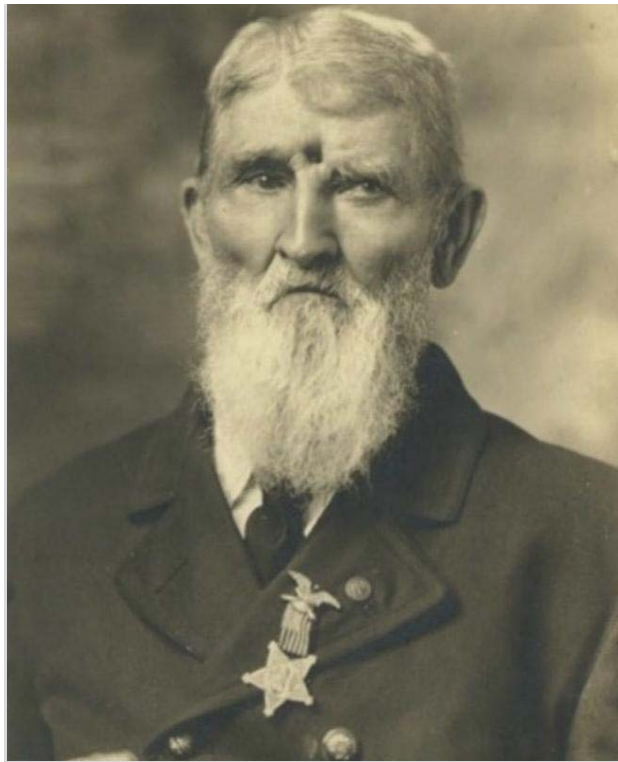
"It's dramatic to (now) have a life that doesn't exist," she said.

Infuriating many Afghans is the knowledge that many of the Taliban of the younger generation, like Sirajuddin Haqqani, are educating their girls in Pakistan, while in Afghanistan women and girls have been targeted by their repressive edicts since taking power.

Girls have been banned from school beyond grade 6 in most of the country since the Taliban's return. Universities opened earlier this year in much of the country, but since taking power the Taliban edicts have been erratic. While a handful of provinces continued to provide education to all, most provinces closed educational institutions for girls and women.

The religiously driven Taliban administration fears that going forward with enrolling girls beyond the sixth grade could alienate their rural base, Hashmi said.

In the capital, Kabul, private schools and universities have operated uninterrupted.



Civil War Veteran Jacob Miller
Was Shot In The Forehead In The
Battle Of Chickamauga, 1863

Yes, that's a bullet hole in the forehead of Jacob C. Miller, who served as a soldier in the Union Army during the Civil War. A gunshot "between the eyes" is almost always fatal, but somehow Miller survived this wound, which he incurred on Brock Field at Fort Oglethorpe, Georgia, in the Battle of Chickamauga, 1863. Doctors examining him later were able to see his pulsating brain quite clearly.

When Miller was shot, he crumpled to the ground, and he would later say that he could hear the words of his captain: "It's no use to remove poor Miller, for he is dead." Miller's own description of what happened next is chilling:

At last, I became conscious and raised up in a sitting position. Then I began to feel my wound. I found my left eye out of its place and tried to place it back, but I had to move the crushed bone back as together as near together as I could first. Then I got the eye in its proper place. I then bandaged the eye the best I could with my bandana.



What does the color of your pee reveal about your health?

Doctors explain

Yahoo! Life

JOCELYN SOLIS-MOREIRA May 11, 2022, 2:50 PM

Whether you're the queen of England or a newborn baby, everyone pees. The average person flushes five to six times a day, but urine is not something most people typically keep a close eye on — unless they suddenly notice an unusual color in the toilet.

Despite what you might have heard, clear urine is not the only hallmark of good health. A range of colors is acceptable.

First, why do you need to pee?

Urine is made up of excess water, electrolyte salts and other waste. The kidneys produce urine, which finds its way into the bladder and is later excreted. The bladder fills up, and eventually reaches a point when it can't hold anymore, which causes the sensation that informs you that you must make a visit to the bathroom.

This process is necessary because it's harmful to have too much water in your system. Dr. Mark Ellerkmann, director of the Center for Urogynecology at Mercy Medical Center in Baltimore, tells Yahoo Life that toxins in the body and bloodstream need to be eliminated.

As the kidneys filter the blood, they remove toxins and extra water to make urine.

Of course, if your pee is coming out a blood orange color, it's normal to be concerned. Some health conditions can change the color of urine. Fortunately, experts say, there are also many nonmedical reasons for such changes

Why does urine change color?

Ellerkmann says that the shade can depend on urine concentration, which influences a natural pigment called urochrome. When the urine is more concentrated (with less water and more waste product), it's darker. When you're hydrated, the urine is less concentrated and you have a clear or light color.

Other things, for example, your medication, your diet and any infections you may experience, can cause the urine to change color. "Your color can vary depending on your hydration status.

Any transient changes in urine color should not alarm you," Ellerkmann says.

So what does the color of your urine mean?

The color of your urine can serve as a window to your health.

If your urine is yellow...

If you're well-hydrated, your urine will probably be a clear or light yellow. Ellerkmann explains that this has to do with maintaining a balance of fluids as the kidneys eliminate excess fluid in the body. "We don't want to become dehydrated, but we also don't want to become over-hydrated," he says. "This whole concept of homeostasis and fluid management is something the kidneys handle."

When a person is getting enough water, the kidney flushes out the excess, leaving a clear, lighter color. With dehydration, the kidney holds on to the fluids, and the urine is darker.

"Generally, I tell patients to drink enough water to keep their urine light yellow, but that amount can be different for everybody," Dr. Jason Kim, associate professor of urology at the Renaissance School of Medicine at Stony Brook University and director of the Women's Pelvic Health and Continence Center at Stony Brook Medicine, tells Yahoo Life.

If your urine is orange...

One of the most common explanations for orange urine is medication. Kim explains that pyridium is frequently prescribed for urinary tract infections (UTIs), and that one of its side effects is that it turns urine a reddish-orange. This is a sign that the medicine is doing its job, and the color will go away once you stop taking the medication. Some laxatives and certain chemotherapy drugs have the same effect.

Kim says taking high amounts of vitamin also produce a bright yellow or orange urine. These vitamins, such as riboflavin, are water-soluble and not completely absorbed by the body. When there is too much vitamin B, the kidneys filter and remove the excess, resulting in a lot of bright yellow to orange urine. Another nutrient responsible for orange urine is beta carotene, the pigment that gives carrots its orange color.

If your urine has a blue or green tint...

Kim says medications including some anesthetics, such as propofol, have occasionally turned urine blue. For those undergoing a procedure or medical intervention, doctors can sometimes use certain dyes that can make the urine look blue.

Eating foods with strong food coloring dyes can also cause urine to turn a shade of blue or green.

If your urine is brown...

If you're dehydrated, your urine may have a brown hue to it. Kim says dark brown urine indicates you're not drinking enough fluids, because your urine is too concentrated.

But if you're chugging water regularly, Ellerkmann says one reason for brown urine is that you've recently eaten some blackberries. If that's the case, he says the urine color change is harmless and probably means you have just eaten a lot of the fruit in a short time.

However, according to the Mayo Clinic, some liver and kidney disorders, as well as some urinary tract infections, can turn urine dark brown and warrant a doctor's visit.

If your urine is cloudy...

Cloudy urine and a burning sensation or difficulty urinating can be a sign of a urinary tract infection. Kim says it's important to see your doctor for a workup and get the right antibiotics for quick relief.

If your urine is dark or red...

While reddish pee can be due to eating certain types of produce — “some vegetables with vitamin B, rhubarb or beets can cause red urine,” notes Kim — a dark hue may represent blood in the urine, also called hematuria.

Ellerkmann says this can be caused by several conditions involving the bladder and kidneys. “If it has more of a coffee grounds appearance, that would be very concerning,” he says. It can be a sign of blood in the urine from kidney stones, kidney cancer or bladder cancer.

One indicator that dark urine is from blood, says Ellerkmann, is if it continues to show up for several days. “Persistent bright-red blood, bloody urine or very dark-colored urine should be evaluated,” he says.

When to go to the doctor

Blood in the urine is never normal and can signal a serious medical condition that should alert you to see your health care provider or a urologist immediately. A range of health problems involves blood in the urine, including:

Kidney stones

Cancer

Urinary tract infection

Kidney disease

Bladder disease

“The American Medical Association recommends a workup if there's blood in the urine, and this would include specialized urine tests, along with some sort of imaging tests such as a CAT [computerized tomography] scan and a cystoscopy,” Kim explains





An artist's impression of the space hotel. (Orbital Assembly)

The world's 1st space hotel is scheduled to launch in 2025

Everyone wants to plan a vacation that is out of this world, but Orbital Assembly Corporation is taking that dream literally. The company recently announced a new project that could launch a space hotel into orbit as soon as 2025; they plan to design two new stations customized to accommodate space tourism. The first, which might launch in just three years, has been coined Pioneer Station—and it's an all-inclusive luxury dwelling that offers "incredible views of space from the comfort of your own hotel room stocked with gravity," notes the company's website.

According to its brochure, the Pioneer will be the first hybrid space station for both work and stay and offers accommodations for up to 28 people. The larger hotel, dubbed Voyager, can hold as many as 400 guests and is scheduled to open in 2027. "Voyager is a rotating space station designed to produce varying levels of artificial gravity by increasing or decreasing the rate of rotation," OAC's website states. "Artificial, or simulated, gravity is essential to long term habitation in space." Though gravity is not yet available on either station, both Pioneer and Voyager are slated to have this technology in place by their respective launch dates; this will allow passengers to move around freely, just as they would on Earth.

Each station is shaped like a wheel with modules built around the Gravity Ring (see image above), which is believed to be the first, at-scale platform capable of providing this level of artificial gravity, notes the company's press release.

These modules will house office spaces and research facilities that will be available for rent. Military groups, research organizations, and other entities will be able to launch and attach to this Gravity Ring, which "can simulate all levels of gravity including Mars," the release states.

While guests will still experience some weightlessness during their stay, the Gravity Ring makes it possible for them to easily drink out of a cup—and they won't need to be strapped down to their beds at night, SmithsonianMagazine reports. Early designs of both Pioneer and Voyager's interiors are indicative of an experience that doesn't look too dissimilar to a luxury hotel here on Earth, with complete kitchens, bars, and more.

